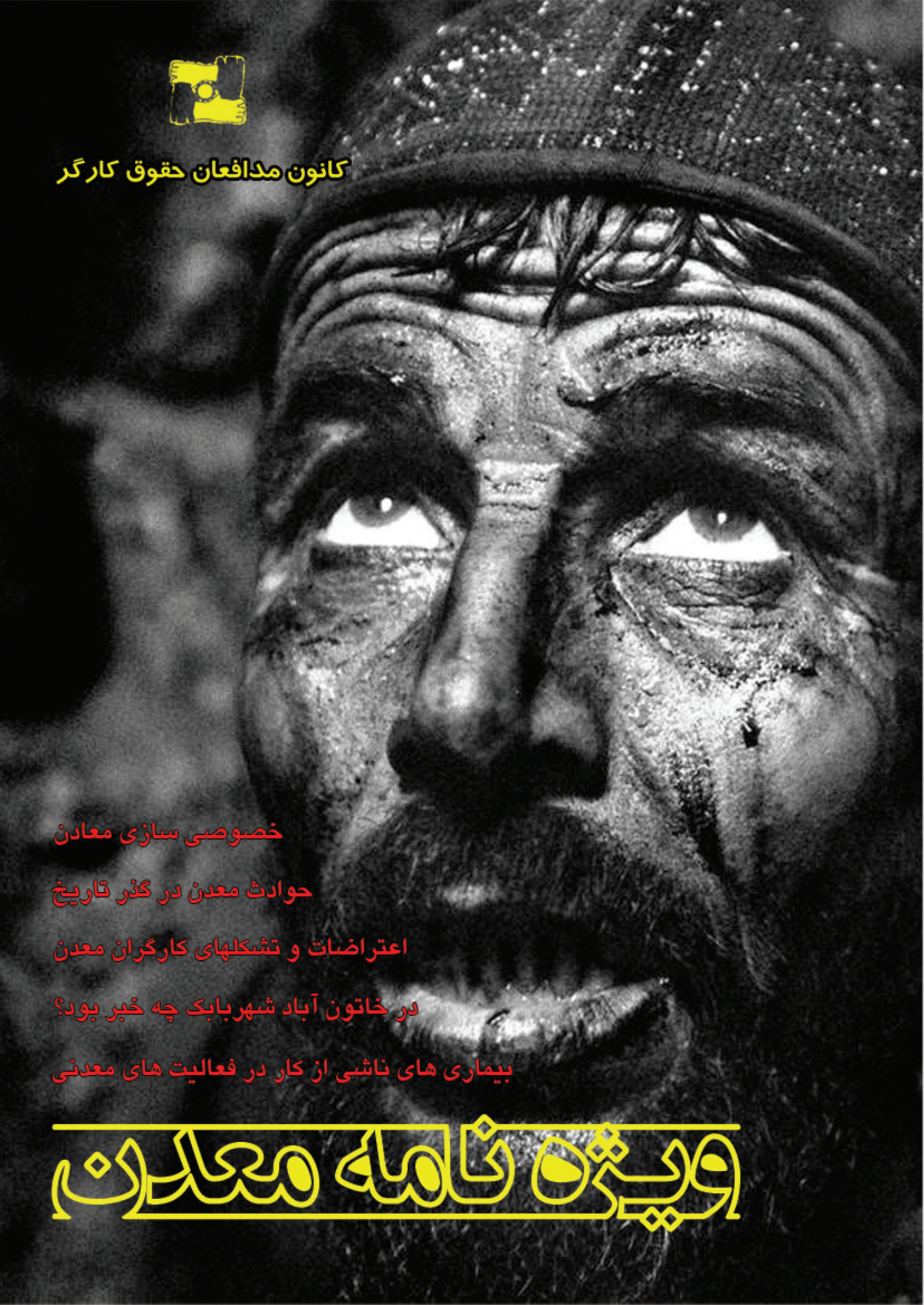

کانون مدافعان حقوق کارگر

خصوصی سازی معادن

حوادث معدن در گذر تاریخ

اعتراضات و تشکلهای کارگران معدن

در خاتون آباد شهربابک چه خبر بود؟

بیماری های ناشی از کار در فعالیت های معدنی

ویژه نامه معدن

ویژه نامه‌ی کارگران معدن

فهرست مطالب

نگاهی آماری به وضعیت معادن / ص ۲

خصوصی‌سازی معادن / ص ۴

حوادث کار در معدن و دلایل آن / ص ۱۵

حوادث معدن در گذر تاریخ / ص ۲۰

بیماری‌های ناشی از کار در فعالیت‌های معدنی / ص ۲۳

زندگی کارگران معدن / ص ۳۰

مسکن کارگران معدن / ص ۳۴

اعتراضات و تشکل‌های کارگران معدن / ص ۳۵

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق ص ۴۲

اعتراضات مردمی علیه نابودی محیط زیست ناشی از فعالیت‌های معدنی ص ۴۳

در خاتون آباد شهربابک چه خبر بود؟ / ص ۵۰

Kanoon.m.h.kargar@gmail.com

www.kanoonm.com

جدول ۱- شاخص‌های منتخب معادن درحال بهره‌برداری کشور بر حسب بخش عمومی و خصوصی ۱۳۹۱-۱۳۹۰

شرح	۱۳۹۰			۱۳۹۱		
	جمع	بخش خصوصی	بخش عمومی	جمع	بخش خصوصی	بخش عمومی
تعداد معادن	۵۲۴۶	۵۰۳۶	۲۰۹	۵۳۱۶	۵۱۲۴	۱۹۲
تعداد شاغلان	۸۴۵۲۸	۶۶۶۷۸	۱۷۸۵۰	۸۴۹۲۲	۶۲۹۴۸	۲۱۹۷۴
ارزش افزوده (میلیارد ریال)	۵۰۴۲۲	۳۵۰۶۹	۱۵۳۵۳	۷۹۱۶۳	۵۱۳۰۹	۲۷۸۵۵
جبران خدمات شاغلان (میلیارد ریال)	۷۳۱۷	۵۰۹۴	۲۲۲۳	۸۸۵۸	۵۹۹۱	۲۸۶۶
سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)	۶۱۴۹	۳۷۳۱	۲۴۱۸	۸۶۰۷	۴۳۹۴	۴۲۱۳
بهره‌وری نیروی کار (میلیون ریال)	۵۹۷	۵۲۶	۸۶۰	۹۳۲	۸۱۵	۱۲۶۸

نگاهی آماری به وضعیت معادن

ایران از نظر تنوع معدنی جزو ۱۰ کشور برتر جهان است و ۶۸ نوع ماده معدنی قابل استخراج در آن شناسایی شده است. ایران روی کمربند آهن، روی، سرب، مرمریت، مس و طلا قرار گرفته است و دست‌کم ۱۰۰ سال مواد معدنی برای تولید و استخراج دارد در کشور حدود ۴۰ میلیارد تن ذخیره معدنی وجود دارد، از سنگ آهن و سرب و روی گرفته تا اورانیوم و تیتانیوم، طلا و انواع سنگ های تزئینی ، خاک سرخ ، گچ ، نمک ، سلستین و زئولیت ، سولفات سدیم ، زغالسنگ و کرومیت....

در حال حاضر ۱۲ معدن مهم جهان، ۸ درصد ذخایر روی و ۳ درصد ذخایر سرب جهان در ایران قرار گرفته است و ذخایر شناسایی‌شده مس نیز به بیش از ۳۰ میلیون تن می‌رسد. طبق پیش‌بینی‌ها و بررسی‌های صورت گرفته براساس آمار اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت طی نیم قرن اخیر در معادن و صنایع معدنی ایران ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته که حاصل آن درآمد سالانه ۱۵ میلیارد دلاری از این واحدها است.

مطابق با آخرین آمار منتشره‌ی مرکز آمار ایران، تعداد معادن در حال بهره‌برداری کشور درسال ۱۳۹۱ با ۷۰ مورد افزایش، ۱.۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است که تنها ۳.۶ درصد معادن کشور در اختیار بخش عمومی و ۹۶.۴درصد در اختیار بخش خصوصی بوده‌اند و نسبت به سال ۱۳۹۰ معادن بخش عمومی ۰.۴ درصد کاهش داشته است. در سال ۹۲ معادن تحت مالکیت بخش خصوصی به ۹۸ درصد کل معادن رسیده است.

این آمار نشان از این دارد که این خوان نعمت برای بخش خاصی از ما بهتران گسترده شده است. به گفته‌ی معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت عمده مواد معدنی که در اختیار دولت است شامل سنگ آهن، سرب و روی است.۱۲ معدن فعال طلا در کشور وجود دارد که بیشتر این معادن در سه سال گذشته فعال شده‌اند و تنها یکی دولتی است و میزان معادن مس و آهن نیز به ترتیب ۳۹ و ۱۳۳ معدن است. (۱)

برای اینکه حجم این ثروت عظیم را دریابیم باز به آمار برمی‌گردیم. مطابق آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۱، حدود ۳۴۰,۴۶۱ هزار تن مواد معدنی به ارزش ۱۰۱,۲۱۰ میلیارد ریال تولید شده است. از این مقدار حدود ۵۴۱۶ هزار تن مواد معدنی به ارزش ۶۱۱ میلیون دلار به طور مستقیم از معدن به خارج از کشور صادر شده است این درحالی است که در سال ۱۳۹۰، حدود ۵۲۸۶ هزار تن مواد معدنی به ارزش بیش از ۸۸۸ میلیون دلار صادر شده است. به این ترتیب، مقدار صادرات مستقیم معادن در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۲.۵ درصد افزایش داشته اما ارزش آن (برحسب دلار) بیش از ۳۱.۲ درصد کاهش داشته است.

ارزش افزوده معادن در حال بهره برداری در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال قبلش ۵۷ درصد افزایش داشته است و بالغ بر ۷۹.۱۶۳ میلیارد ریال بوده است. ارزش افزوده معادن بخش عمومی در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایشی معادل ۸۱.۴ درصد

داشته است، این درحالی است که بخش خصوصی ۴۶.۳ درصد افزایش داشته است. افزایش بهره وری نیروی کار به میزان ۵۶.۳ درصد در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ امکان این میزان ارزش افزوده را فراهم کرده است.

مجموعا ۸۴۹۲۲ نفر در معادن در حال بهره‌برداری کشور مشغول به کار بوده‌اند که از این تعداد ۲۰۲۶۱ نفر کارگران ساده، ۲۴۲۳۶نفر کارگران ماهر، ۳۲۸۳ نفر تکنسین‌ها، ۴۸۶۰ نفر مهندسین، ۱۴۳۴۲ نفر شاغلان امور حمل و نقل و ۱۷۹۴۱ نفر شاغلان امور اداری و مالی بوده‌اند.

مرکز آمار ایران در آخرین آمارگیری از معادن کشور اعلام کرد که حدود ۱.۲ درصد از کل شاغلان در بخش معدن را زنان تشکیل می دهند، به طوری که از ۸۴ هزار و ۵۲۸ شاغل در بخش معدن در سال ۱۳۹۰ معادل یک هزار و ۷۹ نفر زن بودند.

نتایج آمارگیری از معادن در حال بهره برداری کشور در سال ۱۳۹۰ نشان داد از مجموع یک هزار و ۷۹ نفر شاغل زن در معادن کشور، بیشترین نفرات در معادن سنگ آهن به تعداد ۳۰۱ نفر، معادن شن و ماسه با ۱۴۶ نفر، سنگ مس با ۱۲۵ نفر، استخراج زغال سنگ با ۹۶ نفر و سنگ تزئینی با ۹۵ نفر مشغول به کار بوده‌اند.

در عین حال به استناد گزارش مرکز آمار ایران از مجموع زنان شاغل در بخش معدن تعداد ۳۲۱ نفر در بخش تولیدی و ۷۵۸ نفر در بخش غیرتولیدی مشغول به کار بودند. جالب است بدانیم که نظام آموزش عالی از سال ۱۳۸۹ پذیرش بانوان را در رشته معدن منع کرده است. (۲)

در چکیده‌ی آمار منتشره توسط سازمان آمار حقوق و دستمزد کارگران با اصطلاح "جبران خدمات شاغلان" آمده است و مطابق با آن میزان دستمزد و حقوق پرداختی به کارکنان معدن در سال ۹۱ مبلغ ۱۵۴۱ میلیارد ریال یعنی ۲۱.۱درصد افزایش داشته‌اند.

سرانه جبران خدمات شاغلان معادن بخش عمومی در سال ۱۳۹۱، حدود ۱۳۰.۴ میلیون ریال و درسال ۱۳۹۰ حدود ۱۲۴.۵میلیون ریال بوده است که به این ترتیب افزایشی معادل ۴.۷ درصد داشته است. سرانه جبران خدمات شاغلان بخش خصوصی در سال ۱۳۹۱، حدود ۹۵.۲ میلیون ریال و درسال ۱۳۹۰ حدود ۷۶.۴ میلیون ریال بوده است که ۲۴.۶درصد افزایش داشته است. مقایسه ی ساده ای میزان افزایش بین ارزش افزوده و دستمزدها گویای همه چیز است. در اصطلاح می‌گویند:" معدن مساوی است با ارزش افزوده."

ارزش سرمایه‌گذاری معادن در حال بهره برداری

ارزش سرمایه‌گذاری معادن در حال بهره برداری در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰، ۴۰ درصد افزایش داشته است.

از کل ۸۶۰۷ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری درسال ۱۳۹۱، مبلغ ۵۹۶۴ میلیارد ریال مربوط به ماشین‌آلات، ابزار و و سایل کار با دوام، ۴۷۴ میلیارد ریال مربوط به وسایل نقلیه، ۱۵۱ میلیارد ریال مربوط به لوازم و تجهیزات اداری، ۱۵۲۹ میلیارد ریال مربوط به ساختمان و تأسیسات (بدون زمین)، ۱۱۲ میلیارد ریال به راه اختصاصی، ۳۱۷ میلیارد ریال مربوط به توسعه و اکتشاف، ۲۰ میلیارد ریال مربوط به نرم افزارهای رایانه‌ای و بالاخره ۴۰ میلیارد ریال مربوط به سایر موارد سرمایه‌گذاری بوده است که جبران خدمات کارکنان را هم شامل می‌شود و در سال ۱۳۹۱، بهره‌وری نیروی کار در بخش عمومی ۱۲۶۷.۶میلیون ریال و

بهره‌وری نیروی کار در بخش خصوصی ۸۱۵.۱ میلیون ریال بوده است که نشانگر ۴۷.۴ درصد افزایش در بخش عمومی و ۵۴.۹درصد افزایش در بخش خصوصی است، (۳)

همان طور که در آمارها مشخص است میزان دستمزد و حقوق کارگران تنها ۲۴.۶ درصد افزایش داشته در حالی که بهره وری در بخش عمومی ۴۷.۴ درصد و ۵۴.۹درصد در بخش خصوصی افزایش داشته و ارزش افزوده در بخش عمومی۸۱.۴ درصد و در بخش خصوصی۴۶.۳ افزایش داشته است.

منابع

۱- خبرگزاری مهر

http://www.shafaf.ir/fa/news/177730/98%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%DB%8C

2- http://www.entekhab.ir/fa/news/158008/1079-%D8%B2%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%DA%A9%D8%A7%D8%B1-%D9%85%DB%8C-%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF

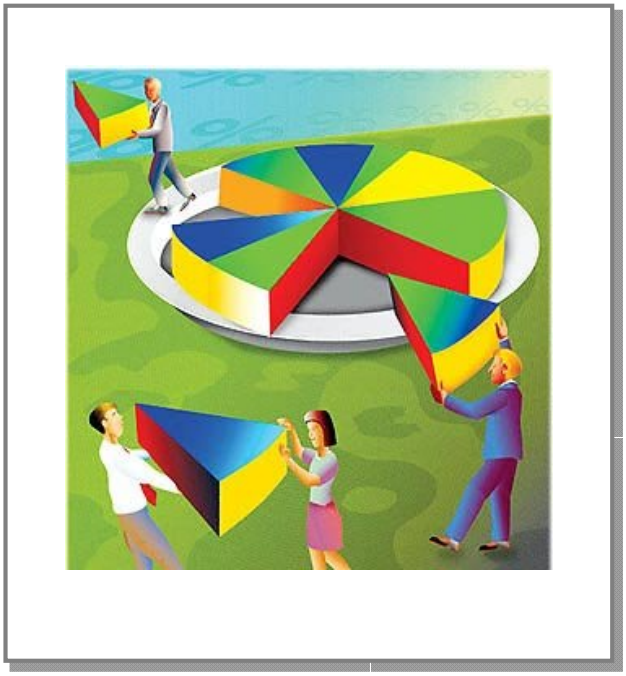

خصوصی‌سازی معادن

مطابق با آخرین آمار منتشره‌ی مرکز آمار ایران در سال ۹۲ معادن تحت مالکیت بخش خصوصی به ۹۸ درصد کل معادن رسیده است. برمبنای آمار اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۹۲ خصوصی‌سازی در بخش معدن و صنایع معدنی درآمد ۲۶ هزار میلیارد تومانی را به همراه داشته؛ رقمی که موجب شد تا این بخش عنوان پیشتاز در خصوصی‌سازی را از آن خود کند و اعلام شد که باید این روند ادامه یافته و شرکت‌ها و معادن باقیمانده نیز خصوصی شوند.(۱)

خصوصی‌سازی در بخش معدن در سال ۹۳ نیز ادامه داشته است.

تا پیش از سال ۷۷ امکان حضور بخش خصوصی در معادن به جز معادن شن و ماسه وجود نداشت و مالکیت معادن در اختیار دولت بود. در این سال قانون معادن تغییر کرد و به این طریق این امکان برای بخش خصوصی به وجود آمد تا در بخش معدن حضور پیدا کند.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در خصوص واگذاری‌های صورت گرفته در بخش معدن، می‌گوید: خصوصی‌سازی از سال ۱۳۸۱ در کشور مطرح شده و پیشتاز این امر، بخش معدن و صنایع معدنی بوده است؛ به طوری که در ایمیدرو (۲) تا پایان

لیست شرکت‌های معدنی قابل واگذاری در سال ۹۳

شرکت مادر تخصصی	شرکت در برنامه واگذاری	درصد واگذاری	نام گروه
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	آلومینیوم المهدی به همراه ۱۰۰ درصد از ارزش طرح هرمزال	۷۷/۲۲	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	آلومینای ایران	۱۰۰	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	بین‌المللی معدنی ایرتیک	۴۳/۵۲	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	فولاد زاگرس	۳۲/۸۳	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	موسسه تحقیقات و کاربرد مواد معدنی	۴۰	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	فولاد آذربایجان به همراه ۶۵ درصد از ارزش طرح فولاد میانه	۱۰۰	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	زغال سنگ البرز مرکزی	۱۰۰	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	مس شهر بابک «میدوک»	۱۰۰	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	نورد و لوله اهواز	۴۵/۳۱	گروه یک
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران	توسعه خدمات بازرگانی نور ایران انبارهای نبرد	۹۶/۴۹	گروه یک

سال ۱۳۹۲ حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان واگذاری صورت گرفته است.

به گفته معاون امور معادن و صنایع معدنی طی این مدت خصوصی‌سازی در صنایع فولاد و مس ۱۰۰ درصد و صنعت آلومینیوم ۵۰ درصد صورت گرفته است. وی اظهار کرد: خصوصی‌سازی قابل توجهی در بخش معدن رخ داده است.

خصوصی‌سازی معادن در ماه‌های پایانی دولت دهم سرعت بیشتری گرفت. در ابتدا سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) کاملاً مخالف چنین واگذاری بود. ناظر مجلس در شورای عالی معدن در این رابطه اظهار کرد که سازمان ایمیدرو با چنین واگذاری کاملاً مخالف است زیرا رئیس این سازمان باید در این واگذاری نقشی داشته باشد و چون ریاست این سازمان به تازگی چنین مسئولیتی را عهده‌دار شد، قطعاً با کم و کیف قضیه تا حدودی ناآشناست از این رو مخالف است. (۳)

پس این مخالفت‌ها به دلیل صیانت از اموال عمومی نیست فقط از این روست که نقشش نادیده گرفته شده است.

اما کمی بعد رییس هیات‌مدیره ایمیدرو گفت:" اولویت ایمیدرو برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های معدنی ابتدا سرمایه‌گذاران داخلی، سپس سرمایه ایرانیان مقیم خارج و پس از آن سرمایه‌گذاران خارجی است... در دیدار و مذاکره با چند نفر از سرمایه‌گذاران خارجی که در محل ایمیدرو انجام شد، استقبال زیادی برای سرمایه گذاری در طرح‌های معدنی ایران انجام گرفته و در برخی موارد توافق‌هایی نیز حاصل و توافقنامه هم امضا شده است که از جمله آنها می توان به اجرای طرح الکترود گرافیتی و طرح آلومینیوم جنوب به عنوان نخستین پروژه بزرگ ایمیدرو در منطقه ویژه لامرد اشاره کرد ... اجرای هفت طرح فولادی استانی که با مشارکت ۶۵درصدی بخش خصوصی و ۳۵درصدی ایمیدرو انجام شود. همچنین می توان به انتشار فراخوان طرح احداث کارخانه فرآوری باطله‌های معدن سنگ آهن جلال آباد اشاره کرد که ۴۴ سرمایه‌گذار داخلی برای مشارکت در این طرح اعلام آمادگی کردند.

از سوی دیگر اعلام شد که ایمیدرو اجرای طرح‌های اکتشافی را به منظور توسعه بخش معدن در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و برای سرعت بخشیدن به فعالیت‌های اکتشافی، قراردادی را برای اکتشاف معادن در سطح ۱۲هزارکیلومترمربع از منطقه سنگان با بانک ملت و سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور امضا کرده است. همچنین قرار است در آینده نزدیک در منطقه سراوان از گوادر تا خراسان رضوی در وسعتی به میزان۳۰هزار کیلومتر مربع کار اکتشافی با مشارکت بخش خصوصی انجام شود. با اجرای این طرح‌ها بخشی از مواد اولیه مورد نیاز صنایع معدنی کشور تامین خواهد شد. همچنین طرحی در ایمیدرو آماده شده که بر اساس آن باید تا پایان سال آینده ۲۰۰هزارکیلومترمربع کار اکتشافی در کشور انجام شود. اولویت در این طرح نیز اکتشاف در مناطق پرپتانسیل و دارای اکتشاف اولیه است. (۴)

البته برخی مسوولان هم مخالف این نوع خصوصی‌سازی هستند. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران خواهان توقف واگذاری تا زمان بازگشت ثبات اقتصادی است و گفته است: در شرایط فعلی هر فردی به نوعی در این واگذاری‌ها برنده می شود و درآمد باد آورده ای با ارزش ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد قیمت پرداختی خواهد داشت... هم اکنون نظام چند نرخی ارز در جامعه حاکم است و به همین دلیل دسترسی به ارز ارزان برای عده ای مساوی با قرار گرفتن در سرچشمه رانتی است که ممکن است فساد را در اقتصاد به همراه داشته باشد. (۵)

بر اساس گفته‌های نعمت‌زاده طی سال‌های گذشته مجوزهای زیادی در بخش معدن به صورت رانتی و بدون هیچ‌گونه تخصص و پیشینه‌ای به افراد بانفوذ یا اعضای خانواده‌های آنها واگذار شده

است. رانتی که بدون هیچ‌گونه هزینه و حتی فعالیتی پس از گذشت مدت کوتاهی سود مالی کلانی برای دارنده مجوز به همراه دارد. به این ترتیب که یک فرد بانفوذ با دریافت مجوز یک معدن بکر پس از مدتی مجوز را با قیمت بالایی به فروش می‌رساند یا این‌که در استخراج آن شریک می‌شود.

اما به‌طور قطع رانتی که در این بخش از اقتصاد کشور وجود دارد به این مورد یا ۱۵۰مجوزی که از سوی وزیر صنعت باطل شده خلاصه نمی‌شود چرا که بررسی مجوزها و تعداد معادن فعال و غیرفعال کشور نشان می‌دهد که بخش بزرگی از معادن کشور پس از دریافت مجوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند . افراد زیادی بدون زحمت و صرف هزینه فقط با در دست داشتن رانت اطلاعاتی و رابطه‌ای مجوز بهره‌برداری از معادن را در اختیار گرفته و بعد از ۶ماه تا یک سال معدن را به قیمتی بسیار گزاف به افراد دیگر واگذار کنند. آمارها نشان می‌دهد در سال‌های ۸۵ تا ۹۱ به‌طور میانگین ۲۵درصد از معادن کشور یعنی یک‌چهارم آنها غیرفعال بودند که رقم بالایی محسوب می‌شود." (۶)

در تمام این سال‌ها خصوصی‌سازی معادن همراه با رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی که خواص از آن بهره‌مند بودند به گونه‌ای بوده که حتا گروه‌هایی از بخش خصوصی که از این خوان گسترده بی‌نصیب مانده بودند به صدا در آمدند. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران اواخر سال ۹۱ در بیانیه‌ای خواستار توقف واگذاری‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تا زمان بازگشت ثبات به اقتصاد کشور شده بود.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران با اعلام دلایل درخواست فعالان اقتصادی برای توقف واگذاری‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تا زمان بازگشت ثبات اقتصادی، گفته بود: در شرایط فعلی هر فردی که به نوعی در این واگذاری‌ها برنده شود و اقبال داشته باشد، درآمد بادآورده‌ای با ارزش ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد قیمت پرداختی خواهد داشت. (۷)

یکی از کارشناسان سابق سازمان زمین‌شناسی کشور و فعال بخش معدن که به شیوه واگذاری معادن معترض است، می گوید: واگذاری برخی معادن با ابهاماتی رو به رو است به عنوان مثال معدن مس سرچشمه سنگ آهن چادرملو و گل گهر مشخص نشد که به چه اشخاصی واگذار شد و کیفیت واگذاری آن چگونه بود... سازمان خصوصی‌سازی مدعی است که ما حق بهره‌برداری را واگذار می‌کنیم در حالی که این گونه نیست ... برای چنین واگذاری یک شرکت را در بورس مطرح می‌کنند اما معادن مربوط به آن در ارزیابی‌ها نمی‌آید و سپس آن معادن را واگذار می‌کنند ...(۸)

شیوه‌ای که در این دوره برای خصوصی‌سازی انتخاب شد (واگذاری از استخراج تا فروش ماده‌ی معدنی) عملا امکان برآورد و نظارت بر میزان استخراج و فروش را از میان می‌برد. معادن بزرگی چون چادر ملو، گل گهر و مس و ... بدون تشریفات قانونی و به این ترتیب واگذار شدند.

این گونه چوب حراج زدن به اموال و دارایی‌های عمومی صدای رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران را هم در آورد. وی خاطرنشان کرده بود: "چنانچه این شرایط لحاظ نشود، به اسم بخش خصوصی واگذاری‌ها صورت می‌گیرد، در حالی که عده‌ای خاص به این دارایی‌های ملی و بیت‌المال دسترسی پیدا می‌کنند، بنابراین دارایی‌های عمومی و بیت‌المال را نباید به ثمن بخس (بهای اندک و ناچیز) فروخت." (۹)

بخش بزرگی از این خواص، شرکت‌هایی هستند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به سپاه و ارگان‌های اطلاعاتی وابسته‌اند. معادن طلای "زره شوران" و "آقدره" بزرگترین معادن طلای ایران و خاورمیانه به حساب می‌آیند که صاحبان اصلی معدن آقایان "حاجی عباس نیری و برادرش مجید نیری از اعضای سابق سپاه پاسداران" هستند. (۱۰)

شرکت مهر اقتصاد ایرانیان که وابسته به سپاه است و رسوایی‌اش در خرید معدن سرب و روی انگوران سبب شد که مزایده باطل شود. موضوع واگذاری معدن انگوران در دولت گذشته مطرح شد. اولین بار این معدن به مزایده گذاشته شد و دیوان محاسبات و سازمان بازرسی اجازه ندادند معدن به برنده مزایده برسد و مزایده باطل اعلام شد. بار دوم هم موسسه مهر اقتصاد ایرانیان سهام اصلی این معدن را خرید و با رسوایی بزرگی باز هم مزایده باطل شد. سومین بار در نخستین سفر استانی محمود احمدی‌نژاد به زنجان او به مردم ماه‌نشان قول داد سهامی را که در اختیار دولت است به مردم این منطقه اهدا کند که هرگز این موضوع اتفاق نیفتاد. بار آخر هم قرار شد معدن به کنسرسیومی متشکل از فعالان صنعت روی واگذار شود که این اتفاق هم نیفتاد. سود سرشار حاصل ازاین معدن نمی‌گذارد که بر

روی تقسیم آن به توافق برسند. معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان بزرگ‌ترین تولید کننده سرب و روی ایران و نیز بزرگ‌ترین معدن سرب و روی خاورمیانه است. این معدن دارای بخش رو باز و بخش زیرزمینی است که ذخیره بخش رو باز این معدن هشت میلیون تن برآورد شده است. (۱۱)

اما سرمایه‌داران و غارتگران اموال مردم به روش‌های به اصطلاح قانونی خصوصی‌سازی اکتفا نمی‌کنند و از هر طریق درپی کسب سودهای افسانه‌ای هستند. هر از چند گاهی افشاگری‌هایی در مورد فساد و سوءاستفاده در واگذاری معادن در رسانه‌ها منتشر می‌شود. این سوءاستفاده‌ها و فسادها از واگذاری‌های غیرقانونی، برداشت‌های بیش از حد، تقلب در مزایده و... گرفته تا فروش ارز حاصل از آن در بازار آزاد و کم نوشتن وزن سنگ‌های صادراتی برای کمتر پرداخت گمرگ و... را شامل می‌شود. به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم. مشت نمونه‌ی خروار است.

معدن انگوران

"شرکت مهر اقتصاد ایرانیان، توسعهٔ معادن روی ایران (از شرکت‌های اقماری سپاه) که در مزایده‌ی خرید معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان در ۱۱ مرداد ۱۳۸۸ شرکت کرد و این معدن را به مبلغ ۱۸۶ میلیون دلار خرید. پس از انجام معامله، کارشناسان اعلام کردند ارزش واقعی این معدن ۱ میلیارد دلار بوده است.(۱۲) حجم این سوءاستفاده به حدی بود که امام جمعهٔ زنجان در خطبه‌های جمعه با عصبانیت گفت: "انگوران را مجانی واگذار می‌کردید بهتر بود!" حتا برخی نمایندگان خواستار بررسی واگذاری این معدن در مجلس شدند.

دیوان محاسبات عالی پس از انجام تحقیقات افشا کرد که هر سه خریدار معدن انگوران، یعنی شرکت تهیه و تولید روی، شرکت پاسارگارد، و شرکت توسعهٔ معادن روی ایران، در واقع عضو یک خانواده‌اند. روزنامهٔ اعتماد گزارش داد شرکت توسعهٔ معادن روی ایران ۱۰۰ درصد سهام شرکت تهیه و تولید روی و ۷۰ درصد از سهام شرکت پاسارگاد را در اختیار دارد، ۳۰ درصد بقیه سهام پاسارگاد نیز متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایران است. تحقیقات دیوان عالی محاسبات همچنین فاش کرد که حتی فرم‌های درخواست مزایده از سوی سه شرکت مختلف با یک دست خط نوشته شده بودند. (۱۳)

رسوایی ناشی از این افشاگری سبب شد که دیوان محاسبات فوراً مزایده معدن انگوران را باطل اعلام کرد.

معمولا این واگذاری‌ها باید در مزایده صورت گیرد. طبق تعریف مزایده زمانی شکل می‌گیرد که تقاضا برای کالا بیشتر از مقدار موجود است و پیشنهاد دهندگان برای به دست آوردن کالا با یکدیگر رقابت می‌کنند. مجسم کنید که سه شرکت وابسته به سپاه در یک مزایده شرکت کنند هر کدام که ببرد فرقی نمی‌کند. حتا اگر مزایده هم واقعی باشد کدام شرکت یا سازمانی می‌تواند با یک نهاد نظامی قدرتمند رقابت کند؟

در مورد رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی هم مساله را از زبان یکی از اعضای هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان آهن می‌خوانیم: "یکسری بوروکراسی غیرضروری به وجود آمده و باعث شده بین معدن‌دار و بهره‌بردار واقعی و محدوده معدنی فاصله ایجاد شده و این فاصله باعث بروز رانت و سوءاستفاده‌های متعدد شود."

وی ادامه داد: "کسانی وارد گود شدند که در کار معدن نبودند و دلال محسوب می‌شدند، آنها این مجوزها را به شکل اوراق بهاداری می‌دیدند که قابلیت فروش داشت و می‌توانستند آن را به پول نزدیک کنند. در حالی که در سازمان‌های صنایع و معادن، این مجوزها، یک سری نامه‌های اداری ساده هستند که یک کارمند می‌تواند آن را صادر کرده و بعد از این امضا آن برگه مانند اوراق بهادار ارزش پیدا می‌کند... همین امر باعث شده که هر از چند گاهی در مورد بهره‌بردار یا محدوده معدنی اجحافی صورت بگیرد یا حق و حقوق دولتی یا خصوصی پایمال شود. "

تعیین شرایط به شکلی که فقط عده‌ای خاص برنده شوند یکی دیگر از شگردهای دست‌اندازی به اموال عمومی است.

رییس انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان آهن به روش‌های معمول در سایر کشورها اشاره کرد و گفت: در تمام دنیا مرسوم است که فردی، محدوده‌ای را درخواست می‌کند با مساحت مثلا ۲۰کیلومتر مربع و دولت نیز با قبول درخواست، به او یک فرصت

یک ساله می‌دهد تا بهره‌بردار مطالعات لازم را برای اکتشاف و بهره برداری انجام دهد و اگر در این مدت به نتیجه نرسید بلافاصله محدوده را پس می‌گیرد. ضمن اینکه بهره‌بردار خصوصی به ازای هر کیلومتر مربع مبلغی باید به دولت بپردازد لذا بهره بردار سعی می‌کند قبل از درخواست و اظهار محدوده، مطالعاتش را انجام دهد و کیلومتر محدوده درخواستی‌اش را کم کند تا کمتر زیان کند و به سود بیشتری برسد. اما در ایران این طور نیست.

اختلاف بر سر تصاحب معادن به خصوص معادن سنگ آهن که طرفداران زیادی دارد، (به دلیل صادرات و قیمت بالای جهانی) سبب افشای جزییات برخی از این سوءاستفاده‌های مالی شده است.

واگذاری معدن چادرملو تحت عنوان فساد ۴۰۰ میلیاردی به رسانه‌ها رسید. یکی از این موارد است. مزایده به گونه‌ای انجام شده که پیشنهاد ۴۹ و نیم دلار برای هر تن برنده شد در حالی که قیمت جهانی آن حدود ۱۳۰ دلار بود.(۱۴)

در این مورد، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: "به عنوان مثال مزایده یک میلیون تن را برگزار می‌کنند و شرط می‌گذارند که باید پول آن ظرف مدت ۱۰ روز پرداخت شود. بنابر این تنها افرادی برنده این مزایده شده اند که با مسئولان معدن رابطه دارند و البته هر بار که این مزایده را برنده شده‌اند، هرگز پول آن را پرداخت نکرده اند بلکه به عنوان مشتریان خوش حساب، پول را به مرور زمان و پس از فروش سنگ آهن پرداخته اند. وی با اعلام اینکه سنگ آهن در بازار جهانی بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ دلار بالا و پایین می‌شود، ادامه داد: این در حالی است که این مشتریان خوش حساب سنگ آهن را به قیمت کمتر از ۵۰ دلار قرارداد

فراخوان مهدی کرباسیان به بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی

۷/۵ میلیارد دلار، فرصت طلایی معدنی

می‌بندند. عضو کمیسیون اقتصادی با اشاره به اینکه به محض بالا رفتن سنگ آهن، برندگان مزایده تقاضا می‌کنند که سنگ آهن را بیشتر و به سرعت به آنان تحویل دهند... وقتی سنگ آهن به مرز ۱۳۰ دلار می‌رسد، آقایان تقاضا می‌کنند که کل سنگ آهن را یک باره به آنان تحویل دهند که مالکان معدن نیز به بهانه "مشتری خوش حساب" این کار را انجام می‌دهند و یک باره سود کلانی به جیب این دو مشتری ثابت معدن می‌رود، اما به محض اینکه قیمت سنگ آهن پایین بیاید، همین مشتریان خوش حساب که احساس می‌کنند درصد سودشان پایین آمده، ترک مزایده می‌کنند و دوباره مزایده دیگری برگزار می‌شود و همین آقایان دوباره مزایده را با قیمت پایین‌تر و البته سودی به مراتب بیشتر از گذشته برنده می‌شوند."

وی با اشاره به اینکه درصد خلوص در سنگ‌آهن باید بین ۵۰ تا ۶۰ باشد، افزود: اگر درصد خلوص پایین‌تر از این‌ها باشد، نه تنها کشورها برای خرید آن رغبتی ندارند بلکه صادارت آن نیز مشکل دارد. اما مشاهده می‌شود که آقایان سنگ‌آهن با خلوص ۶۰ درصد را به جای سنگ‌آهن با خلوص ۵۰ درصد می‌فروشند که معلوم نیست این اتفاق چرا و چگونه می‌افتد!

وی به سوءاستفاده‌ی دیگری در امر فروش و صادرات مواد معدنی اشاره می‌کند که:" این افراد به جای اینکه دلارهای ناشی از فروش سنگ آهن را به بانک مرکزی منتقل کنند و از آن طریق وارد نظام بانکی سالم بانکی شود، با ترفندی سوال برانگیز، دلارها را وارد بازار آزاد کرده و به قیمت بالا می‌فروشند که از این طریق بازار ارز را نیز به چالش می‌کشند." (۱۵)

اما مدیرعامل اسمیران که یکی از دوبرنده مزایده معدن چادرملو بود و مورد اتهام یکی از نمایندگان مجلس قرار گرفت پرونده سازی علیه معدن چادرملو را یک توطئه دانست که از سوی یکی از بدهکاران بزرگ این شرکت صورت گرفته است. وی مدعی شد: این شخص از شرکت اسمیران و چندین سازمان و نهاد و مردم عادی ۴۰۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده و برای ما پیغام فرستاده که از پیگیری حقوقی این پرونده دست بردارید تا ما هم این پرونده را بایگانی کنیم. وی با اشاره به اینکه اسناد و مدارک جلسه وکیل این فرد کلاهبردار و نماینده میانه و دو خبرنگار از یک خبرگزاری در یک هتل ضبط شده است ادامه داد: ما تنها مشتری معدن چادرملو نیستیم و در خیلی از معادن و حتی

بورس برنده مزایده‌ها می‌شویم و عملکرد ما در این دو بخش با ارائه اسناد و مدارک شفاف است. همچنین مدیرعامل معدن چادرملو در خرداد امسال در گفت وگویی به این ادعاها در خصوص برخی مسائل مطرح شده در مورد مزایده فروش سنگ آهن صادراتی این شرکت در سال گذشته اظهار کرد: مزایده سال گذشته برای فروش یک میلیون تن سنگ آهن دانه بندی شده، برگزار شد که آگهی آن در روزنامه و همچنین سایت شرکت منتشر شد. وی با بیان اینکه حدود ۱۲ شرکت برای خرید اسناد مزایده اقدام کردند، افزود: در نهایت ۴ یا ۵ شرکت، پیشنهاد قیمتی خود را ارائه کردند که شرکت اسمیران برای خرید سنگ آهن دانه درشت و شرکت شهداب یزد برای خرید سنگ آهن ریزدانه برنده شدند. وی با بیان اینکه شرکت‌های حاضر در مزایده، شرکت‌های داخلی بودند، گفت: یکی از شرکت‌ها نیز با شریک خارجی خود در این مزایده حضور داشت."

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

و اما معدنی که به خانم «س.الف» واگذار شد: یکی از آخرین افشاگری‌ها در این مورد است:

وزیر صنعت، معدن و تجارت درباره‌ی "واگذاری معدن ۱۰ میلیاردی به نام همسر مدیر دولتی" به معاون اول رئیس‌جمهور نامه‌ای نوشت در این نامه آمده است: درخواست صدور پروانه اکتشاف این معدن در مورخ هشتم آبان‌ماه ۱۳۸۱ به نام خانم «س.الف» در سازمان صنایع و معادن وقت استان خراسان ثبت می‌شود که حسب اطلاعات موجود نامبرده همسر یکی از کارکنان قراردادی طرح سنگان به نام آقای «ع .م» است. ... در تاریخ ۸۲/۷/۱۴ پروانه اکتشاف سنگ ساختمانی به نام ایشان صادر می‌گردد و در مورخ ۸۳/۶/۱۴ متقاضی درخواست اکتشاف ماده دوم (سنگ‌آهن) را می‌نماید که در تاریخ ۸۳/۶/۲۲ مورد موافقت سازمان صنایع و معادن وقت خراسان قرار می‌گیرد. همچنین در تاریخ ۸۵/۹/۳۰ گواهی کشف محدوده یاد شده با ذخیره ۷۵۰ هزار تن به نام خانم س الف صادر می‌شود.

نهایتا موضوع در جلسه مورخ پنجم خردادماه ۹۳ شورای‌عالی معادن مطرح شده و مقرر می‌شود تا تعیین تکلیف نهایی موضوع از طریق مراجع قضائی توسط ایمیدرو، ادامه روند بهره‌برداری معدن یاد شده با رعایت مقررات ذیربط به حالت عادی درآمده و دارنده پروانه بهره‌برداری به فعالیت خود ادامه دهد و رأی شورا طی نامه‌ای در مورخ چهارم مردادماه ۹۳ به استان ابلاغ شد. همزمان ایمیدرو مکلف شد که برای احقاق حق و حقوق خود از طریق مراجع قضایی اقدام کند.

لازم به ذکر است که در قانون معادن تاکید شده که کارکنان رسمی و وابستگان آنها نمی‌توانند در فعالیت‌های معدنی شرکت کنند. یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس و نماینده تایباد افشا کرد که برخی معادن دولتی به نام مدیران و خانواده‌هایشان ثبت شده است که این تخلفات در دولت گذشته و دولت فعلی ادامه دارد.

البته این مساله هم موقعی افشا شد که بین صاحبان آن اختلافی پیش آمده است. دستور تعطیلی معدن صادر شد. اما قوه‌ی قضاییه اعلام کرد که این کار غیرقانونی است و وجاهت قانونی ندارد و سپس دستور آغاز به کار آن صادر شد. قوه‌ی قضاییه فقط به اختلاف صاحبان آن وارد شد و اصل قضیه را که اصولا واگذاری این معدن غیرقانونی بوده، کاملا نادیده گرفته است. البته شکایت صاحبان معدن علیه وزارت صنایع حتما از سوی قوه‌ی قضاییه پیگیری خواهد شد. بالاخره از بخش خصوصی باید حمایت کرد؟!

می‌توان تصور کرد که در طی این ۱۲ سال چه ثروتی از این معدن به غارت رفته است و به حساب‌های خصوصی این سرمایه گذاران واریز شده است. این نماینده مجلس عنوان کرد:" در مدتی که معدن تعطیل بود افراد زیادی را واسطه کردند که ما حاضریم نصف این معدن را به روستائیان واگذار کنیم تا این معدن فعالیت خود ادامه دهد که ما این پیشنهادات را نپذیرفتیم و گفتیم که این معدن یا قانونی است یا غیرقانونی که باید بررسی شود."(۱۶)

ظاهرا این مساله عمومیت دارد. رییس انجمن زمین‌شناسی اقتصادی در همایش زمین‌شناسی ایران گفت: "با توجه به اینکه بر اساس قانون هر شهروند ایرانی می‌تواند معدن ثبت کند، در شرایط فعلی ۸۰ درصد معادن کشور به نام بانوان خانه‌دار ثبت شده که اصلا خودشان هم از این مساله خبر ندارند. "(۱۷)

تخلف دیگری به مبلغ ۳۱میلیارد تومان در سه معدن سنگ آهن استان همدان در شهرستان‌های اسدآباد و ملایر افشا شد و رئیس سازمان صنعت و معدن از تشکیل ۳ پرونده در زمینه‌ی اضافه برداشت از معادن سنگ آهن این استان خبر داد.(۱۸)

این اضافه برداشت‌ها به نابودی معادن منجر خواهد شد. در کنار این برداشت بی رویه و صادرات سنگ آهن، و انتقادهای مطرح شده، موضوعات دیگری مانند تلاش برخی صادرکنندگان و تولیدکنندگان برای کم نشان دادن آمار وزنی و ارزش سنگ آهن صادراتی نیز وجود دارد که سعی می‌کنند با استناد به کاهش نرخ سنگ آهن در بازار جهانی، عوارض و حقوق گمرکی کمتری را بپردازند .

از سوی دیگر، به گفته یک نماینده مجلس، عده‌ای به جای واریز دلارهای حاصل از صادرات معدنی به حساب بانک مرکزی، دلارها را با ترفندهای خاصی وارد بازار ارز کرده و به نرخ‌های بالا فروخته اند و در نتیجه رانت قابل توجهی را ایجاد کرده اند. (۱۹)

در بهمن ۹۲ در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس بخشی از این ویژه‌خواری‌ها در معادن استان مرکزی مطرح شد. وی با بیان اینکه اضافه برداشت‌ها از معادن استان مرکزی ، صدور برگه خروج سنگ از معدن به صورت فله‌ای و در ارقام فراوان توسط اداره کل سبب شده که هیچ حساب و کتابی در بخش استخراج معادن نداشته باشیم، و یک فساد چند میلیاردی در این بخش در حال انجام است، متاسفانه برخی از صاحب منسبان کشوری هم از رانت قدرت استفاده کرده و به این مسئله آلوده شده‌اند...(۲۰) و (۲۱)

البته از سوی معدنی‌ها پاسخ و توجیحی در این باره صورت گرفته است. درست مانند توجیهاتی که در مورد فروش نفت و ماجرای بابک زنجانی قبل از دستگیری و ... صورت می‌گرفت.

عضو هیات مدیره انجمن سنگ آهن ایران با بیان اینکه نکته مهم آن است که قیمت فروش سنگ آهن در بسیاری از مزایده‌های برگزار شده نزدیک به قیمت‌های جهانی این محصول (۴۹ و نیم دلار خیلی نزدیک ۱۳۰ دلار است؟!) بوده است، افزود: همین موضوع اعتراض برخی شرکت‌های صادرکننده سنگ آهن را نیز به دنبال داشت که به دلیل نزدیک بودن قیمت فروش سنگ آهن معادن بزرگ به قیمت‌های جهانی، عملا حاشیه سود صادرکنندگان به شدت کاهش یافته است .

او افزود: همچنین موضوعاتی نیز در رابطه با چگونگی انتقال پول سنگ آهن صادراتی به داخل کشور مطرح شده که باید بگویم واقعیت این است که در مقطع مورد اشاره به دلیل تحریم‌های خارجی و محدودیت‌های نقل و انتقال ارز، امکان جابجایی این وجوه از طریق سیستم بانکی وجود نداشت و شرکت‌های بزرگ سنگ آهنی ارز صادراتی خود را به صورت پایاپای به فروشنده خارجی تحویل می‌دهند تا صرف خرید تجهیزات خارجی شود . (۲۲)

جالب است در حالی که سودی کلان از معدن و حاشیه‌های آن حاصل می‌شود که این چنین بر سر آن کشمکش و دعوا صورت می‌گیرد، اما کارفرمایان و صاحبان معدن باز هم گله‌ی بسیار دارند از این که سود کافی نمی‌برند!؟

یکی از فعالان بخش معدن می‌گوید: "در شرایط کنونی سرمایه‌گذاری در معدن در کشور یعنی شما چند میلیارد پول خود را به صورت تراول از بالای یک کوه به زمین بریزید و بعد تلاش کنید تا دانه، دانه تراول‌ها را با سختی از سطح کوه جمع کنید"؟! (۲۳)

این سرمایه‌گذاران مشکلاتی مانند تحریم‌ها ، افزایش چندین برابری هزینه‌های استخراج و افزایش هزینه‌های آب، برق و گاز و حمل و نقل و دستمزد نیروی کار و... را دلیل این مساله می‌دانند.

"مالکان کارخانه و معدن طلای آقدره سوار بر فقر مردم منطقه و با انتساب خود به مقامات من جمله اکبرهاشمی رفسنجانی تاراج و چپاولی سهمگین به راه انداخته و خوراک خاک ورودی کارخانه را که نبایستی از۶۰الی۷۰تن بازای هر ساعت تجاوز می‌کرد به ۱۵۰الی ۱۶۰ تن در ساعت رسانده و با افزایش غیرقانونی تناژ زمینه تخریب و غارت نواحی پرعیار معدن را بوجودآورده و در۸ سال فعالیت و تولید طلا فی الواقع سود و تولید حداقل۲۰ سال را فراهم در حالی‌که مقرری و امکانات کارگران در این۸ سال در مدار زیر صفر بوده و این یعنی جاری ساختن چندین برابر پساب صنعتی همراه با اسید و سیانور برپیکره ی طبیعت..."

بخشی از نامه کارگران معدن آقدره به رییس جمهور وقت

"اگر به چگونگی بیوگرافی و چگونگی تشکیل شرکت فراوری پویازرکان و خودپویازرکان که به ترتیب کارخانه تولیدطلای اقدره و معدن طلای اقدره را پوشش می‌دهد وازچرایی خریدهای زمین‌های کشاورزی روستای شیرمرد و اقدره و تصرف منابع طبیعی و ریشه تشکیل‌شان که از دولت سازندگی هاشمی شکل گرفت بپردازیم، از اصل موضوع خارج شده‌ایم که در روزهای آتی بدان خواهیم پرداخت...

بخشی از نامه کارگران معدن آقدره به رییس جمهور وقت

و آن چنان این مشکلات را بیان می‌کنند که دل هر انسانی به درد می‌آید و دلش به حال این سرمایه‌گذاران "بدبخت" و "بیچاره" می‌سوزد!! البته نباید از نظر دور داشت که سرمایه‌گذاران کوچک‌تر و غیر خاص باید از این چرخه کنار روند تا جا برای بزرگترها باز شود.

اما نباید نگران بود. سازمان خصوصی‌سازی به فکر آنان هست. از طرف رییس ایمیدرو اعلام شد:" با امضای تفاهمنامه سه جانبه‌ای که اخیرا بین سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی و بانک ملت امضا شد، برطرف کردن نیازهای سرمایه‌گذاران، که برمبنای آن معادل دوهزارمیلیاردریال تسهیلات برای خرید ماشین آلات معدنی در اختیار معدنکاران قرار می‌گیرد. از سوی دیگر ایمیدرو یارانه‌ای بین دو تا ۱۰درصد نیز بسته به نوع معادن و راهبردی بودن آن برای معدنکاران در نظر گرفته است. (۴)

تعیین بهره مالکانه در بودجه‌ی دولت هر ساله هر ساله با مخالفت سرمایه‌گذاران خصوصی بخش معدن روبرو بوده است. بهره مالکانه مبلغی است که به منظور بهره‌برداری از امتیاز منابع دارای ارزش اقتصادی (برای نمونه حق استخراج از معدن) یا برای بهره گرفتن از امتیاز حقوق مالکیت معنوی و حق تکثیر(کپی رایت)، حق امتیاز، نشانه تجاری و یا دانش فنی و تکنولوژی به دولت یا مالک پرداخت می‌شود.

قبل از انقلاب بهره مالکانه ۱۲/۵ درصد بود که از طریق شرکت ملی نفت ایران به دولت پرداخت می‌شد. در آن زمان شرکت نفت در حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز دارنده نفت بوده است. نفت ایران در اختیار کنسرسیوم بوده و آنها مکلف به پرداخت بهره مالکانه، مالیات، مالیات مخصوص (پس از افزایش قیمت با دستور شخص شاه بودند. همه این پول‌ها وقتی وارد شرکت ملی نفت ایران می‌شده، شرکت ۱درصد برداشت می‌کرده و بقیه به خزانه دولت واریز می‌شده است.(۲۵)

در تمام این سال‌ها افزایش بهره مالکانه اعتراض گسترده فعالان بازار سرمایه را به دنبال داشت.

در سال ۸۷ که افزایش بهره‌ی مالکانه معادن در مجلس مطرح شد، و تحت این عنوان که معادن به عنوان انفال در اختیار حکومت اسلامی است. مبلغ این افزایش حدود ۵۰۰میلیارد تومان برآورد شده بود. وزیر صنایع و معادن اعلام کرد که تعیین میزان بهره مالکانه معادن از اختیارات وزارت صنایع است و ما در سال ۸۷ هیچ‌گونه افزایش نرخی برای بهره مالکانه معادن نخواهیم داشت. وی اضافه کرد: با فرض پذیرش این مساله آیا باید حقوق بخش معدن به یک‌باره از ۴۰ به ۵۰۰میلیارد تومان افزایش یابد؟(۲۶)

در سال ۹۰ نیز معاون معدنی وزیر صنایع در پی ایجاد زمزمه‌های رشد احتمالی ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی نرخ بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن سنگ آهن ایران در سال جاری، اعلام کرد بهره مالکانه در لایحه بودجه سال ۹۰ همان رقم بهره مالکانه سال گذشته خواهد بود. (روزنامه دنیای اقتصاد)

در سال ۹۲ نیز بسیاری از فعالان سنگ‌آهنی تصمیم مجلس برای دریافت بهره مالکانه ۳۰ درصدی از معادن سنگ‌آهن را تصمیمی شتاب‌زده عنوان کرده و خواستار تجدید نظر در این مصوبه شده‌اند. (۲۷)

سهم سرمایه‌گذاران خارجی از خصوصی‌سازی معادن ایران

سرمایه‌گذاران خارجی نیز از این خوان نعمت بی‌بهره نمانده‌اند. آنان ایران را بهشت مواد معدنی می‌شناسند. معاون امور معادن و

صنایع معدنی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران گفت: اگر بخواهیم ارزش افزوده هر قسمت زنجیره را صرفا با موضوع قیمت مقایسه کنیم، می‌بینیم ارزش افزوده‌ای ۲۵۰ درصدی ایجاد می‌شود و وقتی کلوخه به سنگ آهن دانه‌بندی شده تبدیل می‌شود نیز ۱۸۰ درصد ارزش افزوده پیدا می‌کند و این روند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه جمع این ارزش افزوده‌ها به ۷۱۰ درصد ارزش افزوده می‌رسد. عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی نیز گفت: به ازای هر یک دلار سرمایه‌گذاری در بخش معدن، می‌توان ۲.۸ دلار وارد اقتصاد کشور کرد. (۲۸)

این در باغ سبز نشان دادن به خارجی‌ها سبب شده که طبق نظر نشریات و رسانه‌ها "صف اروپایی‌ها برای سرمایه‌گذاری در معادن ایران" تشکیل شود و از کشورهایی مانند اتریش و آلمان، فرانسه و گرجستان، روسیه، چین، استرالیا، انگلستان و... نام برده می‌شود. و یا در خبر دیگر دبیر کل اتاق بازرگانی تهران با بیان این‌که تحریم‌ها موجب ایجاد موانعی در برقراری روابط با سایر کشورها شده است، گفت: با ایجاد رابطه با روسیه قصد داریم از امکانات این کشور در جهت سرمایه‌گذاری استفاده کنیم. و از سرمایه‌گذاری ۷۰میلیارد دلاری با روسیه در امر معدن خبر داد. (۲۹)

بهبود مناسبات تجاری پس از توافق ژنو موجب شده تا بسیاری از شرکت‌های اروپایی که تا پیش از این از سرمایه‌گذاری مستقیم در معادن و صنایع معدنی کشورمان پرهیز داشتند اکنون معطل ابلاغ رسمی لغو تحریم‌ها نمانده و فعالیت خود در کشورمان را آغاز کنند. در پی آن معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تمایل چندین شرکت خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش استخراج، اکتشاف و... خبر داد. (۳۰)

در مقالاتی که سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن را تبلیغ و ترویج می‌کند ایجاد امنیت برای این سرمایه‌گذاران ضروی دانسته می‌شود. و برای تامین این امنیت مثلا در بخش طلا باید هزینه، مخارج، ریسک و سود معدنکاری طلا را برای هر ذخیره تخمین زد.

در این نوع مقالات معیارهای ارزیابی فضاهای مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن به طور خلاصه به شرح زیر آمده است تا دست شرکت‌های خارجی را برای تارج اموال مردم باز گذارد:

وفور ذخایر معدنی / وجود اطلاعات جامعه زمین شناسی و اکتشافی / ثبات رژیم سیاسی و قوانین و مقررات معدنی / امنیت داخلی/ آرامش در مناطق مرزی و نبود همسایگان متخاصم / وجود بیمه برای سرمایه‌گذاری خارجی / وجود بازارهای داخلی / زیر ساخت حمل و نقل / سیاست‌های صادرات / قابل اجرا بودن قانون معادن و آئین‌نامه‌های اجرایی/ ثبات مقررات اکتشافی و معدنکاری حق واگذاری و انتقال/ امکان دستیابی به توافق مکمل یا جایگزین قانون معادن/ حل اختلاف و داوری /مقررات و آئین نامه‌های اجرایی روشن و کارآمد / روش مالیات‌بندی و میزان مالیات‌ها /معافیت مالیاتی برای دوره خاص/ جلو انداختن پرداخت هزینه استهلاک / وجود اعتبار برای سرمایه‌گذاری مجدد/اعتبارهای صادراتی و وارداتی/ ثبات نظام مالی / مقررات واقع بینانه درباره ارز و حساب‌های خارجی/ امکان خارج ساختن مواد از کشور/امکان تامین مالی از خارج / حق داشتن اکثریت سهام /حق کنترل مدیریت / زیر ساخت‌های آب و برق/ آب و هوای مساعد/ برخورد دوستانه و روحیه همکاری مقامات حکومتی

البته سیاستگذاران معتقدند که **هنوز هم** "متأسفانه در ایران فضای مناسب برای جلب سرمایه‌های خارجی در معدن شفاف نیست و معیارهای در نظر گرفته شده در این خصوص برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار مبهم است. فضای قانونی شفاف مکمل ابزارهای لازم برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. به عنوان مثال در خصوص جلب حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی جهت توسعه معدنکاری طلا در ایران توجه به موارد زیر را حائز اهمیت می‌دانند:

-طولانی کردن دوره معافیت‌های مالی

-معافیت سرمایه‌گذاران از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای ماشین‌آلات معدنی و تولیدی

-حق انتقال سود سالانه به صورت ارز

-حق بازگرداندن اصل و منافع سرمایه بصورت ارز

-تضمین جبران خسارت در صورت مصادره و ملی شدن

-برخورداری از رفتار و حقوق یکسان با بنگاههای داخلی (۳۱)

سوال اینجاست که چرا باید برای سرمایه‌گذاران خارجی چنین امتیازاتی قائل شد در حالی که کارگران و زحمتکشانی که عامل اصلی استخراج و تولید در این بخش هستند با چنین شرایطی زندگی و کار می‌کنند.

زیرنویس و منابع

۱- خصوصی‌سازی معدنی؛ کمی یا کیفی؟ / روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۳۰۲ ۳۰/۰۶/۱۳۹۳

۲-ایمیدرو سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران ، به موجب ماده ۶ قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع و معادن (مصوب سال ۱۳۷۹)، "به منظور بررسی، تهیه و اجرای طرحهای احداث ، توسعه ، تجهیز و نوسازی صنایع تولیدی متالوژی، استخراج و فراوری مواد معدنی و اجرای طرحهای اکتشافی"، تشکیل شده است. مهدی کرباسیان، مدیرعامل ایمیدرو که بخشی از سوابق مدیریتی ایشان به شرح زیر است: معاون وزیر نفت در امور بازرگانی / عضو هیات مدیره و مدیر بازرگانی شرکت ملی نفت ایران / رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل سازمان تامین اجتماع/ معاون وزیر و رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران / معاون کل وزارت امور اقتصاد و دارایی / عضو هیات رئیسه صندوق اوپک (وین ـ اطریش) / عضو هیات رئیسه بانک توسعه اسلامی(جدة) / عضو شورای عالی بورس و اوراق بهادر/ رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس(عسلویه)/ رئیس هیات رئیسه صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت / عضو هیأت مدیره بانک پارسیان/ رئیس شورای عالی جامعه حسابداران رسمی کشور (دوره سوم) / مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی (سهامی عام)

۲-

۳- منبع

۴- http://www.karbasian.ir/articles/690A - سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۳ -

۵- http://www.taamolnews.ir/fa/news/38366

۶- http://salamkhabar.com/fa/news/7441/%D8%AB%D8%A8%D8%AA-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%A7%D9%85-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%85%E2%80%8C%D9%87%D8%A7

۷- خصوصی‌سازی معدنی؛ کمی یا کیفی؟ / روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۳۰۲ ۳۰/۰۶/۱۳۹۳ - خبرگزاری مهر/ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۲

۸- http://www.taamolnews.ir/fa/news/38366

۹- http://fararu.com/fa/news/148855/%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D9%88%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA

۱۰- رادیو دویچه وله - طاهر شیر محمدی - شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۴ آوریل ۲۰۱۰

https://www.newsagency-ina.com/Report-Details.aspx?reportId=3364&back=1

۱۱- اقتصاد نیوز

۱۲- ابطال مزایدهٔ معدن روی انگوران"، سرمایه (تهران)، ۲ مهر ۱۳۸۸) (" .35

۱۳- علی رضا بهداد، "دیوان محاسبات اعلام کرد: تبانی در بزرگ ترین مزایدهٔ معدنی کشور"، اقتصاد (تهران)، ۷ مهر ۱۳۸۸

http://www.aei.org/article/foreign-and-defense-policy/regional/middle-east-and-north-africa/--outlook-15

14- http://www.entekhab.ir/fa/news/111469/%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF-400-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%DA%86%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D9%85%D9%84%D9%88http://www.maaden.ir/node/1175

15- http://www.yjc.ir/fa/news/4977385/%D8%AC%D8%B2%D8%A6%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF-%D8%A7%D8%B2-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D8%B3%D9%86%DA%AF%E2%80%8C%D8%A2%D9%87%D9%86-%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%AA%D8%A7%D9%85%D9%84-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B2-%D8%A7%D8%B2-%D9%86%D8%AD%D9%88%D9%87-%D9%88%D8%A7%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%85%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%AF%D9%87

سرمایه گذاری در معادن

شاردن در سیاحتنامه‌ی خود می‌نویسد که در دوره‌ی صفویه (۱۰۷۶ تا ۱۰۸۸) حاصل تمام معادن فلز و جواهرات و همچنین صید مروارید عاید شاه می‌گردید ولی یک سوم عایدات مخصوص مخارج معدن‌کاری و صید و مواجب ماموران بوده است.

در دوران صدارت امیرکبیر استخراج کلیه معادن آزاد اعلام شد و اداره‌ای به نام "اداره امور معادن" تاسیس شد. طبق دستور او تنها اتباع ایران حق بهره‌برداری از معادن را داشتند. پس از عزل و قتل او این اقدامات نادیده گرفته شد. میزان اجاره‌ای که دولت بابت معادن از سرمایه‌داران دریافت می‌کرد بسیار ناچیز بود. بالاترین میزان بابت معادن مس سبزوار بوده که ٤٤٣٠ تومان در سال و کمترین معدن نیز زغال سنگ دماوند که ۵۰ تومان بود.

جمال زاده، گنج شایگان، ص ١٤٣

16- http://www.iranjib.ir/shownews/6433/%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86%DB%8C-%DA%A9%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%85-%C2%AB%D8%B3.%D8%A7%D9%84%D9%81%C2%BB-%D9%88%D8%A7%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF/

۱۷- ششمین همایش زمین شناسی ایران در دانشگاه سیستان و بلوچستان/ http://www.irna.ir/fa/News/81310733 22/06/1393

۱۸- تسنیم /1393/06/17

۱۹- بولتن نیوز / از برداشت بی رویه معادن سنگ آهن، تا اختلاف آمار و رانت دلاری در بازار آزاد

http://www.bultannews.com/fa/news/221817/%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D8%A8%DB%8C-%D8%B1%D9%88%DB%8C%D9%87-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%B3%D9%86%DA%AF-%D8%A2%D9%87%D9%86-%D8%AA%D8%A7-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA-%D8%AF%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF

20- http://newsnic.ir/%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D9%88-%D9%BE%DB%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA

21- http://www.tabnak.ir/fa/news/378159/%D9%BE%DB%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D9%85%DB%8C%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%A7%D8%B5%D9%84-%DB%B9%DB%B0 13:53 | 1393/06/03

22- http://www.iranmining.com/news/Show.asp?Id=14215&Dir=433

23- سه شنب ۳۱ تیر۹۳/ http://market8.blogsky.com/1393/04/03/post-10052

24- http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921115000412#sthash.sF2dMUx9.dpuf

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921115000412

25-

26- دنیای اقتصاد / http://www.parsatinegar.com/Farsi/View.asp?id=1159&kind=7&_ref=0.5338731

27- روزنامه دنیای اقتصاد - جلسه تلفیق برای تجدیدنظر در بهره مالکانه معادن/ شماره ۳۱۱۵ ۳۰/۱۰/۱۳۹۲

28- خارجی‌ها ایران را بهشت / http://www.bazarkhabar.ir/News.aspx?ID=54946 معادن می‌دانند

http://www.rooznamehrasmi.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=1069

29- اقتصاد نیوز/ جزئیات تفاهمنامه معدنی با روسیه اعلام نشده است/ اول مهر ۹۳

30- http://www.hamshahrionline.ir/details/243027

31- http://www.ngdir.ir/minemineral/PMineMineralChapterDetail.asp?PID=1717

۱-La Coalición de Maestros y Promotores Indígenas de Oaxaca-CMPIO

http://www.tabnak.ir/fa/news/392956/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B4%D8%A7%D8%B1-%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D9%88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DB%B9%DB%B2

حال ببینم که این خوان نعمت به چه بهایی، از جان و مال کارگران معدن، برای سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی گشوده شده است!؟

حوادث کار در معدن و دلایل آن

کار در معدن یکی از سخت‌ترین مشاغل است. آمار حوادث مرگبار در معادن بسیار بالاست. ریزش معدن، گاز گرفتگی، انفجار و زنده به گور شدن در تونل‌های معدن از جمله‌ی این حوادث است.

به گزارش ایلنا، سالانه به طور متوسط ۵۰ کارگر معدن کار، جان خود را طی حوادث حین کار از دست می‌دهند. مرداد سال جاری یک مقام مسئول در لرستان عنوان کرد: "هر ۱۶ روز یک نفر در معادن ایران می‌میرد". (۱) عباس کاربخش دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان می‌گوید تنها در ۱۲ معدن کرمان ، هر روز یک کارگر مجروح و هر ماه یک نفرکشته می‌شود.

این کلمات بی‌روح از دهان مسوولان چنان مطرح می‌شود که انگار راجع به طبیعی‌ترین اتفاقات ممکن در معدن صحبت می‌کنند، اتفاقاتی که گریزی از آن نیست. اما حسین گریکی‌پور ۲۸ ساله، حسین یزدیزاده و مسلم نجفی و طیب ولیان کارگران کشته شده‌ی معدن هجدک راور کرمان و محمدرضا محمدی، باقر یادگاری، علی چمزری، سید سجاد حسینی و حسین مرادی‌نژاد که همگی از اهالی زنجان بودند و در معدن قلعه خرگوشی یزد جان خود را از دست دادند یا علی مهدی‌زاده، محمد عابد، جواد باقرزاده، رمضان رضوانی، اسماعیل رحیمیان، ابوالفضل خوری و رسول غلامی که در ساعت ۴ بامداد روز سه‌شنبه ۲۸ آبان ماه سال ۹۱ در انفجار در یکی از تونل‌های زیر زمینی معدن یال شمالی جان خود را از دست دادند یا محمدرضا صادقی، حسین محمدی و حسین اسلامی که ساعت ۱۱ صبح روز اول اسفند سال ۹۲ بر اثر وقوع انفجار در معدن زغال سنگ چشمه پودنه کشته شدند یا دو معدنچی متاهل و دارای فرزند به نام‌های سعید محمودی نودژ، ۲۸ ساله و ابراهیم جعفری، ۲۷ ساله که بر اثر ریزش تونل معدن سنگ کروم فاریاب کشته شدند یا سجاد قنبری، کارگر معدن طلای تکاب که به سبب نشت جیوه خارج از حد متعارف در بدنش فوت کرد و صدها و هزاران انسان دیگری که بهای نان فرزندانشان را با خون‌شان پرداختند، **همه انسان‌هایی بودند مانند صاحبان معادن و کارفرمایان و مسوولان، با این تفاوت که اینان برای سود هر چه بیشتر با بی‌توجهی به مسایل ایمنی، آن کارگران را به قتل می‌رسانند** و مسوولان نیز حداکثر عکس‌العملشان در قبال این **قتل‌ها**، مصاحبه بعد از بروز حادثه و اعلام همدردی آن هم برای کاهش تاثرات ناشی از آن در جامعه، و بعد هم حکم به پرداخت دیه به خانواده‌های این کارگران قربانی است، که آن هم معلوم نیست به چه گونه

سرمایه و کسب سود این تفاوت فاحش را بین کارگران و کارفرمایان و سرمایه‌داران ایجاد می‌کند.

نکته‌ای که در بسیاری از این حوادث مرگبار مشترک است این است که کارگران مدتی قبل از حادثه مشکلات و نواقص کار را گوشزد کرده اما گوش شنوایی برای آن وجود نداشته است. نمونه‌ی این نوع اطلاع رسانی‌ها در رسانه‌ها بسیار است. از جمله می‌توان به نامه‌ها و شکوائیه‌های کارگران معدن طلای زرگان به مسوولین اشاره کرد. کارگرانی که بعد از ۸ سال کار اخراج شده بودند.

در بررسی این گونه حوادث به ندرت کارفرما مقصر شناخته می‌شود و اولین علتی که برای آن ذکر می‌شود قصور و کوتاهی کارگران است. رئیس سازمان نظام مهندسی معدن ایران با اشاره به اینکه اعلام آمار تلفات حوادث معدنی مربوط به وظایف وزارت صنعت و کار است، گفت: عمده حوادث معدنی ناشی از قصور و غفلت کارگران است. (۲)

در معدن قلعه خرگوشی، ۵ کارگر به دلیل انفجار انبار مواد منفجره کشته شدند. کارگران عامل این انفجار شناخته شدند اما این مساله بررسی نشد که چرا برخلاف مقررات و قانون، ۸۰ کیلو مواد منفجره در انبار وجود داشته است.

مطابق تحقیقات انجام شده تعداد زیادی از کارگران معادن آموزشی در زمینه رعایت مسایل ایمنی کار در معدن ندیده‌اند. سطح سواد این کارگران بسیار پایین است.

دکتر احمد رشید فرخی ، متخصص طب کار که در سالهای ۷۵ و ۷۶ به عنوان متخصص طب کار در مناطق کرمان و زرند مشغول به کار بوده در مورد وضع بهداشتی کارگران معادن کرمان می‌گوید: در یکی از بازدیدهای‌ام که از یکی از معادن زغال‌سنگ کرمان صورت گرفت، صحنه‌یی دیدم که در ظاهر عجیب بود: «چرا این کارگرها بدون خرد و عقل هستند و از ماسک استفاده نمی‌کنند.» برای سلامتی کارگر هزینه می‌شود، پول ماسک داده می‌شود ولی آن‌ها ماسک را برمی‌دارند و بدون ماسک کار می‌کنند. از یکی از کارگرها علت استفاده نکردن‌شان از ماسک را پرسیدم. او گفت: «نفس‌ام می‌گیرد.» من که کنجکاو شده‌بودم ماسک را باز کردم و با کمال تعجب دیدم به جای فیلتری که باید برای جلوگیری از ورود گازهای مختلف به دستگاه تنفسی قرار داده‌می‌شد، داخل ماسک یک تکه اسفنج بود که با سیستم خودکفایی ساخته شده بود! ماسک دیگری را باز کردم، تعجب‌ام بیش‌تر شد ــ داخل آن «اسفنج‌های سرقیچی» بود! ولی برخی از سرشیفت‌ها و سرکارگرها از ماسک‌های قدیمی روسی استفاده می‌کردند." (*۲)

> "به رغم اینکه بعضی از این کارگران آلوده به سموم شیمیائی و فلزاتی از قبیل جیوه و سرب و سایر مواد خطرناک هستند، شبکه بهداشت تکاب نیز توجهی به درخواست‌های آنان نمی‌کند که همان آزمایشات مربوطه است. شدت و میزان آلودگی در این کارخانه به حدی بوده که یکی از کارگران به نام سجادقنبری به سبب نشت جیوه خارج از حد متعارف در بدنش فوت کرد و موارد تکان‌دهنده‌ای مربوط به فوت او و رضایت اولیائ دم از اثر انگشت متوفی دال بر ساختن وصیت‌نامه مجعول تا فرضیه خودکشی، ورد زبان و سینه مردم است... اما باید سکوت را شکست و فریاد برآورد که ...
>
> معدن آقدره نماد بیعدالتی وتبعیض،... نامه کارگران معدن آقدره به احمدی نژاد

این مسوولان فراموش می‌کنند که طبق تبصره‌ی ۲ ماده ۹۶ قانون کار، بازرسان وزرات کار باید به طور مستمر به بازرسی از معادن پرداخته و در صورت لزوم تقاضای تعقیب متخلفان را هم داشته باشند. بازرسانی که حضورشان در معادن کمرنگ است و بسیاری از آنها اگر هم حاضر شوند در دفتر مدیر و صاحب معدن مورد پذیرایی قرار گرفته و از همان راه آمده باز می‌گردند تا چشمشان حتا به کارگران هم نیافتد و مشکلاتشان را نبینند تا مجبور نشوند گزارشی بنویسند؟! و البته شیرینی و پول چای و عیدی و... را به موقع دریافت کنند.

طبق آیین‌نامه ملی معادن همه معادن ِدارای بیش از ۲۵ نفر نیروی کار باید مسوول فنی داشته باشند. هنگام رخ دادن حوادثی چنین دردناک، کسی از مسوولان نمی‌پرسد آیا این بند از

آیین‌نامه اجرا می‌شود؟ در برخی از معادن مهندسان بازرس عملا حضوری در معدن ندارند. رییس سازمان نظام مهندسی معدن ایران گفت: "ما نرخ حقوق مهندسان معدن را اعلام کرده‌ایم اما متاسفانه برخی این نرخ‌ها را رعایت نمی‌کنند و در تعدادی از استان‌ها این نرخ حتی کاهش یافته است و شاید پایین بودن حقوق مهندسان معدن یکی از دلایل این اتفاق باشد." باید از ایشان پرسید چرا باید حقوق این مهندسان کاهش یابد؟ مگر ارزش افزوده‌ی معادن کم است که چنین صرفه جویی‌هایی می‌شود؟ و ...

معمولا هم آمبولانس و پزشک و ... در محل معدن وجود ندارد. این مساله سبب تاخیر در ارائه خدمات پزشکی به کارگران مجروح می‌شود و میزان مرگ و میر آنان را بالا می‌برد. در حادثه معدن پودنه لوکوموتیو حمل بیمار و آمبولانس موجود در معدن خراب بوده و یک ساعت طول کشیده تا گروه نجات از معادن مجاور برای کمک حاضر شوند.

مساله مهم دیگری که در ایجاد حوادث معدن نقش اساسی دارد نواقص دستگاه‌هایی ایمنی است که به کار برده می‌شود. معمولا این دستگاه‌ها بسیار فرسوده و حتا از دور خارج هستند یا اصلا دستگاه‌های ایمنی موجود نیست. دستگاه‌هایی مانند گاز سنج و یا اکسیژن ساز و... دو روز بعد از انفجار معدن زغال سنگ چشمه پودنه، مشخص شد که در این واحد معدنی هیچ کدام از دستگاه‌های سنجش گاز و اکسیژن ساز در وضعیت قابل استفاده‌ای نبودند و علاوه بر آن کارگران معدنچی عملیات تهویه هوای معدن را به وسیله دستگاه‌های تخلیه دستی انجام می‌داده‌اند.(۳)

به اعتقاد کارشناسان استاندارد نبودن معادن، عدم استفاده از روش‌ها و ابزار جدید در زمان حفر تونل و استفاده از معادن، آشنا نبودن کارگران و نیروی شاغل در معادن با نکات ایمنی کار در معدن و فعالیت بیش از حد در شرایط سرمایی و گرمایی دلیل بروز حادثه می‌شود. این کارشناسان معتقدند نبود نظارت‌های کافی و هزینه‌بر بودن رعایت نکات ایمنی به خصوص در معادن خصوصی در سال‌های گذشته باعث شده تا معدنکاران بدون امکانات و تجهیزات ایمنی، ماسک، کلاه ایمنی و... در اعماق زمین مشغول کار باشند.

از سوی دیگر بسیاری از کسانی که دریافت‌کنندگان و دارندگان پروانه‌های اکتشاف معدن هستند، تخصصی در این زمینه ندارند. همچنین بیشتر معادن کشور در زمان بهره‌برداری، مهندسان ناظر فنی و ایمنی مقیم ندارند و به دلیل دستمزدهای پایین و دور بودن معادن از نظر جغرافیایی مهندسان ناظر فقط ماهی یک تا دوبار به معادن سر می‌زنند و حضور شبانه‌روزی در معادن ندارند که این موضوع نیز ریسک کار را به شدت بالا برده است. به اعتقاد کارشناسان در این شرایط کار در معادن در کشور مانند بازی با جان معدنکاران است که هر لحظه باید با وجود درآمدهای نه چندان بالا در انتظار مرگ باشند.

وضعیت ایمنی در معادن به حدی فاجعه بار است که پس از حادثه‌ی انفجار معدن پودنه در نیمه‌های اسفند سال گذشته حتا «خانه معدن ایران» با انتشار بیانیه‌ای که به امضا کارفرمایان ۲۲ معدن خصوصی کشور رسیده بود ضمن ابراز تاثر از وقوع این حادثه نسبت به وضعیت خطرناک و غیرایمن معادن زغال سنگ کشور هشدار داد. در این بیانیه نوشته شده: «اکثریت ماشین‌آلات و تجهیزات در حال استفاده معادن زغال‌سنگ، کهنه و مستهلک است و از نظر فنی و استاندارد ایمنی، برای استفاده در معادن زغال سنگ مجاز نیست." در این نامه قیمت نامناسب دولت برای خرید زغال سنگ (خریدار اصلی ذوب‌آهن اصفهان و شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران است) و عدم پرداخت مطالبات معوق را دلیل نامطلوب شدن شرایط ایمنی در معادن زغال سنگ دانسته که با توجه به حساسیت و گازخیزی بالا در معادن زغال سنگ، احتمال بروز حوادث تلخ در این معادن را افزایش داده است.» کارفرمایان فرصت را غنیمت دانسته که مرگ این کارگران را

دستمایه‌ای کنند برای مجبور کردن دولت به پرداخت معوقاتش و وصول طلب‌های معوق. (۴)

حتا در مواردی که کارفرما به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی "مقصر" شناخته می‌شود نه "مجرم"، باز هم این کارگران هستند که تاوان می‌دهند. (مدیرعامل، رییس کارگاه و پیمانکار نیروی انسانی معدن تنها برای چند روز با دستور دادستانی راهی بازداشتگاه و بعد هم آزاد می‌شوند تا بتوانند به سرعت به وضعیت کاری‌شان سرو سامانی دهند تا وقفه‌ای در کسب سودشان ایجاد نشود(*) اما کارگرانی که اطلاع‌رسانی کرده‌اند اخراج یا مجبور به استعفا می‌شوند. (مانند مهدی همتی، نماینده صنفی کارگران معدن چشمه پودنه که به دلیل اطلاعاتی که در اختیار رسانه‌ها قرار داده بود در ۱۷ خرداد سال ۹۳ با وجود داشتن همسر و سه فرزند مجبور به استعفا از سمت صنفی و ترک کار شد.) یا این که اصلا معدن تعطیل و کارگران از کار بیکار شده و در موارد اندکی برای دریافت بیمه‌ی بیکاری معرفی می‌شوند و در اکثر موارد بدون دریافت هیچ حقی به خیل بیکاران جویای کار می‌پیوندند. در پی حادثه معدن پودنه، ۲۹۰ کارگر معدن به دلیل ناامن بودن شرایط کار، شغل‌شان را از دست دادند. در معدن یال شمالی، نیز بعد از کشته شدن ۸ نفر در اثر انفجار گاز متان و هیدروژن و مونواکسید، شرکت پیمانکاری آروین نوین ۲۴ کارگر باقیمانده را بدون مشخص کردن وضعیت بیمه‌ی بیکاری شان، از کار بیکار کرد.

در مورد معادن طلا وضع فرق می‌کند. جدا از خطرات ناشی از ریزیش معدن و سنگ شکنی و... بحث فلزات و گازها و مواد شیمیایی خطرناکی همچون آرسینیک و سیانور برای استحصال آن موجب آلودگی بسیار زیاد و خطرات جدی برای سلامت کارگران می‌شود.

روند دریافت دیه نیز روندی طولانی و وقت‌گیر است و خانواده‌ی کشته‌شدگان با صرف وقت، هزینه و رفت و آمد زیاد بعد از مدت زمانی نسبتا طولانی شاید بتوانند دیه عزیز از دست رفته‌شان را دریافت کنند. خانواده‌ی کارگرانی هم که به دلیل مشکلات مالی نتوانند وکیل اختیار کنند باید خود شکایاتشان را پیگیری کنند. در حالی که متهمان از وکلایی زبده برخوردارند و به راحتی می‌توانند با استفاده از پیچ و خم‌های قضایی از مجازات‌های تعیین شده بگریزند.

البته فراموش نشود در صورتی که کارگر مقصر شناخته شود دیه‌ای هم پرداخت نخواهد شد. در مورد بعضی‌ها هم مانند سجاد محمدی خانواده‌اش تحت فشار قرار گرفتند تا سناریوی خودکشی وی را ساخته، وصیت‌نامه‌ی جعلی بنویسند تا سر و ته قضیه به هم آید.

در مورد کارگران مجروح و خانواده‌های بازماندگان حادثه‌ی معدن پودنه، مطابق رای کارشناسان فنی دادگستری: پیمانکار، مدیرعامل و رئیس کارگاه به ترتیب ۵۰، ۳۰ و ۲۰ درصد در بروز انفجار روز یکم اسفند ماه مقصر شناخته شدند و مقرر شد تا به خانواده هر متوفی دیه پرداخت شود. اما از این که دیه پرداخت شده یا نه، خبری در رسانه‌ها نیست. وقتی خبر کهنه می‌شود رسانه‌ها هم پیگیری نمی‌کنند که سرانجام این خانواده‌های داغدار و بی‌سرپرست چه می‌شود؟ و خانواده های این کارگران در زیر فشار مسایل مادی و... خرد می شوند.

در حادثه‌ی معدن باب نیزو در زرند، که ۱۱ نفر کشته و ۲۰ نفر مجروح به دنبال داشت، شعبه ۱۰۲ دادگاه جزایی شهرستان زرند مقصر اصلی را مدیر عامل قبلی و مدیر عامل وقت شرکت دلتا هزار همراه رییس هیات مدیره اعلام نمود. هر یک از اینان به پرداخت یک سوم دیه در حق اولیای دم و همچنین مجازات حبس تعزیری محکوم شدند که به تایید دادگاه زرند نیز رسید، رییس هیات مدیره نیز در این حادثه جان خود را از دست داده بود. دادگاه اسم رییس درگذشته را از لیست پرداخت‌کنندگان حذف نمود و معنی‌اش برای خانواده‌های کشته‌شدگان این است که به اولیای دم فقط دو سوم دیه پرداخت شود. به خانواده کارگران کشته شده در باب نیزو مبلغ ۱ تا ۳ میلیون تومان از

طرف استانداری کرمان و وزارت صنایع و معادن پرداخت شد . تا ۴ماه پس از حادثه نیز از پرداخت دیه به این خانواده‌ها خبری منتشر نشد. از پرداخت خسارت به کارگران صدمه دیده نیز هیچ خبری در رسانه‌ها منتشر نشده است.(۵)

اما در گزارشات مستقلی که از این گونه حوادث در معادن منتشر شده به علت دیگری نیز اشاره می‌شود: **خصوصی‌سازی**. بی‌توجهی صاحبان خصوصی معادن به مساله ایمنی و جان کارگران به حدی در سال‌های اخیر شدت یافته که صدای برخی از مسوولان نیز در آمده است. نماینده پیشین طبس در زمان وقوع حادثه انفجار معدن یال شمالی طبس با اشاره به «تصمیم غیرمنطقی» دولت دهم در سال ۸۸ مبنی بر خصوصی‌سازی این معدن، گفته بود: "آن موقع هرچه به مسئولان هشدار دادیم که خصوصی‌سازی معادن باعث کم توجهی به رعالت مسائل ایمنی می‌شود کسی توجه نکرد. " البته این نماینده توجهی به این مساله ندارد که خصوصی‌سازی معادن تنها به دولت دهم مختص نمی‌شود. (۶)

منابع و زیرنویس‌ها

۱- http://www.ayenehrooz.com/?p=28586 به نقل از ایسنا

۲- http://isna.ir/fa/news/93050100286/%D9%85%D8%B1%DA%AF-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%87-%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF

۲*- آوار خصوصی‌سازی بر سر کارگران معدن، گفت‌وگو با دکتر احمد رشیدفرخی ، مریم محسنی، نقد نو، شماره ۸۶ ،

۳- http://isna.ir/fa/news/93050100286/%D9%85%D8%B1%DA%AF-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%87-%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF

۴- http://www.asriran.com/fa/news/322707/%D9%87%D8%B4%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%B2%D8%BA%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%86%DA%AF-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%87%DB%8C%DA%86%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%AE%D8%B7%D8%B1%D9%86%D8%A7%DA%A9%E2%80%8C%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D9%86%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%86%D8%AF

۵-مروری اجمالی بر حوادث روی داده در معادن ایران طی سال‌های اخیر

http://www.kaleme.com/1391/10/01/klm-125502/?theme=fast

http://www.minews.ir/fa/doc/news/12774/%D8%A7%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%B3-%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%DA%A9%D9%85%DB%8C%D9%86-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86

۶-http://www.payeshpress.ir/News/802.html

http://www.mehrnews.com/detail/News/2241437

صفحه ۸
نگرش و رویداد
مشاهدات خبرنگاران در گاچساران
گوشه ای از درد دل کارگران

حوادث معدن در گذر تاریخ

انفجار معدن گاجره خرداد ۱۳۳۲

حوادث کار در معدن ، انفجار، کشته شدن کارگران انگار در گذر تاریخ تغییر چندانی نکرده است. نبود وسایل ایمنی کافی، کمی دستمزد، شرایط نامناسب کار، سودجویی کارفرما و...

در زیر به حادثه‌ای که در معدن گاجره در در ۵ خرداد ۱۳۳۲ رخ داده (۱)و انفجارمعدن باب نیزو (۲) اشاره می‌کنیم و مروری خواهیم داشت به گزارش‌هایی از این حوادث.

حادثه‌ی انفجار در معدن گاجره رخ داد. این معدن در کیلومتر ۱۳ جاده کرج چالوس واقع بوده و ۳۵۰ کارگر داشته است. اکثر کارگران ۱۷ تا ۲۵ ساله بودند. کیهان این خبر را خیلی کوتاه کار کرده است. در روزنامه شهباز ۶ خرداد علت حقیقی **قتل** این کارگران **بی‌اعتنایی متصدیان و نبود موتور تهویه هوا** عنوان شده است. روزنامه دژ در این روز اعلام کرده که ۵ نفر سوخته و ۶ نفر هنوز زیر خاک مدفونند.

کشته‌شدگان عبارتند از: روح‌اله علی میرزایی، فخرالدین ثابتی، حمداله قربی، بیت‌اله شفقتی و سید ذبیح اله ابوالفضل آذرپور، محمد لیواری، محرم احمدی نیز زیر خاک مانده‌اند. سال قبل نیز همین تونل این معدن ریزش کرده و تعدادی کشته شده بودند. تا ساعت ۹ شب به دلیل گاز فراوان هیچ کس نمی‌توانسته وارد معدن شود. رییس معدن هم اجازه نمی‌داده که تهویه هوا به کار افتد. سرانجام تحت فشار کارگران تسلیم شده و کارگران در این ساعت توانستند اجساد همکارانشان را بیرون بیاورند. این تاخیر سبب شد که تعدادی از کارگران زیر آوار خفه شوند. در بیمارستان گاجره هیچ دکتری حضور نداشته است. کارگران وقوع حادثه را پیش بینی کرده و به مسوولین معدن گزارش داده بودند اما مسوولین گوش نکرده‌اند.

در شماره‌ی یک و دو روزنامه‌ی "سرود فردا" گزارشی مصور از معدن گاجره کارگران و محل زندگی آنان آورده شده است. گزارش بسیار تکان دهنده است: "کارگری یکی از چراغ های اطمینان را به خبرنگار نشان داد و گفت دیروز بعد از حادثه به ده نفر از کارگران این تونل از این چراغ ها که هنگام تراکم و ازدیاد گاز خاموش می شوند، داده‌اند. گویا برای این است که اگر کسانی جهت بازرسی آمدند و بازرسی هم کردند اینها به رخشان کشیده شود اما تا دیروز چراغ‌های ما چراغ قوه‌های دستی بود که خودمان دانه‌ای ۱۵ تومان خریده بودیم و یا از همین چراغ ها با توری ایرانی که کار لازم را انجام نمی‌دهند. نماینده‌ی سندیکای کارگران یادآوری نمود که معدن دستگاه تهویه لازم را برای همه‌ی قسمت‌ها ندارد. در همین تونل ۱۱ بعد از انفجار یک وانتیلاتور گذاشتند.

در ادامه‌ی گزارش کارگران از وضع خانه‌ها، بهداری و حقوق خود صحبت کردند. آنها گفتند که در ظاهر اینجا یک بیمارستان ۱۵ تختخوابی دارد اما اولا طبیب آن معمولا در محل نیست در روز حادثه نیز نبوده است و بعد از تلفن کردن و اطلاع دادن آمد. ثانیا بیمارستان دوا و داروی کافی ندارد.

بعد از ۲۴ساعت هنوز هیچ آمبولانسی نیامده است. تنها یک وانت برای انتقال بیماران آمده است. نماینده‌ی سندیکا از اقدامات سندیکا و اعتراضات مکرر کارگران در مورد تکمیل وسایل استحفاظی معدن گفت و تذکر داد که اولیای مربوطه هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. کارگران توضیح دادند که بعد از حادثه تعدادی ژاندارم آمدند و مانع ورود ما به تونل شدند اگر می‌گذاشتند شاید تعدادی از کارگران را می‌توانستیم زنده بیرون بیاوریم.

در تمام معدن فقط یک دستگاه متوسط و دو سه دستگاه کوچک تهویه هست. با در نظر گرفتن ۱۵ تونل معدن و شعبات آن می‌توان تصور کرد که این تعداد دستگاه تهویه چقدر کم است..."

از منازل کارگران کشته شده صدای گریه و آه وناله می‌آمد. نمی‌شد حزن و اندوه آنان، احساس وحشت‌آور فقر نیستی را که بر خانواده‌ای بی‌سرپرست چیره شده، درک نکرد و از غم و محنتشان سهمی نبرد ... اشک از گونه‌های زرد و نحیف کودک خردسال فخرالدین ثابتی که شهید شده بود جاری بود..."

انفجار معدن باب نیزو شهریور ۸۴

در شهریورماه سال ۸۴، نُه کارگر معدن زغال‌سنگ باب‌نیزو در حادثه‌ی انفجار این معدن به طرز دل‌خراشی جان سپردند. دکتر احمد رشید فرخی متخصص طب کار، که در مناطق کرمان و

زرند به کار اشتغال داشته و به مسایل ایمنی ـ بهداشتی و درمانی کارگران معادن زغال‌سنگ کرمان رسیدگی می‌کرده است در مصاحبه‌ای چنین می‌گوید:

شهرک‌های معدنی کرمان فوق‌العاده ایراد دارد. یعنی به نظر من با فرهنگ و شرایط ما انطباق ندارد. چه از لحاظ موازین ایمنی و چه از نظر عوارض درازمدت که ناشی از بی‌نظمی وضعیت تمهیدات و موازین بهداشتی و پزشکی آن‌جاست. (البته صحبت‌های من مربوط به ده ـ دوازده سال پیش است). داستانی خنده‌دار تعریف کنم: قرار بود من از دو تا درمان‌گاه بازدید کنم. یکی از درمان‌گاه‌ها (فکر می‌کنم درمان‌گاه مربوط به معدن باب‌نیزو بود) در کمرکش کوه واقع شده بود و در تپه‌یی قرار داشت که فرد سالم هم برای رفت‌وآمد مشکل داشت. چون هنگام پایین آمدن به دلیل شیب زیاد خطر سقوط وجود داشت چه رسد به حمل مصدوم با برانکارد. وقتی به درمان‌گاه رسیدیم، در ِ این به‌اصطلاح درمان‌گاه بسته بود و ظاهر ساختمان هیچ شباهتی به درمان‌گاه نداشت. پس از در زدن ما پیرزنی با سنی تقریبا بیش از ۶۰ سال در را به روی‌مان باز کرد. او بتادین را هم یک چیز خاصی تلفظ می کرد و آماده بود تا به عنوان مسئول درمان‌گاه به ما که فکر می‌کرد برای درمان آمده‌ایم سرویس پزشکی بدهد. وقتی سراغ مسئول درمان‌گاه را گرفتیم، او گفت مسئول درمان‌گاه پسرم است و رفته شهر. زمانی که متوجه شد من برای بازرسی آمده‌ام نگران به خطر افتادن موقعیت پسرش شد و مرتب می‌گفت او چه کاری می‌خواهد انجام بدهد که من نمی توانم. من هم می‌توانم همان کار را انجام بدهم. این وضعیت یکی از درمان‌گاه‌های آنجا بود. در چنین شرایطی وقتی مدیرعامل وقت یک برنامه خواست

برای اصلاحات سیستم بهداشتی و درمانی آن‌جا، من به ایشان پیشنهاد کردم لطف کنند ابتدا فکری برای این مجموعه کنند که چه کسانی به عنوان پرسنل بهداشتی کار می‌کنند. چون به‌جز سه یا چهار پرستار که تخصص داشتند، بقیه‌ی پرسنل سفارش شده بودند و هیچ صلاحیت پزشکی نداشتند. این روابط بود که این افراد را به کار گمارده بود و نه ضوابط. پسر خانم ۶۰ ساله‌یی که در غایب بودن پسرش مسئولیت درمان‌گاه را داشت، نیز از همین سفارش‌شده‌ها بود که با دیدن یک دوره‌ی سه‌ماهه‌ی آموزشی نقش سرپرست کلینیک را داشت و این موضوع نابه‌سامانی بهداشتی مختص این منطقه و صرفا محدود به متخصص نبودن افراد نبود.

در ادامه خبرنگار می‌پرسد: "وقتی نگاهی به حوادث معدنی ایران می‌اندازیم یکی از اتفاقات دردناک، وضعیت کارگران محبوس شده در یک حادثه‌ی معدنی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا، ایستگاه‌های ایمنی در معادن وجود دارد که به کارگران محبوس شده کمک می‌کند تا آن‌ها را نجات دهد. در ایران چنین کمک‌هایی وجود ندارد. مثلا در حادثه‌ی معدن باب‌نیزو، حادثه برای کارگران معدن ساعت ۹ شب اتفاق افتاده در حالی که کارفرما ساعت ۷ صبح تازه در جریان قرار گرفته بود. با توجه به این‌که معادن زغال‌سنگ به علت گازخیز بودن همواره در خطر انفجار و ریزش قرار دارند، و ممکن است بر اثر هر انفجار دهانه‌ی بخشی از معدن مسدود و کارگران محبوس شوند. در این صورت برای کارگران حادثه‌دیده چه کار می‌شود کرد؟ اقای دکتر به حساسیت افکار عمومی اشاره می کند و مثالی از یکی از حوادث معدنی روسیه می‌آورد که پوتین ناگزیر شده برود در منطقه‌ی حادثه و بالاخره توانستند تعدادی از کارگران را نجات بدهند، مثلا با لوله هوا برسانند و یا اقدامات اورژانسی دیگر. یا کارگران محبوش شیلی را به خاطر بیاورم که چگونه روزها عملیات نجات ادامه یافت. اما در ایران به نظر دکتر این کارها تعهد ملی و علمی می‌خواهد که این‌ها از یک کاسب‌کاری که معدن را خریده تا دو ریال‌اش را بکند پنج ریال برنمی‌آید. این‌جا این کارفرما محاسبه می کند قیمت کارگر چند است و چه‌قدر دست آخر برای‌اش می‌ماند.

منابع:

۱-کیهان، دژ، شهباز، جهان بین،باختر امروز سرود فردا ٦ و ۷ خرداد ۳۲/
۲- مریم محسنی، آوار خصوصی سازی بر سر کارگران معدن، ماهنامه‌ی ***نقدنو***، سال سوم، شماره‌ی ۱۸، اردیبهشت و خرداد ۸۶

۳- یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی ۱۵۰۰

اردیبهشت ۱۳۹۳، معدن طرزه شاهرود

با نخستین قدم پایمان در سیاهی فرو می‌رود ۸۰۰ متر تا نخستین افق. افق‌ها همان طبقات معدن است. معدن زغال سنگ طرزه ۳ افق دارد که افق اول با ۴۵۰ متر طول، ۴۰۰ متر زیرتر از سطح زمین است و دو افق دیگر تا عمق ۱۵۰۰ متری راه می‌برد. تا افق اول، ۳۰ دقیقه راه است و تا افق دوم، ۴۵ دقیقه و تا افق سوم، بیش از یک ساعت. صدای چکیدن قطرات آب و کلمات ما تنها صدایی است که سکوت تلخ و تار این گور زیرزمینی را هراسان می‌کند. به فاصله یک تا دو متری روی سقفی که آمیخته سنگ و زغال است، چراغ‌های مهتابی نصب شده و روی شلاب زغال و لای و ریزه سنگ پیش می‌رویم. آرک‌ها سقف معدن را از فرو ریختن حفظ می‌کند و الوارهای چوب، دیوارها را. «برای کارگر معدن زغال که با سختی کار و مسافت طولانی و خطر ریزش و سقوط سروکار دارد، تاریکی شاید کمترین مشکل باشد. در این چند سال، کارگرانی را دیدم که گرفتار استرس یا اختلالات اعصاب و روان بودند و همین تاریکی هم آنها را دچار توهم می‌کرد و کار در داخل معدن برایشان بسیار سخت و وحشت آور بود.» ...

هر چه به عمق سیاهی می‌رویم تلخی طعم زندگی کارگر معدن زغال، بیشتر روی پرزهای زبان‌مان می‌نشیند...

بعد از ۲۴۰ متر به سرازیری تونل می‌رسیم که از همین‌جا تا ۱۵۰۰ متر پایین‌تر، چهار کیلومتر راه است و کارگران معدن، صبح کارها و شب کارها، هر روز، در دو نوبت، تا ۲۳ سال و شش ماه، باید این مسیر را بروند و برگردند برای دستمزد ۷۰۰ و ۸۰۰ و ۹۰۰ هزار تومانی یک ماه و دو ماه عقب افتاده که هنوز یک سوم آرزوهایشان را هم جواب نمی‌دهد...

یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی ۱۵۰۰

خرداد ۱۳۳۲، معدن گاجره

..."فضای تاریک معدن با سرمای مرطوبی همراه بود. گویی درون گور مرطوب و وحشت‌آور و بی‌انتهایی پیش می‌رویم. آب از هر طرف ِدیوارهای سیاه و زمخت چکه چکه می‌ریخت. برخورد قطرات سرد آب با پوست بدن در معدن تاریک خفه ، تشنج‌آور بود. کارگران تعریف می‌کردند که این قطرات مدام و سمج آب در بسیاری نقاط حتا ریل‌ها را سوراخ کرده است. تونل هیچ دیواربندی نداشت. دل کوه را کنده و جلو رفته بودند، فقط جا به جا در برخی نقاط یک دو متر از تونل چوب بستی زده شده بود. چوب‌های بی‌استقامت و پوسیده. به همین دلیل هم بعد از هر انفجار ، تونل ریزش می‌کند و ارتباط آن با قسمت انتهایی معدن قطع می‌شود و کارگران که در آن قسمت‌ها باشند زنده به گور می‌شوند همین اتفاقی که در انفجار چند روز قبل رخ داد. در یکی از همین چهارراه‌ها چیزی دیدیم که برای همه تعجب‌آور بود و آن یک راه عمودی از سقف تونل به بالا بود که به تونل فوقانی می رسید. با اطمینان می‌توان گفت که پهنای آن؛ کمی وسیع‌تر از دودکش آشپزخانه بود با چوب‌های افقی که منظما به دیوار نصب شده بود کارگران را به تونل بالایی می‌رساند. این راه نزدیک به ۴۰ متر طول داشت از قطر تنگ آن فقط کارگران ضعیف و لاغر اندام می‌توانستند عبور کنند. و برای یک نفر با هیکل عادی قابل عبور نبود. از جوانب این راه دوزخی نیز رطوبت و نشت آب و ریزش چکه‌ها مانند سایر نقاط معدن دیده می‌شد. بدیهی است آب‌هایی که نشت می‌کند و چکه‌هایی که می‌ریزد چاره‌ای ندارد جز آنکه سطح معدن را تبدیل به گودال‌های پرآب و چاله چوله‌های پست و بلندی نماید. عرض تونل در حدود سه چهار متر و ارتفاع آن به زحمت به اندازه‌ی قد یک انسان متوسط‌القامه بود. اشخاص بلند قد حتما می‌باید خم شده و پیش بروند...

سرود فردا خرداد ۱۳۳۲

بیماری‌های ناشی از کار در فعالیت‌های معدنی

تنها حوادثی مانند انفجار و ریزش و... نیست که جان کارگران معدن را به خطر می‌اندازد. کار در تونل‌های تاریک و باریک تونلی‌هایی که سقف آنها بسیار کوتاه و کف‌شان خیس و گل‌آلود است و گاه کارگران مجبورند که خمیده، نشسته روی زانو یا حتا دراز کشیده کار انجام دهند، با امکان لیز خوردن زیاد، پر از سر و صدا و گردوغبار و گازهای سمی، در شرایط گرمایی و سرمایی نامناسب و فضایی مرطوب، هر لحظه بخشی از عمر طبیعی کارگران معدن را می‌بلعند و سلامت این کارگران خاموش و آرام و مستمر صدمه جدی می‌بینند.

در زیر نگاهی کوتاه می‌اندازیم به بیماری‌هایی که ناشی از کار در معدن هستند و به مرور زمان سبب کاهش عمر و کیفیت زندگی کارگران می‌شوند. در بسیاری موارد این بیماری‌ها به حدی حاد شده که جان بیمار را نیز می‌گیرد، هر چند آماری از آن وجود ندارد.

پاییز ۸٤: معدن باب نیزو

کارگر شیفت بعد از ظهر معدن باب نیزو می‌گوید: «کار در معدن خیلی سخته. بعضی وقتا تا زانو توی آب می‌ریم. ۲۰۰ متر زیرزمین کار کردن شوخی نیست توی تاریکی. بیرون که می‌آییم نور چشم‌مان را می‌زنه. بعضی وقتا توی تونل تا زیر زانوی‌مان را آب می‌گیره؛ اون‌وقت ماهی ۱۲۰ هزار تومان.»

ماه‌نامه‌ی *نقدنو*، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴/ خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی

بیماری‌ها و اختلالات اسکلتی-عضلانی مرتبط با کار در معادن

بسیاری از فعالیت‌ها در معدن نیازمند انجام کارهای تکراری در فضاهایی تنگ و کوتاه است که کارگر مجبور است به صورت خمیده، نشسته یا حتا دراز کشیده کار انجام دهد.این شیوه‌ی کار بسیار طاقت فرساست و سبب ایجاد اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارگران می‌شود. کمردرد و شانه و دست درد ، مشکلات زانو از جمله‌ی آنها هستند. فشار مداوم به مفصل زانو سبب التهاب و تورم این مفصل می‌شود. همچنین فشار مداوم و همزمان و خیس بودن کف معادن بروز عفونت ریشه‌های مو و پوست ضخیم ناحیه زانو را در پی دارد. این مشکل به" زانوی معدن‌کاران" معروف است، بیماری شایع درمعادن است.

افت شنوایی

کاهش شنوایی ناشی از سروصدا از عوارض کار در محیط‌های پر سروصدا است. افت شنوایی غیرقابل برگشت، درمان ناپذیر و در همه‌ی معادن شایع است. اختلال شنوایی در کارگران معادن می‌تواند منجر به مشکلاتی در کیفیت زندگی، برقراری ارتباطات یا درک گفتار و همچنین افزایش ریسک شغلی به خاطر ناتوانی در تشخیص ندادن هشدارها و نشانه‌های ایمنی شود. کارگرانی که دچار افت شنوایی می‌شوند در ابتدا فکر می‌کنند که محیط کار آرام‌تر شده است. هر چند اخیراً وسایل ارزان قیمت اندازه‌گیری سروصدای دریافتی توسط کارگر) ساخته شده که کارگران می‌توانند به کمک آن به میزان سروصدای دریافتی در هر شیفت پی ببرند و اقدام‌های محافظتی لازم را انجام دهند،اما سوال اینجاست که آیا این وسیله در اختیار کارگر ایرانی معدن نیز قرار دارد؟ کارگری که از ساده‌ترین امکانات ایمنی مثل ماسک و... محروم است. کارگری که حتا یک ساعت آموزش نیز در رابطه با کار در معدن ندیده است.

تماس با گرد و غبار در معادن زغال سنگ و در سایر معادن

به دلیل حفاری به شیوه‌های متفاوت فضای معادن آغشته به گرد و غبار است. گرد و غباری که حاوی ذرات شیمیایی متفاوتی است که همگی برای کارگران مضر است. حفاری، چالزنی، سنگ شکنی، حمل ونقل مواد استخراجی .... عامل ایجاد گرد و غبار در معادن هستند. در معادن زیرزمینی به علت محدود بودن فضا و همچنین محدود بودن سیستم‌های تهویه، این مشکل به مرتب بیشتر است. یکی از این مواد سیلیس است که تماس طولانی مدت و بیش از حد و استنشاق گرد و غبار سیلیس متبلور قابل استنشاق یا کوارتز، موجب بروز بیماری ریوی پیش رونده‌ای به نام سیلیکوزیس می‌شود. بر مبنای مطالعات انجام شده، بیش از ۷۰درصد از کل بیماری‌های شغلی در سال‌های اخیر این بیماری بوده است.

سیلیس متبلور قابل استنشاق، در عملیات معدنکاری و در حین خرد کردن ایجاد و منتشر می‌شوند. تماس اصلی با گرد و غبار در معادن زغال سنگ رو باز در زمان چالزنی یا حمل و نقل مواد سیلیس‌دار رخ می‌دهد. این مساله حتا در کابین‌های دربسته نیز وجود دارد چرا که گرد و غبار حاوی سیلیس با پوتین‌های کارگران وارد محل می‌شود.

دکتر احمد رشید فرخی میگوید: یکی از بیماری‌های رایج شغلی کارگران معادن کرمان که من با آن مواجه بودم، سیلیکوزیس است. یعنی استحاله‌ی جسم ریه و مثل این است که شما ریه را پس از مدتی تبدیل به گچ کنید. ریه در این وضعیت مانند ماشینی می‌شود که فیلتر هوای‌اش بگیرد. هم مصرف سوخت‌اش بالا است و هم خوب کار نمی‌کند. در این حالت بیمار یا باید «پیوند ریه» بشود یا منتظر مرگ تدریجی باشد. در چنین وضعیتی کارگر بیمار زندگی اش در سه چیز خلاصه می شود: کپسول اکسیژن، ماسک، و تخت.

تنها امکاناتی که در چنین شرایطی در اختیار کارگران قرار داده می‌شود، یک کپسول اکسیژن و ماسک است و او باید روی تخت‌اش بستری بشود تا زمانی که بمیرد و بقیه باید از او مراقبت کنند و این شیوه‌ی زنده ماندن عوارض اجماعی و شخصیتی بسیار منفی‌ای دارد. انسانی که خود نان‌اور خانواده بوده، اتوریته داشته و نقش مهمی در خانه ایفا می کرده به آدمی تبدیل می‌شود که از جای‌اش نمی‌تواند تکان بخورد و وابسته به مراقبت و سرویس دیگران می‌شود و طبیعتا نه پرستیژی می‌ماند و نه احترامی و رفته‌رفته تبدیل به یک موجود مزاحم می‌شود که هم خودش از این وضعیت عاصی می‌شود و هم دیگران از او خسته می‌شوند. این افراد معمولا ۵ تا ده سال زنده می مانند.

"بهداشت حرفه‌ای و ایمنی صنعتی"(علمی که بیشتر در خدمت سرمایه‌داران قرار گرفته تا کارگران) ضررهای این بیماری را این گونه برآورد می‌کند:

"بر اساس این مطالعه، افت اقتصادی ناشی از پنوموکونیوزیس در حدود ۰/۴ درصد از تولید ناخالص ملی کشور چین بوده است. از این رو با یک حساب ساده و بدون توجه به سایر جنبه‌های این بیماری، نسبت منفعت به هزینه در حدود ۱۳/۷ بوده است. به عبارت دیگر با اطلاعات موجود در زمینه اثرات سوء این بیماری حداقل ۷.۱۳ برابر هزینه صرف شده در بخش ایمنی بهداشت، برگشت سرمایه وجود دارد که نشان از برگشت بسیار بالای هزینه صرف شده در بخش بهداشت حرفه‌ای و ایمنی صنعتی دارد." (۱) یعنی هزینه ای که برای پیشگیری از بیماری می‌شود، چندین برابر کمتر از هزینه‌ای است که صرف درمان بیماری می

کارگر مبتلا به سیلیکوزیس

شود. اما سودپرستی صاحبان معدن از اقدامات پیشگیرانه جلوگیری می‌کند.

استفاده از سیستم مه‌ساز، افشانه‌های آبی و بادبزن‌های جمع‌آوری گرد و غبار به هنگام حفاری در معادن، در کاهش انتشار سیلیس موثر است. کارگران به دلیل ناآگاهی از خطرات ناشی از تنفس این گرد و غبار زیان‌آور، توجهی به رعایت حداقل‌های ایمنی در این زمینه از جمله استفاده از ماسک ندارند. (۲)

این بیماری که در معادن زغال سنگ، فیروزه ، سیلیس و ... شایع است از یک فیبروز ساده بدون علامت تا فیبروز شدید پیشرونده با علائم نارسایی تنفسی بسیار پیشرفته را شامل می‌شود. این علائم معمولا سال‌ها پس از تماس مداوم با سیلیس ایجاد می‌شود. شواهد نشان می‌دهد در بعضی موارد این علائم حتی در کمتر از ۱۰ سال نیز قابل مشاهده‌اند.

در گزارشی از پزشکی قانونی در سال ۸۳ در مورد یک کارگر مبتلا به این بیماری چنین می‌خوانیم:

متوفی مردی ۲۴ ساله، مجرد، با قد ۱۷۵ سانتیمتر و وزن ۵۰ کیلوگرم بود که سابقه سه سال کار به صورت روزمزد در معدن سنگ ملایر داشت. سابقه مصرف سیگار، مواد مخدر و الکل وجود نداشت قبل از کار در کارخانه سنگ، سابقه بیماری خاصی در فرد متوفی وجود نداشت. فرد متوفی شش بار به دلیل مشکلات ریوی بستری شده بود ... در شرح حال، سوزش ادرار، هماچوری، تکرر ادرار، تنگس نفس، سرفه، دفع خلط سفید رنگ گاهی خونی و درد قفسه سینه داشت.آخرین بستری ایشان به دنبال سرماخوردگی و تشدید تنگی نفس در ای سی یو بود.(۳)

در تحقیق دیگری در زمینه شیوع بیماری‌های ریوی در بین معدن کاران فیروزه که بر روی ۱۱۷ نفر از کارگران شاغل و بازنشسته معدن فیروزه نیشابور انجام شده، مشخص شد که میانگین سنی شاغلین مورد بررسی ۴۲.۹ و میانگین سنوات کار آنان در معدن ۱۱.۵ سال بود. ۷ نفر از شاغلین مبتلا به بیماری سیلیکوزیس ساده و ۱ مورد مبتلا به فیبروز پیشرونده ریه، همگی از بازنشستگان معدن فیروزه بودند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مواجهه کارگران با گرد و غبار سیلیس علاوه بر ابتلا به بیماری سیلیکوزیس، منجر به افزایش دیگر مشکلات تنفسی به ویژه بیماری‌های انسدادی ریوی می‌گردد. عوارض این بیماری غیرقابل درمان است و سبب ناتوانی دایمی در کارگر می‌شود و تنها چاره‌ی کار انجام اقدامات پیشگیرانه در معادن است باید مورد توجه کارفرمایان، کارگران و مسوولان قرار گیرد که متاسفانه سودخواهی مانع از این اقدامات می شود. (۴)

استرس گرمایی

استرس گرمایی در معدنکارانی که در محیط‌های گرم کار می‌کنند، بروز می‌کند. علائم استرس گرمایی شامل افزایش دمای بدن، افزایش تعداد ضربان قلب و تعریق است. دما در عمق ۲۵۰ متری حدود ۲۵ درجه سانتی‌گراد است و در عمق ۲۰۰۰ متری این دما به ۴۵ درجه سانتی گراد می‌رسد. طی فرآیند معدنکاری گرما در محیط معدن آزاد می‌شود و هوایی را که از کنار سنگ‌های داغ می‌گذرد نیز گرم می‌کند و دمای آن را بالا می‌برد. استفاده معمول از آب برای کنترل گرد و غبار موجب بالا بردن درصد رطوبت در معادن می‌شود. دمای بالا به تنهایی – مخصوصاً اگر با رطوبت بالا توام باشد– خطرات بهداشتی مهمی را برای معدنکاران به وجود می‌آورد. افزایش سکته‌ی قلبی یکی از این عوارض است اما سکته جزء حوادث کار محسوب نمی‌شود.

دود و دمه، گازها و بخارهای سمی حاصل از آتشباری

طی فرآیند شیمیایی گازهای سمی و قابل انفجار و احتراق به وجود می‌آیند. یکی از خطرناک‌ترین این گازها منواکسید کربن است. مسمومیت با منواکسید کربن در تونل‌های چال‌های انفجاری و همچنین در معادن زغال سنگ سطحی نیز دیده می‌شود. میزان قابل توجهی از گاز CO طی آتشباری تولید می‌شود اما این گاز و سایر گازهای دیگر تولید شده به اتمسفر

تخلیه نمی‌شوند بلکه در زیر لایه‌های مجاور سطحی جمع شده و سپس به طرف مسیرهای دارای مقاومت کمتر حرکت می‌کنند. گازCO یک گاز پایدار است و می‌توانند تا روزها باقی بماند تا وقتی کارگران مشغول کارند توصیه می‌شود از آشکارساز گاز در نزدیکی محل استفاده شود و نیز قبل از اینکه کارگرها وارد هرگونه محیط بسته‌ای مانند دویل‌های نفر رو در نزدیکی محل انفجار شوند، باید میزان این گاز را اندازه‌گیری کرد. در گذشته‌های دور از پرندگان برای سنجش این گاز استفاده می‌شده است چرا که با درصد کمی از این گاز خفه می‌شدند و کارگران متوجه وجود این گاز بی بو خطرناک می‌شدند. اما حال تکنولوژی به کمک این کارگران آمده اما متاسفانه در بسیاری از حوادث رخ داده ناشی از انفجار گاز، دستگاه‌های سنجش گازخراب بوده یا اصلا موجود نبوده است.

سایر مواد سمی

سرب، اروانیوم، فرمالدئید (۶) ، مواد دیگری مانند ذرات خروجی از اگزوز موتورهای دیزلی ، مواد شیمیایی مورد استفاده برای جداسازی مواد معدنی از یکدیگر به کار می‌روند مثل سیانور در معادن طلا و... از جمله مواد سمی هستند که در معادن به وفور یافت می‌شوند. همه‌ی این مواد سرطان‌زا هستند. به جز آن مشکلات تنفسی، آسم ناشی از کار، آلرژی و بیماری‌های پوستی، و حتا پارکینسون با قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی که برروی سیستم عصبی تاثیر سوء دارند و در مرحله فرآوری زغال سنگ و سایر مواد معدنی استفاده می‌شوند) رابطه‌ی مستقیم دارند.

در آخرین نمونه ازحوادث ناشی از کار در تیرماه ، حدود ۱۹۴ کارگر مجتمع مس سرچشمه رفسنجان مسموم شدند که حدود ۴۰ کارگر به دلیل مسمومیت با گاز آرسنیک به بیمارستانی در یزد منتقل شدند. کارگران که از صبح زود سر کارشان حاضر شده بودند حدود ۸ ساعت در معرض گاز آرسنیک قرار داشتند اما مسئولین پالایشگاه به آنها نگفتند که درصد گاز آرسنیک حوضچه‌ها افزایش یافته است. یکی از کارگران که به دلیل وخامت حالش به تهران اعزام شده، جفت کلیه‌هایش را از دست داده است و مرتب دیالیز می‌شود. به حدود ۵ نفر از همکاران نیز به دلیل کاهش پلاکت خون و از بین رفتن گلبول‌های قرمز به طور مرتب خون تزریق می‌شود. (۷)

این مواد به اندازه‌ی کافی خطرناک هستند مثل سیانور در استحصال طلا، اما در ایران، چون در زمینه‌ی سیانور تحریم شده، از کودهای شیمیائی که از وزارت کشاورزی به صورت قاچاق دریافت می‌کنند به جای سیانور استفاده می‌شود. مصرف صنعتی این کودها که همه جای دنیا ممنوع است. (۸) زیرا این خطرات را برای کارگران دوچندان می‌کند. اما خطرات معادن تنها برای کارگران نیست بلکه خانواده‌های آنان و ساکنان روستاها و مناطق نزدیک به معدن را نیز درگیر می کند. زیرا استخراج معدن به شیوه های عقب مانده و با سرعت بسیار زیاد صدمات زیادی به محیط زیست می زند.

در پسماندهای معدن طلا دو ماده سمی و خطرناک جیوه و آرسنیک وجود دارد که به راحتی منابع آبی منطقه را آلوده می‌کنند. این آب وقتی وارد چرخه آبی می‌شود، در ابتدا گیاهان و سپس حیوانات و انسان‌ها آلوده به این مواد خطرناک می‌شوند. اتفاقی که در معدن طلای تکاب رخ داده است. آزمایش‌های آب و خاک منطقه نشان می‌دهد در بدن مردم تکاب جیوه وجود دارد و وجود بیش از اندازه جیوه در انسان، بیماری‌های پوستی و سرطان، به خصوص سرطان‌هایی مانند مری و معده و همچنین تولد کودکان ناقص‌الخلقه از تبعات آن است.

در مورد معادن اورانیوم هم که وضع روشن است. تشعشات این ماده برای انسان مرگ‌زاست و کار در این گونه معادن با نبود امکانات ایمنی کافی مساوی است با مرگی نه چندان تدریجی. (۹)

قارچ‌ها نیز صدمات جدی به سلامت ریه‌ی کارگران وارد می‌کنند. شرایط دما و رطوبت در معادن به گونه‌ای است که غالباً باعث رشد قارچ و کپک می‌شود.

استرس و خستگی ناشی از کار

استرس و خستگی ناشی از کار در صنعت معدنکاری بسیار شایع است. بسیاری از معادن به صورت ۲۴ ساعته در حال تولید هستند. سرمایه‌گذاران در این بخش می‌خواهند در حداقل زمان ممکن حداکثر سود را ببرند. بیکار گذاشتن ماشین‌آلات گران قیمت و تعطیلی معادن به معنی سود کمتر است.

بعضی از فعالیت‌های معدنی در تعطیلات آخر هفته نیز دایر هستند و بعضی دیگر نیز تمام روزهای سال را مشغول به کارند. در معادن زغال سنگ زیرزمینی، معمولاً کارگران در شیفت‌های ۸ ساعته کار می‌کنند. اما کارفرمایان و سرمایه‌داران حسابگر همه زمان‌های پرت را در نظر دارند. از دست دادن هر لحظه برای آنها به معنای کاهش سود است. جابه‌جایی شیفت‌ها معمولاً ۳۰ دقیقه یا بیشتر به طول می‌انجامد که با در نظرگرفتن دیگر زمان‌های تلف شده برای شروع مجدد تولید، تنها حدود ۶۰ درصد از کل زمان یک شیفت صرف تولید می‌شود. برای حل این مساله نیز باید تمهیداتی در نظر گرفته می‌شد. مثل اینکه تغییر افراد در شیفت‌های مختلف به صورت مستقیم و در خود محل تولید صورت گیرد که این شیوه به نام روش صندلی داغ مشهور است و لذا تقریباً زمانی برای تعویض شیفت تلف نمی شود و یا با افزایش ۲ ساعت به هر شیفت تولید، ۸ ساعت کامل تولید حاصل می‌شود. در برخی معدن از دو شیفت ۱۰ ساعته با ۴ ساعت تعمیرات در بین آنها، استفاده می‌شود و برخی شرکت‌ها نیز

تهویه غول پیکر در همین آستانه نصب شده که اکسیژن خالص را به سرازیری تونل هدایت کند و گاز متان و گرد زغال و گاز گوگرد را فرو بکشد. مسوول ایمنی می‌گوید که کاهش اکسیژن تا ۱۹ درصد هم مجاز است که پایین‌تر از این حد، کارگر را به بی‌حالی و ضعف می‌کشاند و کمتر از ۱۴ درصد، به مرگ اما این تهویه جوابگوی افق‌های دوم و سوم نیست و بیشترین شکوه کارگران از کمبود اکسیژن است در تونل‌هایی که گازهای سمی و رطوبت تمام اکسیژن هوا را می‌بلعد. صدای تهویه مهیب است. صدایی که تمام سلول‌هایت را می‌لرزاند و انگار هم الان پرده گوشت از هم دریده می‌شود. ... سرازیری تونل، مثل غارهای به جا مانده از عصر سنگی است: دیوارهای آبله زده از تو رفتگی و بیرون‌زدگی سنگ بی‌قابلیت زغال، حفره‌هایی که پایانی ندارد، سقف ناسور و بی‌قواره‌یی که گاه سرت را خم می‌کند و گاه کمرت را. نقاله عظیمی که از بونکر زغال (مخزن جمع‌آوری زغال) راه به بالا کشیده، غرغر کنان در حال حرکت است. «این نقاله هیچ‌وقت متوقف نمی‌شود و شبانه‌روز در حال حمل زغال است.» ... به افق اول می‌رسیم. بعد از آنکه ۳۰۰ الوار چوب به حکم پله‌های این سرازیری با شیب ۱۶ درجه را زیر قدم‌هایمان جا گذاشتیم. افق، هیچ تناسبی با تسمیه‌اش ندارد. روشنایی چراغ‌هایمان فقط تا یک متر جلوتر را روشن می‌کند. سرمای هوا از تار و پود پارچه‌های زمخت رد می‌شود و پوست‌مان را می‌گزد. سرمایی مرطوب که ۸۷۵ کارگر قراردادی و غیر رسمی با قراردادهای ضمنی و شفاهی، باید ۲۳ سال و شش ماه و هر روز هشت ساعت آن را تحمل کنند تا در آخر، ۳۵ روز حقوق بازنشستگی بگیرند آن وقتی که ریه‌هایشان از رسوب گرد زغال دو لایه شد و نفس‌هایشان توان خاموش کردن یک شعله شمع را هم ندارد ... بو کن. چه بویی می‌دهد؟ بوی سنگ زغال را فرو می‌کشم. بوی لجن، فاضلاب شاید. بوی تخم مرغ گندیده. هان؟ این همان گاز گوگرد است که از زغال متصاعد می‌شود.

یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی ۱۵۰۰

شیفت‌ها را به ۱۲ ساعت نیز افزایش داده‌اند. همه‌ی این ترفندها برای بی‌کار نماندن ماشین‌آلات گران‌قیمت در نظر گرفته می‌شود اما به این مساله که این شیوه‌های کار چه تاثیری بر روی کارگران دارد توجهی نمی‌شود.

تحقیقاتی نیز در زمینه حوادث جزئی‌تر در معادن انجام شده است. این تحقیقات به خاطر توجه به سلامت و بهداشت کارگران انجام نمی‌شود دلیل اصلی آن تاثیری است که در میزان سود کارفرمایان و سرمایه‌داران دارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که به علت این حوادث چه میزان روزهای کاری از دست می‌رود. تحقیقی در امریکا در گام نخست نشان می‌دهد که میزان حوادث کار در سال ۲۰۰۱ میلادی ۴/۳ مورد برای هر صد نفر کارگر تمام وقت معادن زغال سنگ، در مقایسه با میزان ۲/۶ در کلیه صنایع امریکا بوده است . در گام بعد با مقایسه تعداد و میانگین سالانه‌ی روزهای کاری از دست رفته برای کارگران معدن و پیمانکاران مستقل شاغل در معادن، انواع ماده‌ی معدنی و محل کار ، نشان می‌دهد که ترتیب و میزان جراحات در طول چند دهه قبل کمی تغییر کرده است. به عنوان مثال از سال ۱۹۸۸ تا سال ۱۹۹۷، ۵ علت عمده بروز صدمات به ترتیب عبارتند از جابجایی مواد (۳۴ درصد)، لیز خوردن و یا افتادن(درصد۲۱)، وسایل حمل و نقل(۱۱ درصد)، ماشن آلات (۱۱ درصد) و ابزارهای دستی (۹/۵ درصد)است. و در ادامه میانگین تعداد روزهای از دست رفته برای حوادث را در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ این گونه بیان می‌کند:

سقوط یا ریزش (۲۰ روز برای معادن زیر زمینی و ۲۱ روز برای معادن روباز)، لیز خوردن یا افتادن (۲۵ روز برای معادن زیرزمینی و ۱۷ روز برای معادن روباز)، ماشین‌های حمل و نقل (۲۳ روز برای معادن زیر زمین و ۱۶ روز برای معادن روباز) ، پاگذاشتن و یا زانو زدن روی اشیاء (۵/۲۲روز برای معادن زیرزمینی و ۹ روز برای معادن روباز) و جابجایی مواد (۱۹ روز برای معادن زیرزمینی و ۱۲ روز برای معادن روباز). فشار وارده به ناحیه کمر که ناشی از زور زدن زیاد است، بزرگ‌ترین سهم را در روزهای کاری از دست رفته دارد. اما برای سرمایه‌گذاران وطنی و خارجی در معادن ایران این مسایل چندان مهم نیست و با برداشت بی‌رویه از معدن این روزهای از دست رفته را جبران می‌کنند.

وجود مواد خیس و گل در کف معدن موجب لیز خوردن شدید شده و خطرناک است. نزدیک شدن زیاد به ماشین‌آلات همیشه برای کارگران خطرناک است ولی این خطرات در فضاهای محدود معادن زیرزمینی به مراتب بیشتر می‌شوند. در معادن زیرزمینی امکان دید محدود است و باعث تشدید خطرات در محیط‌های بسته می‌شود. (۱۰)

زیرنویس

* ماه‌نامه‌ی ***نقدنو***، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴/ خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی

۱- بررسی پنوموکونیوزیس در معادن و صنایع معدنی با رویکرد اقتصادی / احمد نیک پی، علیرضا کوهپایی،هاشم ستاره

2- http://lahijanarshadzamin.blogfa.com/post-136.aspx

۳- گزارش یک مورد مرگ زودرس ناشی از سیلیکوزیس در مردی ۲۴ ساله / پزشکی قانونی ۱۳۸۵ شماره ۴۳/ http://www.ensani.ir/fa/content/116636/default.aspx

۴- **بررسی بیماریهای ریوی شغلی در کارگران معدن فیروزه** / مجدی محمدرضا,رفیعی منش احسان,*احتشام فر سیدمرتضی,فحول محمدجواد,مسعودی سعید / *مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد http://generalmedical.mihanblog.com/post/tag/%D9%81%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%8

۵-

۶- **فرمالدهید** گازی با بوی تند و زننده‌است و به آسانی از سوخت ناقص ترکیب‌های کربن‌دار به دست می‌آید. آن در دود آتش جنگل‌ها و دود خودروها هم پیدا می‌شود. فرمالدهید همچنین از آمیخته شدن اکسیژن و متان در هوا ساخته می‌شود. فرمالدهید در صنایع چسب سازی نیز استفاده می‌شود. بخارات سمی دارد و سرطان زاست.

Wikipedia contributors, "Benzaldehyde", Wikipedia, The Free Encyclopedia,

7- http://www.iscanews.ir/news/15700/%DA%AF%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D9%86%DB%8C%DA%A9-%D8%AF%D8%B1-%D8%B1%DB%8C%D9%87-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%

D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B3-%D8%B3%D8%B1%DA%86%D8%B4%D9%85%D9%87

۸- رادیو دویچه وله - طاهر شیر محمدی - شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۴ آوریل ۲۰۱۰

https://www.newsagency-ina.com/Report-back=1&Details.aspx?reportId=3364

۹- مراجعه شود به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر از کارگران معدن اورانیوم

۱۰- کاظم نوری،محمد. حوادث و بیماری‌های ناشی از کار در فعالیت‌های معدنی، مجله نظام مهندسی معدن، شماره ۳، تابستان ۸۸

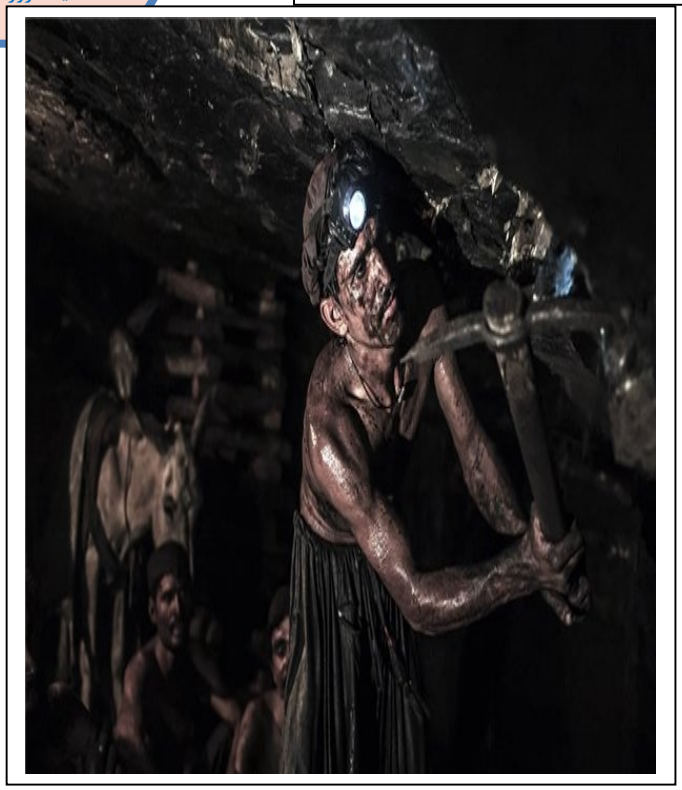

یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود

شمس‌الدین می‌گوید: پیکور (چکش هیدرولیکی)تمام مغزمان را می‌لرزاند. تمام بدن‌مان را می‌لرزاند وقتی می‌رویم خانه تا مدتی تیک داریم. بعضی جاها که باید در عرض ۵۰ سانت و ٤٠ سانت و ۳۰ سانت پیکور بزنیم .باور نمی‌کنید تا نروید داخل کار.

پزشک معدن می‌گوید:"پیکور زدن باعث انتقال ارتعاش به مفاصل‌شان می‌شود و بعد از مدتی در اثر وارد شدن استرس به عروق خونی، دچار کم خونی سطح غضروف می‌شوند که در دراز مدت، مرگ سلولی را در پی خواهد داشت و استخوانی شدن غضروف‌ها تسریع می‌شود و غضروف، خاصیت ضربه‌پذیری خود را از دست داده و مفصل دچار آرتروز و ناصافی زودرس می‌شود. در واقع، اتفاقی که باید در سنین میانسالی و ۵۰ و ۷۰ سالگی برایشان بیفتد، در ۲۵ و ۳۰ سالگی گرفتارشان می‌کند.»

زندگی کارگران معدن

هر از چند گاه، گزارش‌هایی از وضعیت زندگی کارگران معدن در رسانه‌ها منتشر می‌شود. گزارش‌هایی که تنها گوشه‌ی کوچکی از شرایط دشوار زندگی کارگران این بخش را نشان می‌دهند. این گزارش‌ها صرف نظر از زمان تهیه آنها، بسیار مشابه‌اند. وقتی پای صحبت و درد دل این کارگران می نشینی متوجه خواهی شد که تنها حوادث کار و نبود ایمنی در معادن نیست که زندگی و امنیت شغلی و روانی آنان را تهدید می‌کند. دستمزدهای اندک، حقوق‌های معوقه، قراردادهای سفید امضا، شرایط دشوار کار، نداشتن مسکن مناسب، برخوردار نبودن از خدمات بهداشتی مناسب، عدم امنیت شغلی، بیکاری و ... از جمله خطراتی هستند که زندگی کارگران و خانواده های آنان را تهدید می‌کنند. هراز گاهی نیز که کارگران به جان آمده از این همه بی‌عدالتی اعتراض می‌کنند و حقوق ابتدایی و انسانی خود را طلب می‌کنند، خطر دیگری را باید به جان بخرند: دستگیری، زندان ، اخراج ، برخوردهای سرکوبگرانه‌ی نیروی انتظامی و احیانا گلوله و ...

اینها خطراتی هستند که در گذر زمان تغییر چندانی نکرده‌اند. انگار در معادن ایران و برای کارگران و خانواده‌هایشان زمان نمی‌گذرد و رویدادهای تاسف‌بار و وحشتناک در چرخه‌ای مرتبا تکرار می‌شوند و از میان این کارگران و خانواده‌هایشان قربانی می‌گیرند.

در زیر مروری خواهیم داشت به برخی از این گزارش‌ها تا از زبان خود این کارگران بخوانیم که چگونه زندگی و کار می‌کنند.

میزان دستمزد، بیکاری و نبود امنیتی شغلی،

خرداد ۱۳۳۲معدن گاجره، گفته‌های کارگران و مشاهدات خبرنگار: "یکی از آنها مبتلا به رماتیسم است و بیمارستان به او گفته که بیخود می‌گوید و دارویی به او نداده و یا فرد دیگری که واگن به پهلویش خورده و نمی‌تواند غذا بخورد اما بهداری به او گفته که مریض نیستی و بدون درمان او را از بیمارستان بیرون کرده‌اند. کارگر دیگر که ۴ سال سابقه‌ی کار دارد روزی ۳۰ ریال مزد داشت و در سال ۱۳۲۹ در همین معدن زیر آوار ماند و کتف و پایش شکست و ۵ ماه در بیمارستان خوابید." (۱)

پاییز۸۴ باب نیزو: از سال ۴۵ توی معدن کار می‌کردم با روزی ۳ تومن. سال‌ها در معدن **باب نیزو** کار کرده‌ام. اون‌موقع سال پنج شش هزار کارگر داشت. الان بازنشسته هستم. با ۳۵ سال سابقه کار، ۱۸۰ هزار تومان می‌گیرم. کرمان سه تا شعبه تامین اجتماعی داره ولی وضع دارو خیلی بده. بیشتر معدن‌چی‌ها بیماری ریه دارند ولی بیشتر داروها فرانشیزش قطع شده و ما مجبوریم آزاد بخریم. با ۳۵ سال سابقه کار اموراتم نمی‌گذره. (۲)

اردیبهشت ۱۳۹۰ ، کارگران اخراجی کارخانه تولید طلای آق دره تکاب – آذربایجان غربی:" ما هشت سال در بزرگترین کارخانه طلای ایران با تمام مصایب قابل تصور با حقوق اندک با بیشترین تولید و بهره‌وری کار کرده ایم جدا از اینکه همه ما آلوده به مواد شیمیایی ناشی از استحصال طلا هستیم بیش از یک ماه است اخراج شده‌ایم ... اما تکاب از مناطق زلزله زده و جنگ زده هم بدتر است و هنوز نوبت بازسازیش فرا نرسیده چراکه اینجا مرحله تخریب کارگرانی است که یک ماه است پشت درهای بسته ادارات شیون سر می‌دهند جلوی کارخانه فریاد وا مصیبتا و وامعیشتا سر می‌دهند... معنای شرمساری پدر از فرزند ، خجالت شوهر از همسر و گریه مادر از گرسنگی فرزند را می‌فهمد. سخت است فهمیدن کودکی که گرسنه است و در مدرسه به فکر پدری که روزی برده‌داریش را افتخار خود می‌دانست و با آن غرور کودکی به همسالانش فخر می‌فروخت. (۳)

دی ماه ۱۳۹۱، زرند کرمان: یکی از کارگران معدن زغال سنگ در کرمان که چند ماهی است بی کار است، می‌گوید: «سال گذشته از ۳۰۰ نفر کارگر معدن، ۱۵۰ نفر اخراج شدند و این اتفاق در چندین معدن دیگر زرند هم افتاده است. من زمان بیکاری ۷ ماه حقوق نگرفته بودم و فقط پول کمی هر ماه به صورت مساعده و ودیعه پرداخت می‌شد و حالا هرچه برای گرفتن طلبم مراجعه می‌کنم صاحب معدن می‌گوید پول ندارد و معدن درحال ورشکستگی است. او که سال قبل برادر زنش را در هنگام کار در معدن از دست داده است، می‌گوید:" در زرند کرمان به جز معدن کار دیگری وجود ندارد و شغل بیشتر افراد با وجود همه سختی‌ها و حقوق ۶۰۰، ۷۰۰ هزار تومانی کار کردن در عمق ۲۰۰، ۳۰۰ متری زیر زمین است که آن هم با بدبختی و بی‌کاری مواجه شده است."(٤)

اردیبهشت ۹۳، معدن طرزه شاهرود: علی ۳۳ ساله، کارگر استخراج با ۱۱ سال سابقه کار می‌گوید: «تمام خریدهایمان نسیه است. از بقالی و میوه‌فروشی و قصابی همه‌چیز را نسیه می‌خریم. شده‌ایم مضحکه بازار . الان شش میلیون بدهکارم و ماهی ۵۰۰ هزار تومان قسط می‌دهم. هر چه داریم قسطی است. دائم باید وام بگیریم که قسط‌های عقب مانده‌مان را صاف کنیم.

فرهاد، کارگر استخراج با هشت سال سابقه کار ۳۵ ساله می‌گوید."پایه حقوقم ۵۱۵ هزار تومان بود که با ۲۵درصد افزایش می‌شود ۶۲۵ هزار تومان. پدر پولداری که نداشتیم. همه کارگریم. باید پولی باشد که خرج زندگی با آن جور شود. خیلی خواسته زیادی است که بخواهم یک ماشین داشته باشم تا زن و بچه‌ام را مسافرت ببرم که آنها هم تفریح کنند و از زندگی چیزی بفهمند؟ یک عروسی بخواهیم برویم باید صد هزار تومان وام بگیرم. پریشب رفتم خانه. بچه‌ام گفت بابا، آخر هفته تولدم است. دوچرخه می‌خواهم. رفتم بازار. قیمت دوچرخه ۲۰۰ تومان بود. باید ۲۰۰هزار تومان قرض کنم که برایش دوچرخه بخرم. کاش که پسرم مثل من نشود. دکتر، مهندس، معلم بشود ولی معدن‌کار نشود. لااقل مهندس معدن بشود.» (۵)

«حقوق پایه‌ام کمی بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان بوده و دریافتی خالصم هم ۷۵۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است. سه بچه دارم. برجی ۳۵۰ هزار تومان قسط وام می‌دهم. با این حقوق فقط می‌شود چرخ زندگی را چرخاند و هیچ خواسته اضافی نباید داشته باشیم. با ماهی ۴۰۰ هزار تومان چه‌کار می‌شود کرد؟ نمی‌توانم دندان‌هایم را درست کنم. نمی‌توانم جهیزیه دخترم را تهیه کنم. مشکلات خیلی داریم. خیلی.» حمید ۴۱ساله می‌گوید که ۲۰ سال سابقه کار استخراج دارد و دندان‌هایش را در کار استخراج از دست داده و زیر چشم راستش را هم پلاتین گذاشته و چشم‌هایش از گرد زغال سرخ سرخ است . (۶)

مرتضی می‌گوید: «الان از عمق ۷۰۰ متر بالا آمدم. کسی که می‌آید معدن، نفرین شده خانواده است. اینجا آخر خط است. در این یک سال یک مسوول نیامده اینجا بپرسد درد ما چیست. رفتن‌مان به کارگاه با خودمان است و برگشتن با خدا. آنکه تا ۱۵۰۰ متری می‌رود که دیگر شکل آدمیزاد نیست. من ۳۰ سال دارم اما زانوهایم از رطوبت معدن آنقدر درد دارد که نمی‌توانم راه بروم. اینجا روی‌مان از زغال سیاه می‌شود. پیش زن و بچه‌مان هم از نداری. پیش آنها هم حرفی برای گفتن نداریم. حقوق‌مان را یک روز پنجم ماه می‌دهند و یک روز دهم ماه. آن‌هم با دو ماه تاخیر. نه می‌توانیم روی قسط حساب کنیم و نه می‌توانیم روی وام حساب کنیم و نه می‌توانیم روی حرف‌مان حساب کنیم که اگر حرفی پیش یک نفر می‌زنیم حداقل، حرف‌مان ارزش داشته باشد. همه‌چیزمان روی هواست. هرچقدر کار کنیم پول می‌دهند. اضافه کار را باید با التماس بگیریم . مشکلی پیش بیاید که اضافه کارمان هم هیچ می‌شود. یک وقت تا هفت غروب اینجا هستیم و هیچ دست‌مان را نمی‌گیرد. یک روز هم که پنج متر اضافه کار می‌زنیم بابت هر متر ۳۵۰۰ می‌دهند و شب با ۱۵ هزار تومان می‌رویم خانه. خیلی چیزها که مردم دارند برای ما آرزوست. کار برای ما آرزوست که بتوانیم یک کار درست پیدا کنیم. در

زندگی‌مان هر چه از آرزو بگویی کم گفته‌یی. از صبح که بیدار می‌شویم فقط چشم‌مان به سیاهی است و تاریکی تا شب.» (۷)

دستمزد و ساعات کار

معدن گاجره، ۱۳۳۲: وضع دستمزد آنان گر چه ظاهرا روزمزد هستند ولی درحقیقت بستگی به مقدار کار دارد. در حالی که برای دستمزد کارگران ذغال را تنی ۵۰ تا ۶۰ ریال محسوب می‌کنند، اما همین ذغال را تنی ۵۰۰ تا ۸۰۰ ریال می فروشند. کارفرما امتناع شدید کارگران را از کار در قسمت‌های خطرناک معدن ، که تاکنون چند بار منفجر شده، با چند ریال اضافه دستمزد جبران می‌کند.

شهر علی شهرودی کارش آتشباری (در تونل دینامیت آتش می‌کند) است او ۱۲ سال سابقه‌ی خدمت دارد و با روزی ۳۵ ریال مزد باید زندگی ۵ نفر را تامین نماید. مختار کیانی را با روزی ۲۳ ریال مجبورش کرده‌اند که درون تونل کار بکند. او ۵ سال سابقه‌ی کار دارد. بیت اله شفقتی کارگر مقتول که او را هم به اجبار به کار در تونل واداشتند، رفیق او بود و با وی کار می‌کرد. کیانی در ابتدا کارگر راهسازی بود پس از این که گفتند باید در تونل کار کند او و دیگر کارگرانی که اجبارا به این کار محکوم شده بودند ده روز اعتصاب کردند و گفتند ما کارگر تونل نیستیم و حتا حاضر شدند خاتمه خدمت بگیرند. اما اولیای معدن نپذیرفتند. این کارگر ستمدیده فقط ۱۶ سال داشت.

پاییز ۸۴ ، باب نیزو: «سه سال کار می‌کردم. پارسال اومدم بیرون. ۱۳۰ هزار تومان می‌گرفتم. کار معدن خیلی سخته به خصوص بخش استخراج و تولید. چندماه چندماه حقوقا عقب می‌افتاد.» علت بیرون آمدنش را می‌پرسم. «شرکت پیمانکاری پدر در می‌آره. نمی‌شه کار کرد. همه‌ی کارگرایی که با شرکت‌های پیمان‌کاری کار می‌کنند بعد از یکی دو سال می‌رن. قراردادی‌های نمی‌مونند اون پایین مثل زندانه. تو عمق ۴۰۰ متری کار می‌کنی اون‌وقت ۱۳۰ هزار تومان. پیمان‌کار پول زیادی به جیب می‌زنه ولی چیزی گیر کارگر نمی‌یاد.» از دست‌مزدها می‌پرسم. «آن‌ها که امانی هستند باز وضع‌شان بد نیست ولی بقیه هیچی. کسانی که امانی هستند، حقوق‌شان ثابت است.» ـ امانی یعنی چه؟ ـ «اگر کارگری در استخدام دولت باشه یعنی امانی ولی کسانی که قراردادی هستند، مزدشان بستگی به ساعتی که کار می‌کنند داره و پیمان‌کار خیلی کم می‌ده. یک پیمان‌کار از یک واگن ممکنه حتا ۲۰۰ هزار تومان داشته باشه ولی یک دهم اون رو هم به کارگر نمی‌ده. بدتر از اون وضع فصل ۱۳ای‌هاست.» ـ فصل ۱۳ یعنی چه؟ ـ «یعنی این که تا زمانی که پیمان‌کار در معدن کار می‌کنه، در معدن می‌مانند و سال‌های کارشان تا زمانی که شرکت پیمان‌کار آن‌ها را اخراج نکرده و یا خودشان نرفته‌اند، به عنوان سابقه کار به حساب میاد. اما اگر پیمان‌کار دیگه با شرکت زغال‌سنگ کار نکنه، آن‌ها هم دیگه سابقه کاری برای‌شان در نظر گرفته نمی‌شه برای همین زیاد نمی‌مونند و دوام نمی‌یارند.» ـ یعنی سه جور استخدام وجود دارد؟ ـ «بله.» ـ قرارداد پیمان‌کاران چند ساله است؟ ـ «معمولا یک‌ساله»

پاییز ۸۴ ، باب نیزو: «من شیفت بعد از ظهر سر کار می‌رم.» در روز چند ساعت کار می‌کنید؟ ـ «۸ ساعته هستم. آن‌هایی که در واگن برگردان کار می‌کنند، ۱۶ ساعت کار می‌کنند. کارگران استخراج ۸ ساعته هستند. چون کار استخراج خیلی سخت است، بیشتر از این نمی‌شه کار کرد. کارگران خدماتی هم داریم که ۲۴ ساعت می‌مانند.» می‌پرسم دست‌مزدتان چه‌قدر است؟ ـ «اگر همه‌ی روزها برویم ۱۲۰ هزار تومان می‌گیریم. روزی ۴۱۰۰ تومان. تازه حتما آن مقدار کار را که معین کرده‌اند باید انجام بدهیم وگرنه از حقوق‌مان کم می‌شود.» (۹)

اردیبهشت ۹۳، معدن طرزه شاهرود: هر واگن گنجایش یک تن زغال دارد و هر چهار متر حدود شش تن زغال می‌دهد. هر کارگر معدن باید هر روز و در ساعت موظفش شش تن زغال تولید کند که همه کارگران هر ماه تا ۶۰درصد حقوق و ۶۰ الی ۷۰ متر اضافه کار می‌کنند تا با ۳۵۰۰ الی ۳۸۰۰ تومان مزد برای

هر متر اضافه کار، بتوانند حقوق‌شان را آبرومند کنند .حقوق مصطفی، کارگر پیشروی، ۳۹ ساله، پدر سه فرزند و مستاجر با ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان اضافه کار ماهانه ۸۴۵ هزار تومان است. حقوق مهدی، کارگر استخراج، پدر دو فرزند و با ۹ میلیون بدهی، ۷۶۸ هزار تومان است. حقوق احمد، ۳۰ ساله، کارگر استخراج، پدر دو فرزند، با ماهی ۶۰۰ هزار تومان قسط، با ۱۲ سال سابقه و اضافه کار ماهانه ۹۰۰ هزار تومان است .حقوق مراد، ۴۲ ساله، پدر دو فرزند، مستاجر، کارگر استخراج با ۲۰ سال سابقه، با اضافه کار ماهانه ۷۵۰ هزار تومان است» . (۱۰)

شرکت زغال سنگ البرز شرقی، سال ۹۳ : حدود ۱۰۰ میلیارد تومان و بدون ضرر بابت فروش ۳۰۰ هزار تن کنسانتره زغال به ذوب‌آهن اصفهان درآمد خواهد داشت. حسین ربیعی‌نژاد؛ مدیرعامل شرکت می‌گوید که ذخایر قطعی شرکت زغال سنگ البرز شرقی در حوزه شرق سلسله جبال البرز حدود ۵۵ میلیون تن است. شرکتی که کمتر از دو هفته از خصوصی شدنش می‌گذرد و حقوق اسفند ماه هزار کارگرش را روز شنبه ششم اردیبهشت ماه پرداخت کرده و از نظر مدیرعامل، این تاخیر چندان غیر طبیعی نیست. «پنج سال است که یک ماه حقوق معوقه دیگر عادی شده. برای پرداخت حقوق اسفند ماه، دو میلیارد تومان پول لازم بود که شرکت این میزان نقدینگی را ندارد.»؛ ربیعی نژاد می‌گوید. کارگرها می‌گویند که هر تن زغال که راهی زغال‌شویی شود ۳۸۰ هزار تومان قیمت پیدا می‌کند. (۱۱)

چندی پیش خبرگزاری مهر با انتشار تصاویری از کارگران معدن یال شمالی طبس نوشته بود: "کارگران معدن زغال سنگ طبس در عمق ۳۰۰ متری زمین و در دو شیفت کاری ۶ ساعته در روز کار می کنند، این کارگران با قرارداد پیمانکاری، ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان که حداقل حقوق تامین اجتماعی است، حقوق دریافت می کنند". (۱۲)

معدن یال شمالی طبس/ شنبه ۲ دی ۱۳۹۱: شرایط کارگران معدن در منطقه طبس اصلا خوب نیست. بعضی از معادن خصوصی زغال سنگ از جمله شرکت معدن جو و نگین که سوابق حوادث کاری متعددی نیز در کارنامه دارند، کارگران را در دو تا سه شیفت کاری به صورت مداوم در ۱۵روز به کار می‌گیرند. در حالی که کار در اعماق زمین به دلیل آثار زیان‌باری که در درازمدت بر سلامتی کارگران می‌گذارد طبق ماده ۵۲قانون کار نباید در روز از ۶ساعت و در هفته از ۳۶ساعت تجاوز کند.»

«کارگران معادن طبس نه تنها از مزایای مشاغل سخت و زیان‌آور استفاده نمی‌کنند بلکه روزانه با بیش از ۱۵ساعت کار حتی حقوق و مزایای اضافه کاریشان نیز پرداخت نمی‌شود. این کارگران در طول ۱۵روز کار مداوم ۱۵ساعته، در سه شیفت کار می‌کنند و زمان استراحتشان را در خارج از معدن داخل اتاقک‌های پیش ساخته فاقد امکانات رفاهی سپری می‌کنند ... کارگری که ۱۵ساعت کار می‌کند حدود ۵۰۰هزار تومان حقوق می‌گیرد.

معدن منگنز ایران در قم: کارگران این معدن از ضریب پایین حقوق ناراضی هستند: «ضریب حقوقی ۳۶۵کارگران این معدن با میانگین سوابق ۱۵سال کار، در یکی از بزرگ‌ترین معادن سنگ منگنز خاورمیانه، ۳۴۵۲/۵۷ است. این کارگران که در شرایط سخت و دشواری در اعماق ۳۴۰متری زمین مشغول به کار هستند، به مرور دچار عوارض ناشی از کار دائم زیرزمینی همانند مشکلات تنفسی، دیسک کمر، افسرگی‌های روحی و... می‌شوند.» (۱۳)

منابع:

۱- صدای فردا، خرداد ۱۳۳۲
۲- ماه‌نامه‌ی ***نقدنو***، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴/ خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی
۳- (g.ir/page/1.http://madanakhdarh.persianbl) دردنامه کارگران بزرگترین کارخانه طلای ایران
۴- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/12/121218_u02_mine_explosion_iran.shtml
۵- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/12/121218_u02_mine_explosion_iran.shtml
۶- همان منبع
۷- همان منبع
۸- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲
۹- ماه‌نامه‌ی ***نقدنو***، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴/ خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی
۱۰- یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی ۱۵۰۰
۱۱- همان منبع
۱۲- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/12/121218_u02_mine_explosion_iran.sht
۱۳- مجله مهر، مصائب کاردر معدن/ سخت ترین کار دنیا با کمترین حقوق

اعلان وزارت نظمیه دوران قاجار

اطفال خواه کوچک خواه بزرگ، از بازی کردن در معابر و خیابان‌ها و ریختن کثافات و نجاسات در نهرها و...سنگ در سر خط آهن تراموا گذاشتن و سنگ انداختن بر رکاب و عقب واگون‌های تراموا پریدن و عابرین را فحش گفتن ممنوعند. هر طفلی که به این تقصیرها گرفته شود حبس و زجر شده از اولیای آنها مواخذه خواهد شد و اگر بی‌صاحب باشد به **معدن زغال سنگ** فرستاده شده به کار زغال‌کنی مشغول خواهد شد...

به قراری که معلوم می شود مردمان بیکار و بی عار از هر طرف در این شهر گرد آمده اغلب کسب معین وصنعت مشخص معتنابهی ندارند بعد از این تحقیق و رسیدگی کسانی را که شغل و پیشه ندارند گرفته دسته دسته به **معدن زغال** فرستاده خواهند شد که در آنجا کار کنند و به جای هرزگی ها مشغول کار مفید باشند...

کریم منظم السلطنه وزیرنظمیه

جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران درعصر قاجار

ویلم فلور

این خبر یادآور دستگیری ولگردان و شلاق زدن آنان در دوره‌ی گسترش سرمایه‌داری است. در این رابطه هزاران نفر به جرم ولگردی در قرن ۱۷ و ۱۸ در سراسر اروپا دستگیر شده شلاق خوردند و اعدام شدند تا مجبور شوند برای سرمایه‌داران با کمترین قیمت کار کنند.
رشد سرمایه‌داری همه جا از درون شکنجه و خون است و هیچ استثنایی در این زمینه وجود ندارد.

خانه های کارگران معدن گاجره ۱۳۳۲

مسکن کارگران معدن

خرداد ۱۳۳۲معدن گاجره: "... از محوطه معدن به قسمت مسکن عده ای از کارگران گاجره بازگشته، منازل کارگری در یک کلمه کلبه‌های محقر خشتی یک اتاقی نظیر آن چه که در جنوب شهر فراوان دیده می شود خانه‌های مخصوص (!) کارگری را تشکیل می‌دهد. اکثر این خانه‌ها خلاف آنچه گفته شده توسط سازمان برنامه و شرکت ذغال ساخته نشده بلکه خود کارگران با خرج ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان برپا شده است. معدن حتا یک تیر چوب هم به کارگران مجانی نداده وکمترین کمک مالی هم نکرده است. این خانه‌ها را کوچه‌های تنگ وکثیف و ناهمواری از هم جدا می‌کند در مجموع کلبه‌ها به زحمت به ۱۳۰ می‌رسد، بقیه کارگران در دهی در دو کیلومتری معدن زندگی می‌کنند و هر روز باید مسافت نسبتا طویلی را پیاده طی کنند. وضع درون کلبه‌ها و اثاثیه آنها حاکی از فقر و بدبختی شدید کارگران معدن بود ...(۱)

پاییز ۸۴ باب نیزو: شهرک‌های معدنی نام قبلی شهرک ریحان‌شهر، ریگ‌آباد بوده و اسم جدیدش اسلام‌آباد است که در یک جاده‌ی فرعی بین مسیر کرمان ـ زرند واقع شده است اما اکنون به هر سه نام اسلام‌آباد، ریحان‌شهر و ریگ‌آباد خوانده می‌شود... بعد از مدتی سربالایی رفتن، از دور شاهد ردیفی از صفحه‌های بزرگ سوراخ‌دار می‌شوم. می‌بینم که داخل حفره‌ی هر کدام از این صفحه‌ها چندتا خانه به صورت بسیار ناهنجاری در امتداد یک خط مستقیم کنار هم قرار گرفته‌اند و آن سوراخ‌ها هم پنجره‌های خانه‌هاست. به فاصله‌ی تقریبا دو سوم ارتفاع دیوار از سطح زمین یک ردیف سوراخ قرار دارد که ظاهرا پنجره است. که الان نه چارچوب دارد و نه شیشه ...آن چه در داخل کوچه دیده می‌شود دیوارهای سیمانی تیره‌ای است که به سیاهی می‌زند با ترک‌های عمیق و شکاف‌های عمودی سرتاسری و تک‌وتوک درخت. سر راه هیچ مغازه و یا هیچ بنایی جز این ساختمان‌های خراب، دیده نمی‌شود. غم‌انگیز است. مرزی بین کوچه و خیابان و خرابه و ساختمان مسکونی وجود ندارد. اصلا هیچ جدول‌بندی دیده نمی‌شود. همه چیز قناس است. فضای کوچه فوق‌العاده دل‌گیر است. قبل از هر چیز آدم به این فکر می‌افتد که چه‌طور در این فضای پریشان‌کننده‌ی دل‌گیر می‌توان زندگی کرد؟ (۲)

چرا این خانه‌ها این‌جوری ساخته شده‌اند؟ می‌گوید: «این‌ها خانه‌های سازمانی است که شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان ساخته و به کارگران واگذار کرده که الان ازشان اجاره می‌گیره» بعد از زلزله مردم توی حیاط‌های خانه‌شان چادر زده و در چادرها زندگی می‌کنند. توی کوچه سکوت بدی حکم‌فرماست. خانه‌های سوت و کوری که به نظر متروکه می‌آید. انگار مردم بعد از زلزله خانه‌هایشان را رها کرده و رفته‌اند. فیلمی صامت از خرابه‌های متروک. باز هم به دل‌گیر بودن محله فکر می‌کنم. در واقع این دل‌گیری و این بی‌عدالتی است که مرا رها نمی‌کند. راستی در درون این خرابه‌های سوراخ‌دار چه می‌گذرد؟ می‌پرسم چند خانوار این‌جا زندگی می‌کنند؟ جواب می‌دهد نزدیک هزارتا ...(۳)

بهار ۸۶، باب نیزو: در اطراف معادن کرمان "یک سری شهرک‌های معدنی ساخته‌شده که مانند این است که قوطی کبریت‌ها را کنار هم چسبانده باشند، به‌عنوان خانه‌های سازمانی که شیوه‌ی روسی است. در این شهرک‌ها حداقل حوایج هم در نظر گرفته نمی‌شود. خانواده‌هایی از آن محیط‌های سنتی حایل‌دار درآورده شده و این‌جا در این خانه‌های قوطی‌کبریتی جا داده شده‌بود... این‌جا معدن فروخته می‌شود که از آن بهره‌برداری شود. برای کسی که معدن را می خرد فرق نمی کند رعایت شخصیت افرادی که در آن‌جا کار می‌کنند بشود یا نه. درک و شعور این‌جا این است که سود برده‌شود نه این‌که حقوق افراد رعایت شود...آوردن آن‌ها به شهرک معدنی به این دلیل است که یک، برای ایاب و ذهاب هزینه نشود. دو، خستگی طول راه وجود نداشته‌باشد تا کارگرها بهتر بتوانند کار کنند و ضمنا زمانی برای رفت‌وآمد صرف نشود و از آن وقت برای کار کردن استفاده بشود. از طرفی معدن‌چیان برای داشتن سرپناه به همین خانه‌های قوطی کبریتی تن می‌دهند. آن وقت دیگر کسی در این مناطق فکر سازمان‌های اجتماعی نیست، سرویس خدماتی وجود ندارد. اصول اولیه‌ی شهرسازی در کار نیست، هیچ چیز استانداردی نمی‌بینید. (۴)

معدن البرز شمالی، ۱۳۹۲: با توجه به فاصله ۷۰ کیلومتری معدن تا نزدیک‌ترین شهر (شاهرود) کارگران این معدن ناچارند در واحدهای سازمانی ساکن شوند، اما پرداخت اجاره بهای ۳۰۰ هزار تومانی با توجه به میزان حقوق کارگران، فشار اقتصادی موجود در جامعه کارگری را برای این معدن‌کاران مضاعف کرده است . این درحالی است که حق مسکن در فیش حقوقی آنها **ده هزار تومان** است. تعداد کارگران این معادن ۱۴۰۰ نفر است و۱۱۰۰ نفر از کارگران معادن البرز شمالی با قرارداد موقت کار می‌کنند و مابقی قرارداد دائم دارند، اما تأمین مسکن مشکل تمامی کارگران است. کارگرانی که ساکن این واحدهای مسکونی می‌شوند در ۵ سال نخست باید ماهانه ۵۰ هزار تومان بابت اجاره بها پرداخت کنند که با تمدید قرار داد، این رقم به صورت پلکانی افزایش یافته و به ماهی ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد.. کارگران در یک ماه و نیم گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند ... حق سختی کار کارگری که ۲۳ سال در این معادن کار کرده ، ماهانه حدود ۱۲ هزار تومان است. (۶)

منابع

۱- سرود فردا خرداد ۱۳۳۲

۲- ماه‌نامه‌ی *نقدنو*، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی

۳- همان منبع

۴- ماه‌نامه‌ی *نقدنو*، سال سوم، شماره‌ی ۱۸، اردیبهشت و خرداد ۸۶ / آوار خصوصی‌سازی بر سر کارگران معدن، گفت‌وگو با دکتر احمد رشیدفرخی ، مریم محسنی

۵- مهر: **مصائب کار در معدن / سخت ترین کار دنیا با کمترین حقوق**

۶- **تفاوت اجاره بهای خانه‌های سازمانی با حق مسکن ۱۰ هزارتومانی/** -1392 07-29

اعتراضات و تشکل‌های کارگران معدن

از سال ۱۳۰۰ به بعد در دو دوره‌ی زمانی، فعالیت‌های کارگری گسترش بی‌سابقه‌ای یافت. دوره‌ی اول سال‌های دهه ۲۰ تا سال ۳۲ و دیگری ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰. در این دو دوره تشکل‌های بسیاری شکل گرفتند و اعتصابات گسترده‌ی کارگری در بخش‌های مختلف رخ می‌داد. اعتراضات قبل از بهمن ۵۷ در سرنگونی حکومت شاهنشاهی تاثیر بسیاری داشت. میزان گزارش‌ها و اخباری که از این اعتراضات کارگری و تشکل‌های آنها در مطبوعات منتشر شده به دلیل آزادی‌های نسبی مطبوعات نیز بی‌سابقه بود.

هر دو دوره، پس از سرکوب شدید، دستگیری، زندان، اعدام فعالان کارگری این اعتراضات افت شدیدی کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد موجی از دستگیری ها و زندان و تبعید به راه افتاد و در دهه‌ی شصت به گفته‌ای فقط بیش از ۵۰۰ کارگر فعال اعدام شدند.

اما جنبش کارگری و کارگران مبارز و آگاه به جان آمده از استثمار و ستم، سر سکون و توقف نمی‌توانند داشته باشند. حرص و طمع سرمایه‌داری، آن چنان است که به هر ترتیب که شده می‌خواهد سودش را از قِبَل استثمار شدید کارگران تامین کند و کارگران نیز از این همه ستم و استثمار به جان آمده و و بار دیگر پس از مدتی کوتاه حرکات اعتراضی کارگران از سر گرفته می‌شود. از جمله می‌توان به اعتراضاتی که در فاصله ی زمانی ۳۲ تا ۵۷ رخ داد، اشاره کرد که گاها بسیار هم گسترده نیز بوده‌اند، مانند: اعتصابات نفت در سال های ۱۳۳۹- ۱۳۳۴، اعتصاب ۱۲ هزار راننده تاکسی در فروردین ۱۳۳۷ و ۴۳، اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کوره‌پز خانه های تهران در خرداد ۱۳۳۸و ۴۱، اعتصابات کارگران نساجی در همان سال، اعتصابات نفت و صنایع نساجی و نانوایی ها در سال ۱۳۴۰، تظاهرات ۳ هزار کارگر بیکار در بندر ماه شهر، و همین طور اعتصابات کارگری سالهای ۵۶ و ۵۷ و اعتراضاتی که در دهه‌ی هفتاد و بعد از آن مرتبا رخ داده است.

در این میان اعتصاب کارگران معدن کمتر در مطبوعات منعکس شده است. از تشکل های کارگران معادن در این سال‌ها نیز خبر چندانی نیست. از جمله اعتصابات معدنی که به آن اشاره شده دو اعتصابی است که یکی در سال ۱۳۴۴ و دیگری در معادن ذغال سنگ در سال ۱۳۵۵ رخ داده که اطلاعات بیشتری از این دو اعتصاب پیدا نکرده‌ایم. شاید بتوان از میزان کم خبرهای منتشره

نتیجه گرفت که حرکت‌های جمعی و تشکل‌های کارگری در معادن ایران به ندرت به چشم می‌خورد و سابقه‌ی مبارزاتی این کارگران کم است؟! و هر جا که خبری منتشر شده، حتما سندیکا یا تشکلی در میان این کارگران شکل گرفته بوده است. زیرا اولین اقدامات یک تشکل کارگری طبیعتا اطلاع رسانی در مورد وضعیت کار و زندگی کارگران است.

علت این امر را می‌توان به این شکل تبین کرد: اکثر معادن در مناطق دورافتاده قرار دارند که امکان برقراری ارتباط با سایر محیط های کارگری را دشوار می‌کند، بافت روستایی کارگران معدن که اکثرا جوان هستند و همین طور شرایط بسیار دشوار کار، سبب شده که آگاهی‌های طبقاتی این کارگران کمتر از سایر اقشار کارگران مانند کارگران نفت و ریسندگی و... باشد. سختی کار در معدن و بیماری‌های ناشی از آن امکان تداوم و استمرار کار را برای کارگران کم می‌کند. عدم انتقال تجربیات اعتراضی کارگران و تشکل های آنان نیز عامل دیگری است برای این که رشد این آگاهی های طبقاتی سرعت کافی نداشته باشد.

بعد از ۶۸ سال شرایط کار و زندگی کارگران معدن زغال سنگ زیراب چندان تغییری نکرده است. حقوق ها کفاف زندگی را نمی کند، هنوز هم حمام به مفهوم واقعی آن ندارند، کیفیت غذایشان ... در سال ۱۳۹۲آن چنان بوده که بیش از شصت نفر از این کارگران دچار مسمومیت غذایی شدند. گزارش تصویری از وضعیت بهداشت و شیوه‌ی کار این کارگران در رسانه‌ها منتشر شده که با این جمله خاتمه یافته است: چه زمانی شرایط کار و زندگی کارگران معدن ذغال‌سنگ شهر "زیراب" در استان مازندران تغییر خواهد یافت؟ به راستی چه زمانی؟

در زیر مروری کوتاه خواهیم داشت به برخی از این اعتراضات، دلایل آن و تشکل‌های کارگری که در معادن تشکیل شده است.

در سال‌های ۱۳۱۰ به بعد در پی ایجاد راه آهن سراسری تهران شمال، رگه‌های زغال سنگ در منطقه‌ی زیراب کشف شد. به دنبال آن معدن زیرآب در سال ۱۳۱۲ با ۱۲۰۰ کارگر تاسیس شد. در گزارشی که در سال ۱۳۲۴ در روزنامه‌های آن زمان منتشر شده این گونه آمده است:

"... و مدت ۴ماه است که به کارگران زیرآب یک شاهی نپرداخته‌اند. آیا کارگران باید از گرسنگی بمیرند. کارگران این معدن با عائله‌ی خود ۴۰۰۰ نفرند. اتحادیه‌ی کنسرو، نساجی، گونی‌بافی، شالی کوبی و راه آهن اطلاعیه‌ای مشترک برای همدردی وکمک به این کارگران صادرکردند و تهدید کردند در صورتی که تا ۲۹ آبان ۲۴ حقوق آنان پرداخت نشود، دست به اقدامات جدی خواهند زند. همین طور اطلاعیه‌ای از کمیته‌ی محلی و شورای محلی اتحادیه کارگران شیرگاه و کمیته محلی ساری نیز در این رابطه صادر شد. با ادامه وضع اسفناک کارگران معدن در روز ۲۷ خرداد کمیته محلی و شورای شهر تصمیم گرفتند در صورتی که به تقاضاهای آنان ترتیب اثر داده نشود از حمل ذغال جلوگیری کنند. خواسته های کارگران عبارت بود از:

پرداخت حقوق معوقه، تهیه حمام برای کارگران، ارسال دارو برای جلوگیری از مالاریا، تاسیس کلاس اکابر، تعمیر و تهیه ساختمان برای سکنای کارگران ، جلوگیری از اجحاف و تعدی پیشه‌وران معدن.

این اطلاعیه به امضای شورای متحده و اتحادیه های کارگران و زحمتکشان معادن زیرآب است. (۱)

این از اولین خبرهایی است که درمورد اعتراضات کارگری و تشکل های کارگران معادن می‌توان در مطبوعات یافت.

پس از چند سال، در سال ۳۲، در پی کشته شدن کارگران معدن گاجره، اعتراضاتی در این رابطه صورت گرفت. در مراسم دفن کارگران کشته شده ، کارگران معدن زیراب نیز شرکت کرده و با آنان همدردی نموده‌اند. این دو معدن از جمله معادنی بودند که سندیکای کارگران در آنها شکل گرفته بود. هر چند خبرهای بیشتری از این سندیکا و اعتراضات کارگری آنان در دست نیست. اما انتشار همین چند خبر هم نشان از تشکل‌هایی می‌دهد که در مورد مسایل کارگران معدن اطلاع رسانی می‌کرده است.

پس از حادثه‌ی معدن گاجره، برادر یکی از کارگران مقتول در سخنانی چنین گفته بود:" برادر من تازه ۱۸ سالش شده بود. گفته بود من کارگر تونلی نیستم. مرا آنجا نفرستید. اما او را به زور فرستادند و کشته شد. خب چه کسی به این **قتل عمد**، به این خون ناحق ریخته شده می‌رسد. فردا ممکن است این بلا سر شما هم بیاید. اینها با خون شما سرمایه‌دار می‌شوند ولی شما در این وضع هستید به خانواده‌ی آن‌ها که سه سال پیش کشته شدند چه کسی رسیدگی کرد؟ همه شما مرا می‌شناسید. کارگر همین جا بودم، سل گرفتم. دو سال در شاه آباد خوابیدم. دیناری به من کمک نکردند. نباید شما با چند ریال پول و اضافه گول بخورید. تنها راهی که برای شماست اتحاد و تقویت سندیکای خودتان است."

ظاهرا سندیکای معدن گاجره که عمر آن دو سال بوده است در زمینه‌هایی توانسته بود فشارهایی به کارفرما آورده تا مثلا کارگران منتظر خدمت را سرکار برگردانده یا کار سبک‌تری به کارگران بیمار بدهند:

"باقر علیمرادی ۴ سال است کار می‌کند و روزی ۳۰ ریال می‌گیرد. در سال ۱۳۲۹ در همین گاجره زیر سنگ‌ها ماند و کتف و پایش شکست، ۵ ماه در بیمارستان بانک صنعتی خوابید. پزشکان تایید کردند که او نباید دیگر در تونل کار کند و کار سبک برایش ضرری ندارد. اما پس از دوسال کار مجددا در آذر ماه سال گذشته رییس معدن تحمیل کرد که باید باز هم در تونل کار کند. حتا حاضر شدند او را منتظر خدمت کنند. ۴ ماه به همین دلیل سرگردان بود و عاقبت با زور کارگران و سندیکای کارگری دوباره مجبور شدند به او کار سبک بدهند".

در انتهای گزارش کارگران اعتراضی در معدن گاجره خواسته‌های خود را به این ترتیب بیان کرده‌اند:

مکانیزه کردن معدن و دادن وسایل فنی کامل، تامین زندگی بازماندگان کارگرانی که جان خود را از دست داده‌اند، رسیدگی کامل به علت این حوادث و مجازت شدید مسببین امر، پذیرش نماینده کارگران از طرف اداره‌ی کار، شناختن سندیکای کارگران که دو سال است تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، بهبود وضع بیمه و تامین بهداشتی فراهم ساختن زندگی برای خانواده کارگرانی که چندی قبل فوت کرده‌اند ، ساخت خانه‌های دولتی جهت مسکن کارگران ، دادن اضافه دستمزد واقعی که با میزان کار بستگی داشته باشد. (۲)

در گزارشی که دانشجویان پیشگام کرج از معدن سنگرود لوشان در سال ۵۸ تهیه کرده بودند به اعتصاب سال ۱۳۵۲ و مهر ۵۷ کارگران این معدن اشاره شده است. دو اعتصابی که اولی با شکست و دومی با پیروزی کارگران خاتمه یافته است. اولین اعتصاب کارگران این معدن در اواخر سال ۵۲ رخ داد. علت اعتصاب این بود که حقوق اضافه شده در مرکز را به این کارگران نمی‌پرداختند. روز اول اعتصاب، کارگران با مهندسین و مدیرعامل زد وخورد کردند به دنبال آن ۵۰ سرباز و دو افسر برای سرکوب کارگران به معدن فرستاده شد. این اعتصاب دو روز به طول انجامید و با دستگیری و اخراج شش تن از نمایندگان و زندانی کردن دو نفر از فعالین و قول رسیدگی به خواست های اعتصاب پایان یافت.

در مهر ۵۷ بار دیگر این کارگران اعتصاب کردند. کارگران خواستار اخراج ۸ نفر از مهندسین و رسیدگی به خواست‌های صنفی خود بودند. اعتصاب ۲۱ روز به طول انجامید و سرانجام کارگران توانستند به خواسته‌های خود برسند. شرایط و جو حاکم در مهر سال ۵۷ در پیروزی این اعتصاب نقش مهمی داشت. در مورد تشکیل سندیکای کارگران در این معدن در ادامه گزارش چنین آمده است:

"در اعتراضات سیاسی سال ۵۷ کارگران معدن به دلیل دور افتاده بودن محل کارشان، در متن حوادث نبودند... و به این دلیل آگاهی‌های سیاسی کارگران بالا نبود... پس از انقلاب اداره‌ی معدن سنگرود به دست کمیته‌ها افتاد... در هفته‌های اول پس از انقلاب، کارگران به طور پراکنده شورای کارگری را مطرح کردند. اما ایجاد شورا زمینه‌ی مناسبی پیدا نکرد و به دنبال آن تشکیل سندیکا در دستور کار قرار گرفت. کمیته برای ایجاد تفرقه میان کارگران با زدن برچسب‌های به کارگران آگاه سعی کرد که عموم کارگران را از آنها دور نگه دارد. اما کارگران بر خواست خود مبنی بر تشکیل سندیکا مصر بودند. به دنبال آن کمیته پیشنهاد کرد که انتخابات سندیکا باید تحت نظر و با مشارکت کمیته باشد ... اساسنامه‌ای از وزارت کار گرفته شد که همان اساسنامه‌ی رستاخیزی بود..." در تاریخ یک شنبه ۱۴ اردیبهشت ۵۸ مجمع عمومی کارگران در مسجد معدن تشکیل می‌شود. انتخابات کاملا قلابی بود به طوری که کارگران به این مساله اعتراض کردند و خواستار باطل کردن انتخابات شدند. کمیته این درخواست را رد کرد. در پایان اکثر کارگران به عنوان اعتراض محل را ترک کردند. به این ترتیب سندیکایی فرمایشی بوجود آمد که هیچ یک از خواست‌های کارگران را نتوانست به نتیجه برساند. (۳)

همانند سایر کارگران، اعتراضات کارگران معدن به شکل‌های مختلف انجام می‌شود. از ابتدایی‌ترین شیوه که نامه‌نگاری به مسوولان و اطلاع رسانی است، شروع می شود تا اعتصاب و تجمع در محل معدن یا مقابل نهادهای دولتی مانند فرمانداری و... گرفته تا بستن جاده و تحصن در خیابان و مقابل مجلس و....

از نمونه‌های نامه‌نگاری کارگران می‌توان به نامه‌ی کارگران اخراجی معدن طلای آقدره تکاب اشاره کرد. در بخشی از این رنجنامه کارگران چنین نوشته‌اند:

"آیا مسئولین می‌دانند زمین چرکین است یعنی چه ؟ تخریب رگه های معدنی ، نابودی اکوسیستم طبیعت ، برداشت غیر اصولی و بی رویه از نواحی پر عیار معدن طلا یعنی چه ؟ یعنی اینکه تولید و سود بیست سال را در هفت سال خلاصه کردن با همان استثمار نیروی کار ارزان منطقه . شب فرا می رسد خبری از شام نیست آیا چون زبان ما کارگران بسته است و فریادمان به جایی نمی رسد باید آنها را فراموش کرد یا روی شمش‌های طلایش نوشته رسیدگی به وضعیت ما کارگران ممنوع !"

و در ادامه با اشاره به این که این کارخانه بعد از ۸ سال تولید بی‌وقفه روزانه تا سقف ۴۰ کیلوگرم طلای۲۴عیار و مقادیر قابل‌توجهی جیوه تا سقف۳۰۰کیلوگرم و سایر فلزات با ارزش به ناگاه ۲۰۰نفر از پرسنل خود را اخراج کرده ... و سپس در مورد آلودگی‌های زیست محیطی و اتلاف احشام و دام‌های منطقه تخریب طبیعت، آلودگی و از بین رفتن کامل آب شرب روستای شیرمرد، مرگ و نابودی تدریجی باغات سیب روستاهای مجاور اشاره کرده‌اند و نامه‌ی خود را این عبارت به پایان برده‌اند:

یک نمونه از نتیجه اتحاد کارگران معدن شمشک

۴ ماه بود که به کارگران معدن شمشک حقوق نمی پرداختند روز ۲۶ اردیبهشت کارگران قطعنامه‌ای صادر کردند تا حقوقشان را نپردازند اعتصاب خواهند کرد و کارفرما حقوق آنان را پرداخت کرد. کارگران معدن تصمیم دارند سندیکای خودشان را تشکیل دهند.

نوید آزادی ۸ خرداد ۳۲

" زندگی را به بیداری بگذرانیم که سال‌ها به اجبار خواهیم خفت"(۴)

تجمع‌های اعتراضی از دیگر شیوهایی است که کارگران به جان آمده‌ی معدن استفاده می‌کنند. این تجمع ها در محل‌های کار، مقابل نهادهای دولتی مسوول ، وزارت کار، مجلس و... برگزار می‌شود. تجمعاتی که در دو سال گذشته خبرهای آن‌ها در رسانه‌ها منتشر شده است. از جمله می‌توان به تجمع کارگران معدن سنگرود اشاره کرد که بارها این اقدام را انجام داده‌اند: ۷ مهر ۹۲ کارگران زغال‌سنگ سنگرود در تهران دومین تجمع خود را برگزارکردند. خواست ۲۸۰ کارگر معترض علاوه بر توقف انحلال معدن، خواستار پرداخت منظم دستمزد و حقوق سه ماهه تیر، مرداد و شهریور سال جاری هستند این اعتراض در پی بارها اعتراض در محل کار و نهادهای دولتی در منطقه و بی‌نتیجه بودن آن صورت گرفته است.

اعتراضات کارگری در معادن دلایل متفاوتی دارد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کاهش و تعویق دستمزدها: اعتراض کارگران زغال سنگ معدنجو در زرند کرمان، کارگران بافق، طلای اقدره و...

کاهش مزایا، خدمات بیمه درمانی: کارگران معادن زغال سنگ طبس در ۲۸ اردیبهشت سال پیش دست به اعتصاب گسترده و فراگیر زدند . این اعتصاب و تجمع یک روزه که در مقابل مجتمع اداری شرکت زغالسنگ پروده طبس در داخل شهر و همچنین هم‌زمان در سایت معدن یک و معدن مرکزی و کارخانه زغال‌شویی آن شرکت انجام شد که سرانجام با دخالت مامورین نیروی انتظامی و مسولین فرمانداری طبس و حراست شرکت موقتا به پایان رسید.

شیوه اجرای تعدیل نیرو و اخراج: کارگران شرکت زغال سنگ معدن جو (زرند کرمان) به دلیل اعتراض به شیوه‌ی اجرای تعدیل نیرو اعتراض کرده‌اند. این شرکت به دلیل آنچه «عدم گردش مالی ناشی از بی‌پولی شرکت‌های معدنی» عنوان شده، از ابتدای سال جاری تا آبان ماه حدود ۳۰ نفر از کارگران را پس از خاتمه قرارداد اخراج کرده است. (۵)

تامین امنیت شغلی و عدم اخراج، تامین زیرساخت‌ها در منطقه شامل جاده و گاز و بهره‌برداری از معدن بر مبنای پروانه تعریف شده، از دیگر مطالبات کارگران معادن است. (۶)

خصوصی‌سازی: عدم واگذاری به بخش خصوصی از خواست‌هایی است که در سال‌های اخیر به خواسته های کارکران افزوده شده است.**"**نماینده کارگران معادن زغال‌سنگ البرز در این موردگفته است که کارگران معادن زغال سنگ طرزه در شهرستان شاهرود مخالف خصوصی‌سازی این واحد معدنی و واگذاری ان به شرکت ذوب آهن اصفهان هستند افزود: از مسئولان کشوری و استانی می‌خواهیم مانع خصوصی‌سازی این معدن و فروش ۴۲ هکتار از املاک آن در مرکز شهر شاهرود به شهرداری شوند. (۷)

اعتراض کارگران بافق نیز به خصوصی‌سازی‌ها یکی از طولانی‌ترین اعتصابات سال‌های اخیر را به دنبال داشت. اعتراضات اخیر کارگران بافق و سایر معادن علیه خصوصی‌سازی‌ها نشان می‌دهد که آگاهی طبقاتی کارگران معدن به حدی بالا رفته است که خواسته‌های این کارگران از خواسته‌های صنفی‌ای در حد افزایش دستمزد و حقوق معوقه فراتر رفته و نوک حمله‌ی آن خصوصی‌سازی است که شاید بتوان آن را نماد سرمایه‌داری متاخر دانست. اعتصابی که بیش از ۵۰ روز به طور انجامید و ۵۰۰۰ کارگر و خانواده‌هایشان درآن شرکت کردند. و با موفقیت کارگران خاتمه یافت.

نحوه‌ی برخورد با اعتراضات کارگران معادن

بسیار اتفاق افتاده که نمایندگان کارگران و یا کارگران فعال پس از اعتراضات اخراج یا مجبور به استعفا و ترک کار شده و یا توسط نیروی انتظامی به دلایل مختلف یا بازداشت شده‌اند. در این گونه موقعیت‌ها اولین اقدامی که کارگران معترض و اعتصابی انجام می‌دهند اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت آنان است. در گام بعدی

خواستار آزادی بی‌قید و شرط کارگر زندانی و یا بازگشت به کار کارگران اخراجی می شوند و این خواسته در صدر خواسته‌های کارگران اعتصابی قرار می‌گیرد. معمولا در این گونه موارد خانواده‌های کارگران نیز در گیر اعتصاب می‌شوند. کارگران معدن بافق با اعتصاب ۵۰ روزه خود ادامه داده تا ۹کارگر زندانی آزاد شدند.

۸۰۰ کارگران معدن چادرملو که در استخدام شرکت پیمانکاری آسفالت توس هستند از ششم آذرماه سال جاری به نحوه محاسبه حق بیمه خود و نیز اخراج پیش از اتمام قرارداد آقای بهرام حسنی‌نژاد به صورت محدود دست به اقدامات اعتراضی صنفی زده بودند. ۲۸ کارگر این معدن با شکایت کارفرما به اتهام اخلال در نظم عمومی بازداشت شدند و در پی ادامه‌ی اعتراضات و احتمال گسترش آن کارگران زندانی آزاد شده و برای پیگیری این پرونده وکیل حقوقی اختیار کرداند. (۸)

نماینده کارگران چشمه پودنه از سوی کارفرما تحت فشار قرار گرفته به حدی که مجبور به ترک کار شده است. "ترک کار اجباری این فعال کارگری پس از آن صورت گرفت که این فعال کارگری در رابطه با حادثه‌ای که در روز یکم اسفند ماه منجر به کشته شدن سه نفر از کارگران این معدن به نام‌های محمدرضا صادقی، حسین محمدی و حسین اسلامی شد، از به روز نبودن استانداردهای ایمنی در این معدن خبر داده بود." این کارگر معدن چشمه پودنه با داشتن همسر و سه فرزند، بیکار و فاقد هرگونه منبع درآمد و یا پوشش بیمه ای است. (۹) خبری از نتیجه‌ی این پیگیری‌ها در رسانه ها منتشر نشده است.

در همه‌ی گزارشاتی که از اعتراضات کارگری در معدن وجود دارد نقش نیروهای پلیس در سرکوب کارگران برجسته است. حتا وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، کار نیروی انتظامی و پلیس کمک رسانی نیست، بلکه پیشگیری و احیانا مقابله با اعتراضاتی است که کارفرمایان حدس می زنند ممکن است بعد از این رویدادهای دردناک رخ دهد. در سال ۱۳۳۲ نمایندگان سندیکای کارگران گاجره چنین می گویند:" بعد از ۲۴ساعت هنوز هیچ آمبولانسی نیامده است. تنها یک وانت برای انتقال بیماران آمده است. نماینده‌ی سندیکا از اقدامات سندیکا و اعتراضات مکرر کارگران در مورد تکمیل وسایل استحفاظی معدن گفت و تذکر داد که اولیای مربوطه هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. کارگران توضیح دادند که بعد از حادثه تعدادی ژاندارم آمدند و مانع ورود ما به تونل شدند اگر می‌گذاشتند شاید تعدادی از کارگران را می‌توانستیم زنده بیرون بیاوریم. (۱۰)

در یکی از آخرین این اعتراضات، کارگران اخراجی معدن طلای زره شوران تکاب روز دوشنبه ۱۸فروردین ۹۳ در اعتراض به تصمیم کارفرما برای اخراج کارگران، راه اصلی این معدن را مسدود کردند. معترضان خواستار بازگشت به‌کار بودند. مأموران نیروی انتظامی به تحصن کارگران معترض حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما هنگامی که کارگران به طور دسته جمعی دست به اقدام می‌زنند، حتا از نیروی انتظامی هم کاری ساخته نخواهد بود و همراهی و همگامی و پیگیری آنان ، نیروهایی انتظامی را محبور می‌کند محل را ترک کنند. در اعتراض به بازداشت کارگران معدن بافق، و دست از کار کشیدن کارگران ماموران یگان ویژه در این معدن مستقر شدند. خروج این ماموران نیز به خواسته‌های کارگران اضافه شد و یگان ویژه روز ۳۰ مرداد از معدن خارج شد...

تمام این موارد نشان می دهد هر جا که کارگران با هم متحد شده و نمایندگان واقعی‌شان را انتخاب کرده‌اند حتما به بخشی از خواسته‌های خود رسیده اند. زیرا انتخاب نمایندگان واقعی دارای دو خاصیت است. یکی آنکه نمایندگان واقعی حاضر به سازش و تسلیم به کارفرما نیستند. دوم آنکه کارگران با حمایت از نمایندگان خودشان، اتحاد و همبستگی خود را بیشتر نشان می‌دهند. در نتیجه در اکثر قریب به اتفاق این موارد کارگران به پیروزی‌های درخشانی دست یافته‌اند.

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق

یکی از آخرین اعتراضات کارگران معادن در ایران در معدن سرب و روی کوشک رخ داده است . معدن کوشک بافق یک معدن با مالکیت خصوصی است که توسط شرکت معدن بافق (سهامی عام) اداره می‌شود و با بیش از ۳۵۰ کارگر در در فاصله ۱۶۵ کیلومتری شرق یزد و ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بافق واقع شده است. بیش از ۲۶۰ نفر از کارگران معدن کوشک بافق شامل کارخانه و کارگران عمق زمین و معدن روباز از ۱۵ آذر ۹۳ دست از کار کشیدند. این کارگران نزدیک به ۹۰ روز است که حقوق و مزایا طلبکارند. این اعتصاب بعد از ۵ روز با قول رسیدگی به مطالبات کارگران موقتا خاتمه یافت.

کارگران معدن کوشک بافق در پنجمین روز اعتصابشان در نامه‌هایی به وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خواهان رسیدگی سریع به مطالباتشان شدند. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: کارگران خواسته‌های قانونی زیر را از کارفرما (شرکت معادن بافق سهامی عام) دارند که متاسفانه در طی سالیان مدید مورد توجه قرار نگرفته است: پرداخت به موقع حقوق و مزایای ماهانه که هم اکنون نیز به تعویق افتاده است، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، رسیدگی کافی به سلامت کارگران و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی لازم، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت‌های غیرنقدی و پاداش‌ها و انجام امور ورزشی و مراسم‌های معمول، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، پرداخت هزینه‌های معمول رفت و آمد به معدن، امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای منعقده، مناسب‌سازی اجرای شیفت‌های کاری برای واحدهای کوچک و رعایت تعطیلات رسمی و مذهبی، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت، پرداخت اضافه کاری طبق قانون و...

این کارگران از امنیت شغلی برخوردار نیستند و بیشتر کارگران این معدن قراردادی هستند و طرح طبقه بندی مشاغل در معدن اجرا نشده است. قراردادی بودن کارگران سبب شده که کارفرما از اجرای تعهدات و مسوولیت های خود در قبلا کارگران شانه خالی کند. کارگران این معدن در معرض انواع آلودگی‌ها از جمله آلودگی با سرب هستد و آزمایش تست سرب خون که باید سالانه انجام شود، چند سالی است که اجرا نمی‌شود. کارگران معدن کوشک بافق که از کیفیت تجهیزات ایمنی معدن ناراضی‌اند.

لازم به ذکر است که در سال گذشته دو کارگر این معدن کشته شده اند و دیه این کارگران هنوز به خانواده هایشان پرداخت نشده است. رسیدگی به وضع خانواده‌های این کارگران نیز یکی دیگر از خواسته های این کارگران است. این کارگران با امضای طوماری برای پیگیری مطالبات صنفی‌شان، از طریق یک وکیل دادگستری نیز اقدام کرده‌اند.

۱- صفا، شماره‌های ۲۵، ۵۲، ۵۶ سال -۲۴- ۱۳۲۵ ه.ش . در معدن زیراب کارگران چگونه زندگی می‌کنند / ۲- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲/ ۳- کتاب دوشنبه شماره ۳۰ و ۳۱

۴-رنجنامه کارگران اخراجی بزرگترین کارخانه طلای کشور، تکاب افشار - اردیبهشت ۱۳۹۰

۵- (ششم آبان ماه۹۳ / ایلنا)

۶-http://www.dw.de/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D9%81%D9%82-%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%DB%8C%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AF/a-17895209

۷ -خبرگزاری ایلنا . ۶مهر ۹۳- ttp://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=208815-

۸- 1393/06/17 : دبیر انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو آزاد شد ایرنا

۹-.(ایلنا، 17-03-1393) ۱۰- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲

اعتراضات مردمی علیه

نابودی محیط زیست ناشی از فعالیت‌های معدنی

سود کلان معادن برای صاحبان آنان تنها به قیمت جان کارگران معدن به دست نمی‌آید. طبیعت، آب خاک و زیست‌گاه‌های طبیعی جانوران و گیاهان مناطق اطراف نیز از صدمات این سودجویی بی نصیب نمی‌مانند. آلودگی منابع آب و خاک به مواد سمی سلامت نسل‌های آینده‌ای را که در این مناطق زندگی می‌کنند، به خطر می‌اندازد.

طبق ضوابط زیست محیطی فعالیت‌های معدنی که در تاریخ ۱۳۸۴.۰۲.۰۳ توسط سازمان حفاظت محیط زیست ـ وزارت صنایع و معادن تصویب شده صدور، تجدید و تمدید پروانه‌های اکتشاف از معادن واقع در پارک‌های ملی و آثارطبیعی ملی، تالاب‌های موضوع کنوانسیون رامسر (فوریه ۱۹۷۱) و آن دسته از پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت شده مذکور در بند"الف" موافقتنامه فی‌مابین وزارت صنایع و معادن و سازمان حفاظت محیط‌زیست (مورخ ۱۳۵۴.۷.۲۱) رودخانه‌های حفاظت شده، معادن روباز (سطحی) در محدوه عرصه‌های‌جنگلی و مراتع مشجر و نیز داخل محدوده‌های مصوب شهری ممنوع می‌باشد.

و صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از مواد معدنی واقع در پناهگاههای حیات وحش و مناطق‌حفاظت شده جدید (بعد از موافقتنامه مورد اشاره در ماده (۲) این ضوابط) موکول به توافق بین سازمان‌حفاظت محیط زیست و وزارت صنایع و معادن و رعایت مفاد قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ـ مصوب ۱۳۵۳ ـ انجام ارزیابی زیست محیطی و درچارچوب الگوی ارزیابی زیست محیطی و این ضوابط می‌باشد. و صاحبان معادن موظفند که در تمام مراحل کار مسایل زیست محیطی را رعایت کنند.

اما ببینیم واقعیت چیست؟

مطابق با آمار منتشره از معادن در حال کار در سال ۹۰ (به جز معادن نفت و گاز، رادیو اکتیو، خاک رس) از تعداد ۵۲۴۶ معدن در حال بهره‌برداری، تنها تعداد ۱۴۰۴ معدن (۲۶.۷۶ درصد) دارای فاضلاب است. این میزان در سال قبل حدود ۲۵.۴۳درصد بوده است. از این تعداد معدن دارای فاضلاب، ۳۹۲ معدن (۲۷.۹۲ درصد) دارای سیستم تصفیه فاضلاب بوده‌اند که از این تعداد ۶ معدن از تصفیه شیمیایی، ۳۷۱ معدن از تصفیه فیزیکی و ۱۵ معدن نیز از روش‌های شیمیایی و فیزیکی برای تصفیه فاضلاب استفاده کرده‌اند. براساس آمارهای موجود، محل دفع ۲۸۰ معدن در چاه ، ۲۱۲ معدن در رودخانه، ۲ معدن در دریاچه یا تالاب ، ۴۷ معدن در زمین‌های کشاورزی ۶۰۹ معدن در زمین‌های غیر کشاورزی و ۲۵۹ معدن در سایر محل‌ها است. در معادن بدون سیستم تصفیه فاضلاب، محل دفع فاضلاب ۲۴۰ معدن در چاه ، ۸۰ معدن در رودخانه ، یک معدن در دریاچه و تالاب، ۳۶ معدن در زمین‌های کشاورزی، ۴۹۸ معدن در زمین‌های غیر کشاورزی و ۱۹۰ معدن در سایر محل‌ها است.

سایر محل ها؟! احتمالا در فضا !؟

همچنین نتایج روش دفع مواد باطله معدن نشان می‌دهد، از ۳۶۷۴ معدن دارای باطله (۷۰.۳ درصد) در سال ۱۳۹۰ تعداد ۵۷۷ معدن از مخزن سد باطله، ۲۷۰۸ معدن از مخزن دپوی باطله و ۳۸۹ معدن از سایر روش‌ها برای دفع مواد باطله معدن استفاده کرده‌اند. سهم دفع مواد باطله معدن به روش مخزن سد باطله در سال ۹۰ نسبت به دوره قبل در سال ۸۹، ۳.۶۷ درصد کاهش داشته است که این سهم در دفع به روش مخزن دپوی باطله، ۳.۲۴ درصد افزایش داشته است. آمارها نشان می‌دهد، در سال ۹۰ تعداد ۶۹۷ معدن (۱۳.۲۹درصد) در بخش محیط زیست سرمایه‌گذاری داشته‌اند که نسبت به دوره مشابه سال قبل آن ۱۰.۱۱ درصد کاهش داشته است. (۱)

یکی از شرکت‌هایی که به گفته‌ی مدیر عامل شرکت ملی صنایع مس ایران، فعالیت‌های زیست محیطی آن در دنیا کم نظیر است معدن مس سونگون است. گفته می‌شود بیش از یک چهارم سرمایه گذاری ۴۵۰ میلیارد تومانی در معدن مس سونگون،

صرف فعالیت‌های زیست محیطی شده و پکیج و پمپاژ سد باطله احداث شده در این معدن، شده است. اما مدیر کل حفاظت محیطزیست استان آذربایجان شرقی از مورد تایید نبودن فعالیت‌های این مجتمع خبر می‌دهد. معدن مس سونگون به دلیل نزدیکی به جنگل‌های ارسباران موقعیت ویژه‌ای دارد. ایجاد صنایع در این مناطق بدون ارزیابی‌های زیست محیطی ممکن است منجر به بروز فاجعه‌ای شود. فاجعه‌ای به مراتب عظیم تر از معدن مس مزرعه. (۲)

با استخراج هر چه بیشتر معادن و عمیق شدن فضای عملیاتی آنها وسعت زمین هایی که تحت تاثیر فعالیت‌های معدن کاری به ویژه انباشتگاه‌های باطله روز به روز افزایش می‌یابد.

و اما ماجرای معدن مس مزرعه: مواد باطله معدن مس مزرعه در اهر که حدود ۱۵ سال از زمان بهره‌برداری در پشت سد خاکی انباشته شده بود ۱۶ اردیبهشت ۸۹ در پی فروریختن سد همراه با آب باران جریان یافت. این جریان مواد پس از عبور از چندین روستا وارد رودخانه ی کیچیک چای شده و پس از عبور از شهر اهر وارد رودخانه ی اهرچای شد. (۳)

واگذاری‌های بی‌رویه که در ماه‌های پایانی دولت دهم سرعت بیشتری یافت به روند تخریب محیط زیست توسط صاحبان خصوصی معدن دامن زد. (*) به خصوص که این صاحبان معادن دانشی در زمینه محیط زیست ندارند و تنها آمده‌اند که ثروتی از دل زمین به جیب بزنند. شیوه واگذاری معادن به بخش خصوصی و عدم نظارت بر کار آنها سبب شده که بسیاری از صاحبان این معادن با بهره برداری‌های بیش از ظرفیت در سال، در چند سال به اندازه‌ی ۲۰ یا سی سال برداشت کرده و بعد معدن و انبوهی از پسماندها و فاضلاب‌ها را به دلیل غیر اقتصادی بودن رها کرده‌اند. نمونه‌ی بارز آن معدن طلای آق‌دره تکاب است که کارگران این معدن در رنج نامه‌ی خود به این مساله اشاره کرده‌اند.

سال‌هاست آلودگی موادسمی چون جیوه و آرسنیک علاوه بر معادن طلای زرشوران و آق‌دره تکاب در استان آذربایجان غربی، این شهرستان را نیز آلوده کرده است. در منطقه تکاب میزان سرطان معده و ریه از حد میانگین کشور بالاتر است و آمار نشان از آن دارد که تولد نوزادان ناقص‌الخلقه در این منطقه پرشمارتر از سایر مناطق ایران است. بعضی کارشناسان این مشکلات را بی‌ارتباط با معادن طلای مجاور این منطقه نمی‌دانند.

پس از استحصال طلا، موادی باقی می‌مانند که حالت زباله و باطله دارند. این باطله‌ها بسیار سمی و برای طبیعت مضر هستند و باید به روش اصولی آنها را به طبیعت بازگرداند تا آسیبی به محیط‌زیست وارد نشود. متاسفانه این باطله‌ها در تکاب به‌دلیل بازیافت غیراصولی، به محیط‌زیست آسیب وارد می‌کنند. در تکاب چون منطقه‌ای کوهستانی است و به دلیل بارش باران و برف، این باطله‌ها با آب باران مخلوط و وارد سفره‌های آب زیرزمینی و رودخانه‌ها می‌شوند که کشاورزان از این آب برای مصارف کشاورزی و دامداری استفاده می‌کنند. در این باطله‌ها دو ماده سمی و خطرناک جیوه و آرسنیک وجود دارد که باید از ورود آنها به آب کشاورزی، آب آشامیدنی و شرب دام‌ها جلوگیری شود. این آب وقتی وارد چرخه آبی می‌شود، در ابتدا گیاهان و سپس حیوانات و انسان‌ها آلوده به این مواد خطرناک می‌شوند. در سال ۱۳۸۹ عکس و فیلم‌هایی در سایت‌های خبری منتشر شد که بر اثر کنترل نشدن آلودگی‌های معادن طلا در این منطقه، بسیاری از حیوانات و گیاهان نابود شده بودند. پس از انتشار این اخبار معادن زرشوران و آق‌دره سه ماه تعطیل و اقدامات پیشگیرانه انجام شد اما متاسفانه پس از آن به کارخود ادامه دادند.(۴)

بسیاری از این معادن در مناطق حفاظت شده قرار دارند. بهره‌برداری از آنها صدمات جبران‌ناپذیری را به گونه‌های نادر جانوری و گیاهی وارد می‌کنند. از جمله می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

در دولت دهم معدن سنگ آهنی در منطقه حفاظت شده «بحر آسمان»، کرمان به طور ناگهانی به بخش خصوصی، شرکت معدن‌کاو فروخته شد. منطقه حفاظت شده «بحر آسمان»، با چشمه‌های فراوان، تنها منبع آب کرمان جنوبی است که نابودی

آن، این منطقه خشک را با بحران شدید آب مواجه خواهد ساخت. اما با احداث معدن و آلودگی آب‌های زیرزمینی و ذخیره آب سد توسط زهاب اسیدی، وضع آب استان کرمان بحرانی شده است و خسارت های جبران ناپذیر در کمین محیط زیست این منطقه خواهد بود. به دنبال این واگذاری فعالان محیط زیست و مردم محلی کرمان اقداماتی برای لغو مجوز معدن کاوی انجام دادند که بی نتیجه ماند.

قطع درختان ممنوع القطع ارس هم باعث شده که محل سکونت این جانوران به شدت تهدید شود. قطع صدها گونه نادر گیاهی و بعضا با عمر بیش از ۴۰۰ صد سال چون ارس که حتی با صرف میلیاردها تومان هم نمی توان تعداد معدودی از این درختان را تکثیر و احیا کرد، فرسایش شدید زمین به دلیل شیب تند زمین‌های منطقه که اغلب بین ۳۰ یا ۵۰ درجه هستند، خطر بروز سیل به هنگام بارندگی و نیز تخریب زیستگاه های گونه های نادر جانوری نیز از دیگر مشکلاتی هستند که در پی احداث این معدن به وجود خواهند آمد. (۵)

با اکتشاف و استخراج معدن سیلیس در شمال شرق اردکان، (۶) معدن سرب و روی آهنگران در منطقه حفاظت شده "لشگردر"، در استان همدان، معدن مس سرخه در فاصله ۱۸ کیلومتری جنوب غربی بخش کشکسرای در حواشی روستای سرخه واقع شده که از طریق جاده مرند- خوی، معادن سنگ شهرستان چگنی لرستان، (۷) و سایر معادن مشابه مشکلات زیست محیطی بسیاری بوجود خواهد آمد که خاک و آب و هوای منطقه را آلوده کرده و برای ساکنان آن مناطق خطرناک خواهد بود.

پاسخ‌های شرکت معدن کاو به اعتراضات مردم کرمان و فعالان محیط زیست:

"شما کاسه داغ تر از آش نشوید و برای تعداد محدودی درخت و جانور خودتان را بدنام نکنید!"

معدن کاوان گفتند: «ما برای توسعه کشور و اشتغالزایی ۱۰هکتار از منطقه بحر آسمان را برای فعالیت معدنی می خواهیم. شما اگر نگران جان خرس سیاه در کرمان هستید، لطف کنید خرس های خود را یک کم آن طرفتر کیش کنید! ما خرس ها را از سر راه لودرها برداشتیم، سر از زیر چرخ تریلی درآوردند. باز هم آنها را کیش کنیم آن طرفتر یا دیگر کافی است؟"

خرس سیاه آسیایی، گونه در خطر انقراضی است که زیستگاه اصلی او غار نیشر است و از جنگل های بنه منطقه تغذیه می کند. اما راه اندازی دو معدن در فاصله کمتر از پنج کیلومتری غار نیشر این خرس ها را وادار به ترک زیستگاهش کرده است. به طوری که امسال شاهد چند مورد تصادف خرس سیاه در جاده های رودان و اطراف آن بودیم.

عکس‌العمل سازمان‌های مربوطه مانند محیط زیست و سازمان صنایع و معادن به این در حد گذاشتن جلسات همکاری و نوشتن مفاهمه‌نامه ها خلاصه می‌شود. در مواردی که اعتراضات مردمی گسترده می‌شود دستور توقف کارمعدن صادر می‌شود، اما صاحبان معادن راه‌های گریز از ضوابط قانونی را به خوبی بلدند و از طریق پرداخت رشوه یا گرفتن توصیه‌نامه از بالاتری‌ها فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهند. تنها اقدامات جدی انجام شده علیه این غارت‌ها توسط مردم منطقه و روستاهای اطراف معادن صورت می‌گیرد. هنگامی که آنان به صدمات جبران‌ناپذیر این معادن پی می برند، اعتراضات گسترده‌ای را علیه این سودجویی صاحبان معادن و برای تعطیلی آنها خود اقدام می‌کنند. در زیر به چند مورد از این اعتراضات اشاره می‌کنیم.

یکی از بزرگ‌ترین و مستمرترین اعتراضات علیه معدنکاوی‌ها، اعتراضات اهالی روستای دره زرشک و حسن آباد استان یزد بود. نه تنها اهالی روستا که جمعی از کارشناسان مستقل محیط زیست و منابع طبیعی و همچنین کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست با راه‌اندازی این معدن مخالف هستند علت این مخالفت «تهدید جدی منابع محدود آب دشت یزد و اردکان» و آسیب‌های معدن به باغات و کشاورزی منطقه و همچنین از دست رفتن آسایش اهالی بوده است.

جمعی از اهالی این روستا با مراجعه به دیوان عدالت اداری شکایت خود از معدن مس را به این دیوان بردند و دادگاه نیز به توقف فعالیت‌های معدن رای داد. با این حال مسئولان معدن فعالیت خود را متوقف نکردند تا جایی که سازمان بازرسی کل کشور نیز بررسی این معدن را در دستورکار خود قرار داد. هر بار که فعالیت این معدن آغاز می‌شود توسط اهالی به تعطیلی کشیده می‌شود. به طوری که در شش ماه اول سال ۹۱ پنج مرتبه این اتفاق افتاد. این معدنکاوی‌ها توسط شرکت ملی صنایع مس ایران انجام می شود. معدنچیان تصمیم داشتند ساعت ۴ صبح با همکاری نیروی انتظامی کار را شروع کنند اما حضور گسترده‌ی مردم روستایی مانع از این اقدام شد. مردم روستای دره‌زرشک، حسن آباد و روستاهای اطراف معدن مس پس از آنکه برای پنجمین بار که فعالیت این شرکت را متوقف کردند، صدای اعتراضات آنها به مرکز شهرستان تفت کشیده شد. آنها در تجمع اعتراض‌آمیز خود مقابل اداره اطلاعات و دفتر امام جمعه تفت خواستار توقف کامل و نهایی هر چه زودتر فعالیت این معدن شدند. اهالی همچنین با تجمع در مقابل آموزش و پرورش این شهرستان نسبت به واگذاری مدرسه‌ای که با کمک اهالی در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفته بود به عنوان پایگاه پشتیبانی فعالیت‌های شرکت مس در منطقه دره‌زرشک اعتراض کردند و طی نامه‌ای خواستار بازپس‌گیری مدرسه از آموزش و پرورش شدند.(۸)

معدن سنگ آهن کوه شاه کرمان: در شهریور ۹۲ در پی اعتراضات گسترده مردم محلی و جمع کثیری از کوهنوردان و طبیعت دوستان ایرانی به دستور استاندار کرمان موقتا تعطیل شد و قرار شد کار گروهی ویژه مسئولیت رسیدگی به آسیب‌های وارده به محیط زیست و خسارات بعدی این طرح را بررسی کند . همایش بزرگی با حضور ۱۸۰۰ نفر از مردم محلی و بیش از ۷۰۰ نفر از کوهنوردان از سراسر کشور در روستای فخرویه بافت کرمان برگزار شد و شرکت‌کنندگان در همایش خواستار توقف بهره‌برداری از این معدن و حفظ محیط زیست پنجمین قله بلند ایران در بافت کرمان شدند .

به دنبال این همایش نماینده مردم بافت، معاون رییس جمهور و رییس سازمان محیط زیست نیز در با ارسال پیامی به طبیعت دوستان و کوهنوردان با اشاره به اینکه بسیاری از طرح‌های اجرایی کشور با ملاحضات زیست محیطی در تضاد قرار دارد خواستار همکاری متخصصان و تشکل‌های مردمی با سازمان محیط زیست با سازمان محیط زیست و روشنگری جامعه در حوزه محیط زیست شدند. صبح روز بعد بهره‌بردار اصلی معدن کوه شاه، در گفتگو با برنامه رادیویی پیک بامدادی، بی‌توجه به اظهارات رییس سازمان محیط زیست، نماینده مردم بافت و نقطه نظرات استاندار کرمان، معترضان به معدن‌کاوی در کوه‌شاه را متهم به باج‌گیری و سهم‌خواهی کرد. اما به نظر مردم باج‌بگیر آن کسی است که خاک سرزمین را برای منفعت‌جویی گذرا، به خارجی‌ها می‌فروشد ! هیچ به نسل‌های بعد از خود نمی‌اندیشند ! ظاهرا این فرد تقاضای سه ملیارد تومان پول از مردم بافت کرده تا از استخراج معدن دست بردارد. (۹)

معدن گوله گوله ، آذربایجان غربی : حدود ۴۰ نفر از اهالی روستای گوله گوله در آذرماه امسال برای متوقف ماندن فعالیت معدن سنگ آهن آذر افشار در منطقه حفاظت شده پناهنگاه حیات وحش انگوران و بلقیس در استان آذربایجان غربی در مقابل سازمان حفاظت محیط زیست تجمع کردند. چند سال گذشته سازمان حفاظت محیط زیست در اعتراض به فعالیت این معدن، مجوز توقف فعالیت آن را صادر کرد و فرد متخلف جریمه‌ای بابت آن پرداخت کرد.

وی گفت: در همان سال صاحبان معدن موظف شدند دستگاه‌ها و ماشین آلات خود را در مدت دو تا سه ماه از محل خارج کنند که نه تنها این کار را انجام ندادند بلکه موفق به دریافت مجوز برای فعالیت مجدد این معدن در محدوده دو هکتار شدند. این مجوز را اداره کل محیط زیست استان آذربایجان غربی صادر کرده است. صاحب این معدن مجوز فعالیت در نیم هکتار را داشت این در حالی است که حدود ۳۰ هکتار از مراتع را تخریب کرده است.

روستای 'گوله گوله 'در ۳۵ کیلومتری شهرستان تکاب در جنوب استان آذربایجان غربی ، در منطقه حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش منطقه انگوران زنجان و نیز پوشش گیاهی کوه بلقیس تکاب در نزدیکی محوطه باستانی تخت سلیمان در اطراف آن قرار دارد.(۱۰)

بر اساس قانون منظور جبران خسارت ناشی از اکتشاف یا بهره برداری مواد معدنی باید ۱۲ درصد کل حقوق دولت در این زمینه به خزانه واریز می شود صرف اصلاح و احیا منابع طبیعی شود. اما معمولا این کار انجام نمی‌شود و صاحبان معادن به هر طریق ممکن می‌خواهند از زیر بار پرداخت **خون بهای طبیعت** تخریب شده، شانه خالی کنند.

دادن مجوز اکتشاف یا بهره‌برداری از معدن معمولا با عنوان اشتغال‌زایی صورت می گیرد. اما این اشتغال‌زایی معمولا در حد ۲۰ الی ۵۰ نفر است آن هم در کوتاه‌مدت. آنچه در درازمدت برای مردم منطقه رخ می دهد نابودی مشاغل سنتی موجود مانند کشاورزی، دامداری، زنبورداری است.

همچنین مطابق قانون ۱۵ درصد درآمدهای معادن در شهرستان‌ها باید برای ایجاد زیرساخت‌ها و احیا جنگل‌های آن شهرستان اختصاص یابد. امری که به ندرت اتفاق می افتد.

زیر نویس و منابع:

۱– طبق تعاریف این تحقیق مواد باطله به موادمعدنی بر جای مانده بر اثر عملیات باطله برداری گفته می شود. باطله برداری برداشت مقدار متنابهی از مواد تشکیل دهنده ی پوسته ی زمین برای استخراج و دست یابی به ماده معدنی مورد نظر گفته میشود و پساب یا فاضلاب به آب و مایعات حاصل از فعالیت های کشاورزی صنعتی و خدماتی و خانگی که به دلیل ورود ناخالصی ها با تغییرات فیزیکی برای استفاده اولیه نامناسب است.

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921214001266#sthash.AARhF6rV.dpuf

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921214001266

۲-http://namaz14.blogfa.com/post-10.aspx

۳-
http://www1.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100874785742

* به بهانه توسعه و ارتقای ظرفیت‌های تولیدی در بخش صنعت و معدن، تصویب نامه‌ای در آخرین روز کاری سال ۱۳۹۱ به تصویب وزیران عضو کارگروه توسعه بخش معدن رسید و با سرعتی شگفت‌آور این تصویب‌نامه در روزهای آغازین کاری سال ۱۳۹۲ به‌دست نهادهای دولتی متولی در استان‌ها رسید و ستادهای اجرایی آن به ریاست استانداران در استان‌ها تشکیل شد. ماجرای این تصویب‌نامه که متن کامل آن نیز در ویژه‌نامه شماره ۵۵۸ روزنامه رسمی کشور منتشر شده و در روزهای آغازین سال ۱۳۹۲ لرزه بر اندام ضعیف و شکننده مناطق چهارگانه محیط زیست کشور انداخت، این است که در بند ب ماده ۲ آن به ستادهای اجرایی توسعه بخش معدن استان‌ها اجازه داده است تا در راستای استفاده بهینه از ذخایر معدنی کشور، برای محدوده‌های دارای پتانسیل معدنی در درون مناطق چهارگانه محیط زیست نیز مجوز بهره‌برداری صادر کنند.

۴- در مصائب همسایگی با یکی از گرانقیمت ترین معادن ایران / دنیای معدن | یکشنبه, ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳

۵-معدنی که بی سر و صدا فروخته شد! / مهر ۱۴ام, ۱۳۹۳ /فرارو - به نقل از روزنامه اطلاعات

۶-
http://www.yjc.ir/fa/news/4623087/%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%A8-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B7%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%AC-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86

۷- بررسی اثرات زیست محیطی معدن سرب و روی آهنگران بر منطقه حفاظت شده "لشگردر" استان همدان /چراغی مهرداد ,*بلمکی بهنام/ نشریه :علوم و تکنولوژی محیط زیست : پاییز ۱۳۸۶ ,دوره , 9 شماره 3)مسلسل ۳۴) (ویژه نامه) ;از صفحه 175تا صفحه 183

http://abedih.blogfa.com/post-4.aspx

http://khabarchegenee.ir/fa/news/2757/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86%20%D8%B3%D9%86%DA%AF%D8%8C%20%D8%AA%D8%AE%D8%B1%DB%8C%D8%A8%20%DA%AF%D8%B1%20%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7%20%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA

۸- http://isdle.ir/news/index.php?news=8758

http://mes1391.blogfa.com/post-28.aspx

۹- طرفداران محیط زیست و معترض به معدن، باج بگیر هستند = http://isdle.ir/news/index.php?news=9173

http://eirib.ir/lastnews/17889-%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D9%82%D9%81--%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D8%B3%D9%86%DA%AF-%DA%A9%D9%88%D9%87-%D8%B4%D8%A7%D9%87-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF.html

۱۰- باشگاه مخاطبان ایرنا . http://www.irna.ir/fa/News/81381963/

رویدادهایی که نباید هیچ گاه فراموش شوند

۱۲ سال قبل ، در خاتون آباد شهربابک چه خبر بود؟

یکی از دردناک‌ترین اعتراضات کارگران در سال ۸۲ رخ داد در خاتون‌آباد شهر بابک. در دی ماه این سال ۲۰۰ نفر از کارگران مجتمع ذوب مس نیروک در روستای خاتون‌آباد شهر بابک کرمان با پایان گرفتن کار ساختمانی و اجرایی اخراج شدند. کارگران اخراجی همراه خانواده‌هایشان دست به تحصن زدند. آنان در نهمین روز تحصن خود در ۴ بهمن ۱۳۸۲، در پی نتیجه نگرفتن از اعتراض خود، اقدام به بستن جاده خاتون اباد – شهر بابک نمودند. نیروی انتظامی کارگران و خانواده هایشان را پراکنده کرد و در نتیجه آنها در مقابل فرمانداری شهر بابک تجمع کردند. در مقابل این اقدام کارگران هلی‌کوپترهای نیروی انتظامی تجمع انها را به گلوله بسته که ۴ نفر از کارگران به نام‌های ریاحی ، جاویدی ، مهدوی و مومنی به همراه دانش‌آموزی به نام پورامینی کشته شدند. علی‌رغم این که شکایت‌هایی علیه عاملان این جنایت انجام شد اما هیچ پیگیری در این مورد انجام نشد.

نگاهی به بریده‌های یک روزنامه‌ی محلی از آن حادثه

بابک زمین

افسوسهایی را که با کوتاهی کردن در کارها می خوری، با مقدم داشتن دور اندیشی، به یاد آور و جبران کن

امام علی النقی (ع)

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۲ ـ ۲ ذیحجه ۱۴۲۴ ـ ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ ـ شماره ۲۰

جای خالی تدبیر در حادثه خاتون آباد

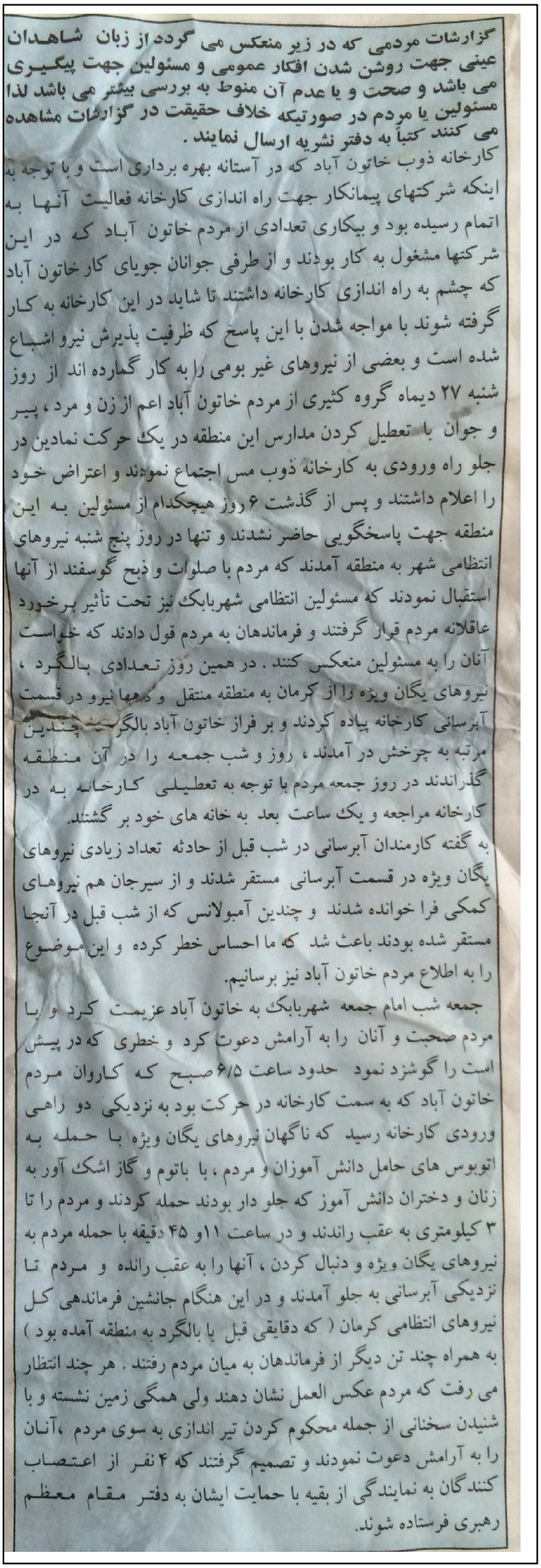
گزارشات مردمی که در زیر منعکس می گردد از زبان شاهدان عینی جهت روشن شدن افکار عمومی و مسئولین جهت پیگیری می باشد و صحت و یا عدم آن منوط به بررسی بیشتر می باشد لذا مسئولین یا مردم در صورتیکه خلاف حقیقت در گزارشات مشاهده می کنند کتباً به دفتر نشریه ارسال نمایند .

کارخانه ذوب خاتون آباد که در آستانه بهره برداری است و با توجه به اینکه شرکتهای پیمانکار جهت راه اندازی کارخانه فعالیت آنها به اتمام رسیده بود و بیکاری تعدادی از مردم خاتون آباد که در این شرکتها مشغول به کار بودند و از طرفی جوانان جویای کار خاتون آباد که چشم به راه اندازی کارخانه داشتند تا شاید در این کارخانه به کار گرفته شوند با مواجه شدن با این پاسخ که ظرفیت پذیرش نیرو اشباع شده است و بعضی از نیروهای غیر بومی را به کار گمارده اند از روز شنبه ۲۷ دیماه گروه کثیری از مردم خاتون آباد اعم از زن و مرد ، پیر و جوان با تعطیل کردن مدارس این منطقه در یک حرکت نمادین در جلو راه ورودی به کارخانه ذوب مس اجتماع نمودند و اعتراض خود را اعلام داشتند و پس از گذشت ۶ روز هیچکدام از مسئولین به این منطقه جهت پاسخگویی حاضر نشدند و تنها در روز پنج شنبه نیروهای انتظامی شهر به منطقه آمدند که مردم با صلوات و ذبح گوسفند از آنها استقبال نمودند که مسئولین انتظامی شهربابک نیز تحت تأثیر برخورد عاقلانه مردم قرار گرفتند و فرماندهان به مردم قول دادند که خواست آنان را به مسئولین منعکس کنند . در همین روز تعدادی بالگرد ، نیروهای یگان ویژه را از کرمان به منطقه منتقل و دهها نیرو در قسمت آبرسانی کارخانه پیاده کردند و بر فراز خاتون آباد بالگرد چندین مرتبه به چرخش در آمدند ، روز و شب جمعه را در آن منطقه گذراندند در روز جمعه مردم با توجه به تعطیلی کارخانه به در کارخانه مراجعه و یک ساعت بعد به خانه های خود بر گشتند.

به گفته کارمندان آبرسانی در شب قبل از حادثه تعداد زیادی نیروهای یگان ویژه در قسمت آبرسانی مستقر شدند و از سیرجان هم نیروهای کمکی فرا خوانده شدند و چندین آمبولانس که از شب قبل در آنجا مستقر شده بودند باعث شد که ما احساس خطر کرده و این موضوع را به اطلاع مردم خاتون آباد نیز برسانیم.

جمعه شب امام جمعه شهربابک به خاتون آباد عزیمت کرد و با مردم صحبت و آنان را به آرامش دعوت کرد و خطری که در پیش است را گوشزد نمود حدود ساعت ۶/۵ صبح که کاروان مردم خاتون آباد که به سمت کارخانه در حرکت بود به نزدیکی دو راهی ورودی کارخانه رسید که ناگهان نیروهای یگان ویژه با حمله به اتوبوس های حامل دانش آموزان و مردم ، با باتوم و گاز اشک آور به زنان و دختران دانش آموز که جلو دار بودند حمله کردند و مردم را تا ۳ کیلومتری به عقب راندند و در ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه با حمله مردم به نیروهای یگان ویژه و دنبال کردن ، آنها را به عقب رانده و مردم تا نزدیکی آبرسانی به جلو آمدند و در این هنگام جانشین فرماندهی کل نیروهای انتظامی کرمان (که دقایقی قبل با بالگرد به منطقه آمده بود) به همراه چند تن دیگر از فرماندهان به میان مردم رفتند . هر چند انتظار می رفت که مردم عکس العمل نشان دهند ولی همگی زمین نشسته و با شنیدن سخنانی از جمله محکوم کردن تیر اندازی به سوی مردم ،آنان را به آرامش دعوت نمودند و تصمیم گرفتند که ۴ نفر از اعتصاب کنندگان به نمایندگی از بقیه با حمایت ایشان به دفتر مقام معظم رهبری فرستاده شوند.

مردم شهربابک با یورش به مراکز دولتی شیشه های آنها را فرو ریختند

با به صدا در آمدن آژیر آمبولانسها در سطح خیابانهای شهربابک و باخبر شدن مردم شهربابک از مجروح و کشته شدن دهها تن از مردم خاتون آباد احساسات آنان بر انگیخته شد و با بستن مغازه های خود دهها موتور سوار با سنگ، شیشه های فرمانداری ، بانکها و ادارات را فرو ریختند که در نزدیکی فرمانداری یکی از مردم جان باخت و از خشم مردم نیروهای انتظامی ساعتها در شهر دیده نمی شدند .

ساعت ۱۱ شب هواپیمای حامل استاندار

معادی در درگیریها کشته شده اند ولی هنوز برای ما مشخص نیست که وسط چه کسی و چگونه کشته شده اند.

یگانهای ویژه تمام خیابانهای شهربابک را محاصره کردند

بر اساس اطلاعات رسیده در صبح روز یکشنبه هنگامی که مردم از خواب بیدار شدند خیابانهای شهر را مملو از نیروهای یگان ویژه دیدند که بعضی از آنها می گفتند شب گذشته با چندین فروند هواپیما جهت جلوگیری از شورش احتمالی مردم، به سیرجان منتقل و سپس به شهربابک اعزام شده اند.

درد دلهای مردم خاتون آباد

- ما لیسانس شیمی با معدل ۱۷ در خاتون آباد داریم حالا که تمام شرایط را داریم برایمان می گویند مرد می خواهیم در کجای ایران لیسانس شیمی مرد با زن فرق می کند. کدام کارخانه است که زن لیسانس شیمی نمی تواند در آن کارکند.
- در این کارخانه لیسانس ادبیات داریم که کار حسابداری می کند و غیر بومی است ، چرا از لیسانسهای حسابداری خود این منطقه نگرفته اند.
- اصلاً به آزمونهایی که برگزار کرده اند اعتماد و ایمان نداریم. بی جهت به ما می گویند شما سواد ندارید در حالیکه ثیمی از تحصیل کرده های خاتون آباد لیسانس و فوق لیسانس هستند من نمی دانم چرا می گویند شما تحصیل کرده ندارید.
- به نیروهای انتظامی گفتم درگیر نشوید ، نماینده می فرستیم ، با باتوم به گردنم زدند و شیشه ماشینم را شکستند.
- راننده و نیرو از ماکو ، رشت و کرج که غیر بومی اند در این شرکت کار می کنند ولی از مردم بومی نگرفته اند.
- فرزندم پراید داشت به من قول دادند اگر می خواهی کار کنی باید سمند داشته باشی با وام و قرض ماشینش را عوض کردیم آنگاه به ما گفتند در خانه خود باش هر وقت مسافر خارجی داشتیم زنگ می زنیم بیا آنها را جابجا کن که یکی دو بار زنگ زدند و دیگر خبری نشد. حالا نمی دانم چگونه پول وام و قرضم را بپردازم.

جلوگیری از شورش احتمالی مردم، به سیرجان منتقل و سپس به شهربابک اعزام شده اند.

نیروهای انتظامی اعزامی از سیرجان از حمله به مردم خودداری کردند

طبق گزارشات مردمی نیروهای انتظامی که از سیرجان به منطقه اعزام شده بودند فرماندهان آنها اجازه کوچکترین برخوردی با مردم را به نیروهای خود نداده و مردم را فقط به آرامش دعوت می کردند که از ما درخواست شد از فرماندهی فهیم نیروی انتظامی سیرجان تشکر گردد.

چند تن از مجروحین بستری در بیمارستان ولیعصر

استثمار دیگر بس است
دیگر نمیگذاریم
بر پا کنندگان ستم
نیروی بازوانمان را تاراج کنند
قانون کهنه را بدر افکن
این قانون، شلاق ستمگران است
ما قانون بهتر خواهیم آورد
قانون اتحاد ، کار ، مساوات ، آزادی
بگذار خون ستمگران
چو رودخانه ای
بر سنگفرش خیابان ها جاری گردد